

بقی ماد همیشه مقرر شده که حقوق ارباب و ظایف را بقسط برساند - معذا از تبریز دیناری از باب حقوق صاحبان مستمری که دستی بگیر هستند بخرج نیاورده اند و هرچه در این خصوص به پیشکاری مالیه آذربایجان مینویسند جواب مساعدی نمیدهند و اگر بدانند که حقوق آنها از طرف دولت متلوع شده آسوده میشوند

مستندالسلطنه پیشکار مالیه آذربایجان که تازه باین کار منصوب شده آمده اند دوست معرفت بحالشان ندارم میگویند آدم صحیح و کافی و بدیانت و امانت و بواست کرداری و دوست قلی مشهور است - لیکن چون وضع پیشکاری مالیه آذربایجان در این سنوات اخیره تغییر کلی یافته بود دور بست که اجزای قدیم پیشکار جدید را به تسویلات فسانی منم سازند و ولایه علیحدّه از این کار هم استنهایم شود و خدا حیثاً چه نکته و رمزی در این کار هست بر حسب لزوم و بحکم ضرورت این سخن را هم مینگارم حکه مقصود دولت از تاسیس این قانون جدید این است که حقوق ارباب و ظایف بدون کسر و نقصان بخودشان عاید شود و این فقره در ولایت سرگری مانند تبریز خیلی سهل و آسان است که صاحبان مستمری حقوق بخودشان را باقسط معینه از صندوق بگیرند اما در جای مثل (ارومیه) که شش منزل راه تا مرکز است و صاحبان مستمری غالباً از طبقه نجبا و مجزه و سوان و مردمان بیست و باومیششان منحصر باین حرفه مستمریست در حالیکه قدرت حرکت از ولایت و کسی هم در خارج ندارند - ملاحظه فرمایند چقدر صعب و دشوار است که شش منزل راه رفته و همیشه هم برگردد و مدتی هم در آنجا محال شود تا قلیل مستمری خود را که دارد باقسط از صندوق بگیرد چون در تبریز بصی اوقات مخارج فوق العاده از مخارج ولایتی زیاد تر میشود و اکثر اوقات برواه صاحبان مستمری در دست میاند برای اهالی آنجا صرفه جود این است که حقوق خود را نقد و دستی بگیرند - اما در (ارومیه) که حیجرت حقوق احدی ضایع و مهمل نشده هر چه با آسودگی پرداخت نموده صرف میباشند و در حالیکه این تمیز چندی است اختراپ شده بچندین

فر از نجبا و سایرین را می شناسم از وقتی که این خبر انتشار یافته مثل قالب بیروح شده و تزیینت است بچارگان از فرط غم و الم بخت خفته در گذرند - البته اگر در بلاد جزء نیز مراکز ترتیب صندوق داده شود مسلماً اسباب همه قسم آسایش فراهم و مزید دعا گوئی بینوایان خواهد گردید

خلاصه میگویند از این بید مالیه دولت از هر جا که حواله و اطلاق شود صندوق تحویل خواهد شد و از آنجا باقسط معینه در مقابل مخارج پرداخته خواهد شد

اگرچه این مسئله از ما سخن فیه خارج است اما این لفظ صندوق حکه از اصطلاحات مستحده است در میان عوام اسباب تعجب و مطرح مذاکره شده چون آن ترتیبات در اروپا جاری نشده چنی آنرا تالی کیمیا و نای سیمرخ و عتقا فرض کرده گویند اسی است معروف و جسی است معدوم - بلکه برخی آنها و رسماً بر معدومیت آن قیادت و چنین میدانند حکه این حیوان عجیبالطقت هنوز باسلام امکان و قدم بدایره وجود نگذاشته - بخی بر وجود او قیادت - اما در ماده تکوین او که تجزیه و تشریح کیمیای لازم دارد هنوز متعیرند و نمیمانند جسم مرکب است یا بسیط از قبیل معدومیت یا نبات حجه است ما شجر ۱

ولی باعتقاد این ناچیز عبارتست از ضمیر حافیو خاطر پاک شاهزاده صدر اعظم که صندوق اسرار دولتی و مخزن مصالح ملکی و مایه است و آن خیالات مقدس بلند و نیست اذک و سودمند حکه دغایر گرایهای حکمتهای الهی و حواهر فرامیفات علیه شامشاهی است در آنجا بودینه مدفون و مخزونست و انشاء الله تعالی بتعارف لیل و نهار و باقتضای زمان بتدریجاً بیرون خواهد ترلوید

از جمله اصلاحاتی حکه لزوم و اهمیت دارد اصلاحات عسکریه است - و اصلاح مکاتب رشديه ولی چون اصلاحات عسکریه راجع بشخص دوات و تکلیف وزارت جلیله جنگ است که در این خصوص قانونهای نو طرح و تاسیس نباید با تأخیرسد که در این ماده بخی و بوالفضولی نموده بیایه سرای و هرزه در آن منسوب کردیم و بجهت بیده صاحبمنصبهای ما از فرات

آگاه بودند در موقع استقرار اولیه برای تعلق اهالی و سکونتشان حصه از وجوه استقراضی را باین مصرف مهم که در نظر خاص و عام اشد ضرورت بود رسماً اعلان دادند ولی بدبختانه ابدأ معمول به واقع نگردید تا وقتی که کوب اقبال ایرانیان از افق ترقی ظالم و مسند صدارت بوجود مبارک شاهزاده عین الدوله که خدایش از چشم بد محفوظ دارد ژیب و آرایش گرفت از آنرا همیکه جز حیر مات و دولت منظوری نداشته و مقصودی ندارد و فوائد این عمل را برای سلطنت و مملکت نیکو دانسته و میدانستند اول امری را که بانجامش امر و اقدام فرمودند همانا اجرای حکم هایون در بستن بند اهواز بود

تفصیل اوامر ملوکانه را در سفر ثانوی فرنگ و اقدامات جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه و تأییدات ممتازالسلطنه وزیر مختار هولاند را چندی قبل نوشته در نامه مقدسه نیز درج گردید و تفصیل طلب داشتن مهندس هولاندی و اقدامات همدانه وطن پرورانه جناب ممتازالسلطنه در انتخاب مهندس و آمدن مهندس موصوف بطهران و مأمور شدن آن به کشیدن نقشه بند اهواز و تعیین مصارف آنرا نیز ذکر کردیم و جسته جسته اقدامات مهندس موصوف و پیشرفت کار را اطلاع داده منتظر نتیجه اصلی و حکم قطعی بود که این بشارت بزرگ را بذریعۀ نامه مقدسه گوشزد تمام ابناء وطن نموده باشم - اینک بمقتضای نائل و بمراد قلبی قائل شده زحمت عرض میدهم

(مسئو کرات و آروشن) هولاندی که مأمور بمایه و کشیدن نقشه بند اهواز بود باقیات درستکاری خدمات خود را در خوزستان انجام داده مراجعت بطهران نموده موقتاً اجازه خواست که بیولاند معاودت کرده با مشاییر مهندسین آن مملکت مشوره نموده عودت نماید

نقشه که برای بستن بند اهواز و ریور تیکه درین ماده مرتب ساخته بدست آورده برای درج در نامه مقدسه فرستادم (ریپورت مهندس و نقشه بند اهواز چون بزبان فرانسه زیر ترجمه میباشد انشاء الله در شهرهای آلبیه درج خواهد گردید) که تا نامه ملت ایرانیه بپسندند بجه گنجی در کتبخانۀ پنهان دارند و چه

قتون زیاد است و اگر خربق و تقسیم نمایند به دو قریه سرب و سرهنگ لامه یکنفر تا این میرسد چه طور میشود که دو نفر صاحب منصب نتوانند یکنفر تا این را حرکات نظامی بیاموزند مگر اینکه صاحب منصبان بی علم و اطلاع باشند

اما اصلاح مکاتب رشده اگرچه از بدو جلوس هیئت مائوس در اکثر بلاد و امصار ممالک محروسه بسی و همت غیرتندان وطن چنین مکاتب ابتدائیه تأسیس و دایر شده است لیکن در اینولایت با وجود استعداد طبیعی هنوز احدی در این خیال مقدس نیوفتاده سهل است وضع مکاتب قدیمه و تزئینات آباء و اجداد بهم که داشتند بهم خورده از دست رفته است چندین نفر طلبه بی علم و سواد و آخوند خدا نارس حق نشناس در سر هر محله و بازار محبسی باسم مدرس و مکتبی بنام مکتب باز کرده اطفال مصوم را از صبح تا شام در آنجا محبوس و معطل داشته و خودش بکعب و کار مشغول است و اطفال بیچاره بعد از پانزده سال اتلاف عمر عزیز و فقد قد شباب همینکه فارغ التحصیل شده از مدرسه بیرون آیند قادر بنوشتن و خواندن دو کلمه عبارت صحیح فارسی نیستند (باقی دارد)

### عالم عالم بشارت

وقایع نگار موثق ما از طهران می نویسد - که بمحمد آقا والته در این جزه زمان ترقیات ملیه و دولیه و تعمیرات مملکته بالاتر از آنچه در نظر هواخواهان دولت و ملت بود عنصه بروز و شهودی آید - و آراء ملک آرای نامه مقدسه و سایر هواخواهان وطن همه زیر بحث آمده آنچه شایسته مقام و در خور اقتضای وقت است بموقع اجرا می آید - روزنامه مبارکه ایران و اطلاع و گرامی نامه [ اختر ] و دوازده سال جریده مقدسه جلالین درباره بستن بند اهواز و تعمیر ممالک خوزستان صدها مقاله نوشته و هزاره صفحات جرائد خود را ازین عنوان پر کرده اند چون گوش سخن نیوش نبود همه مباح و هدر شد - سخنان بی غرضانه و مریدهای دلسوزانه آنان را هیچ گونه اثر و ثمری مترتب نیامد

از آنرا می که جرائد گوش مردم را از فوائد بستن بند اهواز پر کرده و جاهل و عالم از منافع و فوائد آن

طبقاً نیکو بند از بستن بند و تعمیر خوزستان برای ایرانیان مد نظر است - چون رپورت مذکور جهت این مراتب را حاوی است بیان برخی نکات درین موقع محسوس و ذکرین مورد تکرار و از مقصود ما خارج است باطله هیجده هزار تومان مصارف نقشه کشی و لوازم ابتدائی مهندسی بند شد - گویا تخمیناً مصارف بستن بند اهواز بطریق جدید و تعمیرات نافه آن چهار میلیون که عبارت از هشت کرور تومان باشد شده است این نکته چندان نیز لازم به تشریح نیست که تعمیر بند بوضع جدید خواهد شد و هیچ نسبت به تعمیرات اولیه نخواهد داشت بیارت واضح تعمیر بند اهواز بوضع جدید منافع و مداخلش برای ملک و ملت نسبت بقدم انصاف مضاعف خواهد بود ( مهندس مذکور مراتب را برض اولیای دولت رسانده و بجانب « هولاند » رهسپار گردید تا پس از مشوره آنچه را دولت علیه امر نماید عمل باید

شاهزاده صدر اعظم که هدایتش از گردن دشمنان دین و خائنین دولت محفوظ دارد در رپورت مذکور کمالاً مذاقه فرموده منافع آنرا برای ملک و ملت و دولت نیکو منجیده بتوسط جناب مشیرالقوله وزیر امور خارجه وزیر مختار هولاند آقای ممتازالسلطنه که الحاق از آغاز امر اقدام در این سرمایه نیک بختی همگونه بافغانی و هم قسم تشویق و همراهی کرده هیجده هزار تومان مصارف ابتدائی مهندس حواله و نیز هزیمت راسخ دولت را ابلاغ نمودند که بند اهواز باید بمصارف شخصی سلطنت بطریق جدید تعمیر شود تا برکات عهد دلارای مظفری و فیوضات زمان صدارت شاهزاده صدر اعظم بر طلبیان ظاهر گردد - دولت علیه نصف مصارف بند اهواز که عبارت از چهار کرور تومان باشد موجود و ذخیره گدازده است تا تکمیل بند بقیه آن نیز پرداخته خواهد شد - لذا حسب الامر دولت علیه جناب ممتازالسلطنه حو ضر مهندسی دیگر و یک فرجه مخصوص نیز اجیر کرده و سایر لوازم را تدارک دیده بجانب ایران گسیل داشتند مهندسی مزبور را امر شده حاکم از طریق مسیر حرکت نموده با بنی و پلکهای انهار بودنیله را بیدقته ترمیم و اصلاح نمایند و از آنجا به پیش آمده به صالح لازمه و اولیای داری و مکرر به طه رمضان بعد

اهواز شروع و آغاز بکار نمایند (عین است و قایم نگران بیوثق اداره از وضع کار و اقدامات مهندسی مزبور در عملیات خود اداره را بی اطلاع نخواهند گذارد ) حالا باید بی برده کلمات نامه مقدمه که نوشته فیوضات و برکات امروزه از موازیه وضع موجوده ملت و دولت با سال گذشته همین ایام معلوم تواند شد - الحاق ذات اقدس بلوکاه از تأکیدات اکیده در بستن سد اهواز داد ملک آرائی و سلطنت داری را دادند - و شخص شخصیت شاهزاده صدارت عظمی از اجرای این عمل سزاک حق مسند را ادا نمودند - و جناب مشیرالقوله وزیر امور خارجه و ممتازالسلطنه وزیر مختار هولاند از اقدامات مجدانه خود معنی خدمت و وظیفه شناسی را آشکارا ساختند بی رجال خیرخواه نمکشناس وطن دوست دولتخواه که مصدر کار گردند برای ملک و ملت و دولت این گونه نتایج مستحسنه بروز مینماید ( چنین کنند بزرگان چه کرد باید کار )

در آخر این محکوتوب از دور دست جناب مؤیدالاسلام را که مؤذن حقیقی ترقیات وطن است گرفته از صمیم قلب تبریک میکنیم و بشارت میدهم بحسن طاقبت ایرانیان و ترقیات ملیه و دولیه و ملکیه ایران و میکنیم

( زیرج طالع ایرانیان دمید استقر )  
( نمود شام سیه شان ز صبح روشن تر )  
حبل للنفیذ

هزاران هزار شکر که آنچه را روز نامه مقدمه در سیاست و دانش و درایت و پیش و حسن اداره و کفایت عهده دولت خواهی شاهزاده صدر اعظم نوشته و مسویسید یک یک بمنصه روز و شهود رسیده و میرسد و همه روره از اقدامات مجدانه ایشان یک گو، بشارتی بهرا خواهان ملت و دولت داده میشود آیا انتظام اداره مالیه که روح سلطنت است با آن همه اغتشاش بدین سهولت و آسانی کسی را تصور بود؟ آیا قبل از صدارت این شاهزاده دولت مجبور بقرضه سوم نشده بود و سی در اسفراض جدید نداشتند؟ چه شد حاکم پادک تدبیر بدون آنحکه دیناری نقصان ملت رسد - جمیع حقوق ملازمین جهای بولت خود برداشت آمد و در عهده چنین طه

بدان درجه دولت از عمل عالی خود استاده نمود که  
جفا در صرف هشت سکه و تومان برای بستن بند  
اموازش خود را حاضر ساخت - قدش نمودن حمل تریاک  
قلب و قالیچه جوهری که دنیا دنیا برای ملک و ملت  
منفید است دولت را چه خرج داشت ؟ و با چه  
استعداد فوق العاده در کار بود که باید تا امروز در  
حرمه التوا ماند و سدها کرور به ثروت ملت و اعتبار  
متاع مملکت نقصان وارد آورد - عنقریب دیده خواهد  
شد که آنچه را مرحوم میرزا قی خان امیر اتابک و  
مرحوم حاجی میرزا حسن خان مدبر الدوله و مرحوم  
حاجی میرزا علی خان امین الدوله برای ترقیات ملیه و دوله  
و تعمیرات مملکت ایران مدنظر داشتند شاهزاده عین الدوله  
بلمضامین از قوه بفعل آورد - و بر طالبان به نیاید  
که يك وجود با دانش خیرخواه قادر است که يك طلای  
را احیا کند و يك مملکت را آباد سازد - روزنامه  
جبل اللین خروج از صراط مستقیم سخن نمیگوید و  
بملاحظات شخصی برده پوشی از اعمال اسدی نمیکند  
اگر چیز آنچه مینویسد ملاحظه می نمود هرگز برده  
پوشی نمیکرد و هرگاه مسلک تعلق و چاپلوسی و حق  
پوشی را اختیار کرده بود بیگناه چهار سال از وطن  
مقدس خود محروم نمیشد و بالغ بر صد هزار روپیه  
نقصان نمی دید یکسای مطلق شامدست که اگر  
وسع رجال دولت مقل سابق بود باز هم مانند سابق  
می نوشتیم و برده پوشی و اعراض در حیرت حواشی ملت  
و دولت نمی کردیم - فرق این است آنچه را ما از  
وضع دولت و مسلک و خیالات عالی شاهزاده صدر  
اعظم واقفیم شاید دیگران بآن درجه مطلع نباشند و  
هر قدر ما از منی کل امر مرحوم باوقتها تجربه داریم  
برخی ها ندارند - ترقیات امور سلطنتی يك ملت  
و دوات بزرگ و يك مملکت وسیع با آن همه عوائق  
و موانع و خرابی عادات و اخلاق اهالی فوری میسر  
نمیشود اصلاحاتی که در این جزه زمان سمدارت شاهزاده  
عین الدوله واقع شده اگر بیدیه اصاف بنگرم حسن  
عاقبت ملت و دولت ایران را نیکو مشاهده خواهیم  
نمود و دیری نگذرد که روزنامه مقدس بشارت توجه  
شاهزاده صدر اعظم را در اصلاح مقنون و نظم آن اداره  
و ترقی حواشی حیرت دولت که امروزه طایفه شریف و هوش

هر سلطنت شناخته شده باز باید اداره عالی که کم  
نعمت انتظام آیه خرج و دخل دولت بسهل ترین  
و جیبی بدون اضافه بر ملت و کمی در خرج دولت میزان  
اعتدال گرفت و دخل بر خرج افزون شد و هر چه  
ازین و بعد اضافه دخل دولت شود در تعمیرات  
ملکی مانند بستن بند امواز و غیره صرف خواهد  
شد که يك برده ملت و دولت از او قائم بگیرند

مقصود آن است که از این مقنن تر وقت برای  
ترقیات ملیه و دوله ایران نیست اهالی راست که چشم  
باز کرده دوست از دشمن امین از خلق شناخته وضع  
امنیت و آسایش و ترقیات امروزه خود را با پارسال دور  
همین اوقات میزان عقل بسجند و حین عاقبت خویش  
را بدورین فراست ملاحظه کنند و کفران نصیب نوزند  
تا بشداند عذاب الیم گرفتار نشوند - پادشاه همان پدر  
بهرانیست که از آغاز حلوس نیت مقصدش بر  
جمع رطایب آشکار بوده و مشق از خر و وار و قطره از  
بحار آن را مرحوم حاجی امین الدوله در ایام صدارت  
چند روزه خود آشکار ساخته انقلاب عظیم در خیالات  
شاه پرستانه ملت هویدا گردید - چه شد که بعد از آن  
یکدفعه ورقها برگشته بقسمی ملت و دولت امیرده و  
پزمرده و مضطرب و نابود شد - و خود و رسوخ  
همایگان در داخله اندازه قوی گردید که نزدیک بود  
شیرازه استقلال ملت و دولت از هم پاشد و با آن  
همه اختلال که غیرمندان غیور را از تصورش  
موی بر بدن راست شود همین که شاهزاده  
عین الدوله منصدی امور جمهور گردید یکدفعه ورقها  
برگشت و بر اجرای آن مقاصد عالی که مرحوم  
حاجی امین الدوله موقف نگردید این شاهزاده آزاده  
مظفر و منصور شد ؟

خلاصه ما راست که بضولی بوالفضولان اعتنا  
نکرده عقل خود را حکم سلطنت نیک و بد خویش  
را ملاحظه نایم و قبح خدمت صادقانه رجال بزرگ  
خیرخواه را بدانیم و بی تحقیقت امور بریم و ملتفت قبح و  
ضرر خود شویم بستن بند امواز با این حالت موجود و  
منت کرور تومان خرج نمودن دولت بزیان آبان می آید  
اقتضای دولت علیه ایران در این امر خطیر بدرجه  
عظیم است که قریباً خطیبان یا جهلست و اقتضای ایران

تبریک نامه از اسلامبول

سحر ز هاتم غییم رسید مژده بگوش  
که دور شاه شجاع است می دایرینوش  
شد آنکه اهل نظر بر کنساره میرفتند  
هزارگونه سخن بر زبان و لب خاوش

مؤیدالاسلاما - حدایت، وفق دارین بدارد بدیسی  
است که وقایع نگاران طهران برض بشارت پرداخته  
واداره، مقدسه را مژده رسانیده اند - ولی ما نیز زده  
خود را مشغول مبداییم که از وظیفه خوش تقاعد نورزیم  
خاصه که دو بشارت و مژده توام رسید - لذا از هر ض  
تهنیت و تبریک خود داری نتوانست زیرا از حالت  
منتظره حضرات بخوبی آگاهییم

بعد از مرور در روز از جشن مولود مسعود  
اعلیحضرت اقدس ظللهی ارواحنا فداء در ساعت  
یازده روز از طرف وزارت جلیله خارجه بشارت  
سفینه کبری تلگرافی رسید که از طرف قرین الشرف  
اعلیحضرت قدر قدرت ملوکانه بنواب مستطاب اشرف  
والا عین الدوله عنوان صدارت عظمی مرحمت و هدیه  
پرس ارض الدوله رتبه امیر نویانی با هایل و نشان آن  
عنایت شد - فوراً مبشران انمژده گرامیها را بموم  
که گوششان بر آواز بود - چون گوش روزه دار بر  
اللهاکبر رسانیدند گویا بیک آسمان آیه قنق بر آنان  
خواند و بافرج بعد از شدت از برای عموم رخ نمود  
وجدی از مژده اعطای عنوان صدارت عظمی بنواب  
ارض امنع اسعد والا بر عموم مستولی بود سکه گویا  
مرده بودند حیات ابدی یافتند و همچنین از توجهات  
ملوکانه دربار پرنس ارض الدوله که بیوسته درباره عموم  
تعبه و زبردستان کمال رأفت و مهربانی را صرعی و بطور  
برادرانه و عادلانه باهمگی سلوک و رفتار نموده و مژده  
معاودت ایشان را چون جبهه از دیار راحت و فوز  
و فلاح خود از درون جان طالب بودند در نخستین  
درجه مایه امیدواری و انبساط همگی آمد

مسرت و ذوق عموم در خصوص عنوان صدارت  
بنواب اشرف اسعد والا مدظله بخود نیست قلوب  
مرآت مکنونات خاطر اولیای امورست ویژه که آثارش  
نمایان اگر حضرتش نظام مهام را بکف کفایت خود  
نگری بود در حوصله هیچکس نمیکنجید زورقی

از انجاش عاجز بودند این بنای مفید در تاریخ ایران  
از اعلیحضرت شامنشاه پدر تاجدار ما و شاهزاده  
صدر اعظم یادگاری باقی خواهد گذارد که از هزار سال  
باین طرف از هیچ یک از سلاطین ایران و اسلام اینگونه  
یادگاری باقی نمانده باشد - عظمت این بنا و منافع واجبه بآن  
را که باید بحال ملک و ملت و دولت است انشالله در  
شهرهای آتیه ذکر خواهیم نمود فعلا همین قدر ملت را  
بشارت میدهم که بستن بند اهواز شمه از خیالات طالبه  
شاهزاده صدر اعظم و توجهاتشان را در تعمیرات  
ملکی و ملتی و دوائی ظاهر میدارد و هما قریب مژدهای  
عظیبه و بشارتهای بزرگ از اقدامات شاهزاده  
عظمالیه در ترقیات ملک و ملت دیده و خواهیم  
شنید این هنوز از نتایج سحر است

مال اندیشان ملت ایرانیه را متنبه ساخته بطریق  
و توفیق ایشان را آگاهی میدهم سکه هما قریب اراضی  
خوزستان بدرجه برقی خواهد نمود که فوق تصور  
امروزه است یعنی یک بر پنجاه و صد اضافه خواهد  
شد هرکس مقدرت دارد و میتواند شایسته است که  
حالا در آن نواح رفته باندازه اقتدار خود در اتباع  
اراضی زرخیز آنجا اقدام نماید

چنین تصور نشود که اراده بستن بند اهواز مثل  
سائر خیالات سابقین است که حرفی زده و گذشته و  
رفته ابداً ترتب اثر نشده است شاهزاده صدر اعظم  
را جلالت قدر و استقامت مزاج و علو خیال اجل و  
اعظم از این است که اقدام در امری فرمایند سکه از  
عهده انجاش بر نیایند و تا تمام گذارند و چون مسلماً  
بند اهواز بوضع جدید بسته خواهد شد سوبه  
خوزستان دبری نگردد که تالی (بنگال) شود و  
اراضی حاصل خیز کنسار رود بیل بروی حسرت  
خورد - آن میزانیکه در ایام سلف از دخل خوزستان  
در تواریخ نگارش یافته چون بوضع جدید آباد و  
باسول حاله رفتار شود یک برده بل زیاده برای ملت  
و دولت ایران مانده خواهد داشت و ملت را از چند  
شعبه احتیاجات بزرگ مانند نیل و شکر و غیره نجات  
خواهد بخشید و سدها کرور بر تجارت ایران خواهد  
انزود (نیز خود حدیث مفصل بخوان ازین مجل)



را که ادلوه سابق از روی عمد رخته های بزرگ  
عیر محدود انداخته و بادبان و شراعش را انزعاج و در  
لجّه نعیط بلایا بچهار موجّه دریای فتن - پرده بود و زبری  
یافت شود که با سر بجه نذیر از تهاکه غریق اورا رهائی  
بخشد این تدبیرست فوق طبیعت که ازین مرد بزرگ  
دولت پرست وطن دوست بروز نمود و در مقام  
قدوت یابی با سرانگشت تدبیر بساحل سلامت کشانید  
و اینک جبهه اصلاح بخلاف سابقین با امرای  
با دانش درست کردار خرد پشه هم اندیشه گشته اند  
اینست مسکه هیئت اجتماعی را منها درجه امبدواری  
حاصل آمده است

بش تا صبح دولتت بدمد

کاین هنوز از نتیجه سحر است

و اینکه گفته شد سابقین آنچه کرده اند از روی  
عمد بود بخاطر رقی و سخن جاهلان نگفته ایم هر آنکو  
نگوید هیکلی مسکه از شیطان سبق میربود از روی  
سهو و خطا هیئت اجتماعی را بدین کرپوه هولناک  
در انداخت یا بکلی احق و از خرد بیگانه است و یا  
با او هم دست بوده اگر تا امروز برقرار می بود  
بای ثبات هیئت اجتماعی را از پیش بدد برده بود و  
بحال تدارک پیش بندی باقی نمیگنارد

بخدمت ذات اقدس ظلّ الهی که ملهم بالسلطات  
غیبی میباشند این خاز را از پیش بای اولیای امور بلکه  
جمهور دولت پرستان دور فرموده و مهمام ملک و  
دولت و ملت را بدست امینی سپردند که گویا حکیم  
قآنی در پنجاه و هشت سال قبل این شعر را مناسب  
انجام اشاد نموده

بجای ظلم شقی نشسته مؤمن قوی

که مؤمنان متقی کنند اقتقارها

از آنجا که پست نظران بی شرم و نفس پرستان بی  
آزرم مقام بلند و بیگانه ارجند وزارت را بارذالت نفس  
س آب و همه گونه اسباب بدبختی هیئت اجتماعی را فراهم  
آورده بودند - بتصور کسی نمیآمده که بمجرد تکفل این  
مهممظم و تمهد ایتمده ام که سی سالست کج اندیشان  
بی آیین کافه تشوئات اورا همو وضایع و جمیع کارهای  
مربوط به آن مسند را از دایره اعتدال خروج و با  
مفاسد گوناگون مشغول داشت بلکه و سایل اصلاح

آنها را از هر جبهه نابود و راه پیشرفت را از هر طرف  
ممنوع نمود مودماد وجود محترمی یافت شود که پس از  
قبول این عنوان تواند باصلاح اینفاسد دست رس گردد  
و کافه غیرت مندان وطن و دولت پرستان مستمند در  
انتظار بروز چنین وجود محترم با حیت سکاردان  
غیوری بودند - چون اراده ازلی در دوام و بقای  
دولت قدیمی شوکت علیه ایران تعلق گرفته است  
چنانچه تاریخ عالم گواه اینخدمات در هر وقت و زمان  
که کارها بسحق کشیده دست غیب مریدی را جبهه  
اصلاح برانگیخته ذات اقدس ظلّ الهی ارواحنا فدایه  
بمفاد (للولک مله وون) ملهم بالسلطات ربانی خلود  
فرموده و با نظر کیمیا اثر مخلوقانه این بیگانه دوران را  
از جبرک خاصان جبهه تمهد این امر خطیر اختیار و  
فرمان قضا جریان قبول اینخدمت بزرگ و تمهد  
ایتمده سترک دربارش حضرتش صدور یافت و با یاری  
دست غیب بعضی قبول مسند و کالت و مقام صدارت  
عظمی در اصلاح مفسد بد و بیضا نمود و در دفع  
مضار و جلب منافع کوی نیکبانی از همه ربود

حق اینست اغتشاشات طالبه با انقلابات اوقابیکه امیر  
اتابک مرحوم مقصد این امر خطیر گردید نسبت قبول نمیکند  
آنوقت برخی از حکام و نجه اظهار نافرمانی بنمود  
ولی اساس را صدمه وارد نیامده بود - اجانب را ابدأ  
مداخله و دولترا دیونات خارجه نبود ارکان دولت همی  
مردمان با دانش کاردان نجیب و اهل سلسله و دودمان  
بودند برخلاف امروز که هرچه در آرزو از عسکر  
جرار و صاحب منصبان بکار و شاهزادگان طالبمقدار  
و وزراء و وکلای دانشمند با اقتدار موجود بود  
امروز مفقودست و زشقیها که در آرزو ابدأ وجود  
خارجی هم نداشت امروز از اثر کردار و افکار برخی  
غداران موجودست در آنوقت در درباریان حکومت  
ناراستگاری یافت میشد بخلاف امروز ولی حضرت اشرفی  
اسد والا عین الدوله خلاف قول حکما را تابد و قلب  
طامیت فرمود که اینک کارکنان حضرت جز راستی  
طریق دیگر نمی بینند و همی در اعتلای دستگاه دولت  
و انتظام امور ملک و ملت میکوشند

بی اینهمه آوازه از سه برز - که از نخست روز  
بیوست خاطر ملوکانه منوجلا کعبه ملک و تکثیر ثروت

### مکتوب یکی از دانایان

یکی از دوستان سؤال کرد می سال میشود ضربخانه طهران بضر بسکه قره شب و روز مداومت دارد چه جبهه چه میباشد که قران جدید نایاب و پول کم است - جواب دادم سکه تجار به بلاد خارجه برده و در عوض جنس قلب می آورند این است که پول در ایران نایاب و هرگاه در این باشد بگردد و بکثرن دیگر باین وضع بگذرد پول در ایران حکم سیمرغ و کیمیا را پیدا خواهد نمود - ختید و گفت ای پیاده ایرانی بجاه سال زیاده از عمرت گذشت و به حساب افتاد هم میمانی و چند شهر خارجه را هم دیده افسوس اینگونه سخنان میگویند نه تنها شما بلکه در این قرن اخیر که اکثر از رجال محترم و تجار که به سیاحت فرنگستان رفت و مسالنی پول ایران را در خارجه خرج هوا و هوس نموده هنوز جبهه فقدان پول را در ایران ندانسته تجار محل اعتراض روزنامهها و رجال دولت شده و رجال جوات مابۀ ریش خند تجار گردیده - عوام الناس هم به قول بعضی کالانعام در حرکت خود شان مداومت و قوه تصرف و تعقل در کلی و جزئی حرکات خویش ندارند یعنی ریسانشان را بقدری محکم بسته اند که به حرکت جزئی ندانند خود را بکودالهای محیق انداخته بکفنه می فهمند که تمام اعضایشان خورد و در هم شکسته است

عرض کردم شما بیان فرمائید که پول ایران بچه محل میرود حساب ذیل را عنوان کرد نگارنده نیز محض اطلاع قان نامه مقدسه تا جائیکه بکسی بر نخورد عرض مینماید هرگاه مصلحت وقت باشد درج فرمائید

### تروت ایران چه طور باید می شود

اولاً آنچه بر روسیه و فرنگ سازد داخله ایران مالالتجاره میرود همان میزان هم از آنچه به ایران مالالتجاره می آید و فرقی که در زیادتی تجارت خارجه بر داخله است نه چندان میباشد که اسباب محرومیت تروت يك ملت بزرگ تواند شد هرگاه بمیزان دخل و خرج مانکی دول مراجبه شود بموجبی این نکته آشکار میگردد - هرگاه فی الجمله زیادتی هم از تجارت خارجه دیده شود معادل است با آنچه حضرات تجار بوعده خریداری نموده از سالی بهالی میکنند همان مقدار که قرینه تجار بخریده شده

و استقامت افراد ملت بود ولی از خطا پنداران خان جالع و حایل مابین مقاصد ملوکانه و اجراء بودند ببناد بالامور مهون باوقاتها چون باید برده ناراحتان یکدنه بیاره و دریده شود تا خدمت از خبیانت زود تر تواند آشکار شد - تاخیر در بروز شده بود و هم ( تا پریشان بشود کار بسامان نرسد) باید پریشانی بسرحدی برسد که مایه جلب توجه اهل حضرت اقدس شهر یاری آمده در نظلم امور نظر انداخته و ایسده جلیل را بشخصی واگذار فرمایند که از خیر خواهی او اطمینان کامل داشته باشند و هم او در میان حکمات موقع مخصوصی را احراز و در دولت و مات و وطن دوستی ممتاز بیفرس با غیرت و حمیت و اصاف و دارای حسن عمل بوده باشد - علی جبهه حفظ حدود و حقوق و اعتلای دولت و ملت و آسودگی و ترقی رعیت اینگونه صدر معظم در کار است که دارای همه گونه صفات پسندیده و خصیال برگزیده بود بارای رزین و عقل دورین در مضلات امور تدبیر صائب بکار برده و استقامت و استقامت ورزد - تا پریشانیها بجمیعت و ویرانیها رو با آبادانی نهند - چنانچه همواره در اخبارات داخله و خارجه مزده تازه و بشاراتی فوق مأمول مطالعه میشود بحمد الله اجر شما ضایع نگردید - و استقامت شما بپدر نرفت - یاد آورهای شما از خاطر ما محو نگردیده - سی شما مشکور آمد - و بر عالم واضح گردید که آنچه را نامه مقدسه درج می نمود همی عین حقیقت و از روی غیرت ملی و دولت پرستی بوده - غیرت و حمیت شما را از مدافعه و تملق مانع بوده است و هیچگونه خیرش شخصی بکار نبرده اید سینه را بوجه دولت پرستی هدف هرگونه بلا قرار داده آنچه سلاح و خیر دولت و ملت بود نگاشته در مدح نیک روشن و قدح بگذرداران فروگفتاری نگردید تا آنکه صدق نکارشات نامه مقدسه به تصدیق رسید - و اینک دم بدم خیالات و اقتضات بنیگان حضرت اشرف اسعد والا صدر اعظم پیشتر پایه امیدواری عموم کشته و میگردد - علاوه از متبریات جبل المذنبی سوسه اشخاص معتبر خبرهای خوش از فکر بتهی که شاهزاده سعادت عطلی دو نظر دارند و استقامتی که در کارهای بزرگ مینمایند می نگارند (باقی دارد)

بهر مشرف میشوند ثبت نموده معلوم خواهد شد که  
کتر از پنجاه هزار نفر به شمار نخواهد آمد  
ده هزار نفر از آنها زوار بیاده و سادات و  
قرا هستند اگر چه در صورت طاهر ثلث این ها به  
تکدی اصرار وقت مینمایند ولی گذران این ها از سایر  
زوار است و کمتر از سه ماه در خاک عثمانی توقف  
آنها نمیشود و شبانه روز از یکقران کمتر میتوانند  
خرج نمود جمماً میشود بیول قران (نود هزار تومان)  
ده هزار نفر دیگر از سواحل خلیج فارس از  
اهراب و عشایر می آیند شبانه روزی دو قران کمتر  
خرج ندارند چونکه کرایه مال و کسکش هم میدهند  
جمله میشود (یکصد و هشتاد هزار تومان) در سه ماه  
ده هزار نفر از عشایر حدودند این ها گذشته از  
خرج و کرایه سوقات هم باید خریداری نمایند هر نفری  
کتر از سی تومان خرج ندارند جمماً میشود (سیصد  
هزار تومان) (باقی دارد)

### تکرافات

(۱۲ شعبان - ۲۲ اکتوبر)

جنرال (کروپاکن) رپورت میدهد که قشون ژاپون  
سرعت تمام دهات جنوبی رودخانه (داهو) را خالی میکنند  
و اسلحه حرب و باروت زیادی هم گذاشته و گفته اند  
ژنرال (روتز) از اردوی روس تلگراف میدهد که لشکریان  
مختصین مشغول تپه جنگ هستند و علامت چنین ظاهر  
میشود که عنقریب جنگ سختی خواهد شد و لشکریان روس  
هنوز اراده حمله بر دشمن ندارند

ژنرال (پتربرگ) مشهور است که از (۱۷) صوبجات روس  
که تا کون لشکر بجهت جنگ نظیید، بودند قشون ذخیره  
طلب کرده اند

ژنرال (پتربرگ) فیصله کرده که محکمه جنگی  
ولادیوستک درباره چهار (آلانین) کرده بود رد کرده  
حکم داده است که چهار مزبوره را با محمولاتش رها کنند

(۱۳ شعبان - ۲۳ اکتوبر)

ژنرال (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که غیر روسی  
مشهور است که لشکر روس بطرف مینه ژاپون اجتمع  
میکند و (۲۰۰) سوار روسو از مشرق رودخانه  
(نیشی هو) عبور کرده بطرف مغرب روانه شده اند

ژنرال (بالتیک) امروز عصر از (دوبر) گذشته  
بسمت مغرب رهسپار گردیده اغواست که در دریای شمالی  
دو کشتی مای گبریا (۱۸) نفر مای کبر غرق نموده اند

ژنرال (سزاروف) رپورت میدهد که دیروز جنگ  
سختی نشد ظاهراً ژاپون پیشبندی حله قشون روس  
را بر مینه خود نموده تا با سوره گی حله نمایند و بز

مالالتجاره خارجه ایران زیاد آمده است چنانچه از  
بازار مکاره مبنای این نقره بخوبی فهمیده میشود  
دویم در مبادله صراف و اصنافی خارجه اگر دقت  
نمایم بخوبی آشکارا شود که قران ایران در هیچ  
یک از بلاد روس و فرنگ خرج نمیشود و عیار  
قرانها قدی زیاد است که حبه آب سکردن هم  
صرفه نمیکند و اگر دیده شود نهار بروی قران  
میفرستند از طرف دیگر باید دید که عین همان قران  
جبهه خرید مالالتجاره دوباره به ایران برمیگردد و ابد  
در خارجه نمی ماند و بملاوه همه ساله هم نقره واصل  
میشود ما را به حکم طبیعت دیانت و بر حسب دیانت  
زیادتی در کار است

چون محل زیارت واجبه و سنتی ایرانیان در  
خاک عثمانی واقع شده این است که همه ساله به طریق  
وجوب و سنت بالغ بر پست و پنج کرور تومان از  
ایران پول داخل خاک عثمانی شده و در عوض جز  
مقداری مهر و تسبیح و باد بیزن و سواک و آب  
زمنم بر نمی گردد این است که هرگاه سالهای سال  
ضرابخانه ایران مشغول به سکه طلا و نقره باشد  
بی حاصل و باز ایران بی پول و فریاد مردم بلند خواهد  
بود - بگذاریم و بگذاریم و حساب پست و پنج کرور را  
بدهیم که مورد اعتراض نشویم

اولاً بر هر مستطبی فرض است که زیارت خانه خدا  
مشرف و از آستان پوسی حضرت ختمی مرتبت صلیم  
کسب فیض نماید در سال آنچه به حساب آمده کمتر  
از ده هزار نفر حاج از آقا و نوکر از ایران نمی رود  
رویم که خرج آنها ملاحظه شود فی نقری از یکصد  
لیره کمتر کفایت نخواهد کرد - زیرا اقل ششماه توقف  
آنها در خاک عثمانی طول کشیده و مبلغ گزافی از این  
وجه را به سگرایه مال باید بدهند - این مصارف  
واجب سر میزند به دو سکرور لیره طلا و قیمة  
لیره به حساب امروزه بختومان و سه قران جمماً بیول  
قران (ده کرور و سیصد هزار تومان میشود)

دویم زیارت اماکن شریفه آئه هدی سلام الله علیهم  
میباشد - هرگاه از طرف دولت علیه ایران بر مأمورین  
مرشد حکم شود که همیشه تعداد زوار را سالانه از  
سواره و پیاده شهری و دهاتی و عشایر که از بر و



شل اوپاما) روز جمعه حالات میدان جنگ آرام بود تویهاتیکه از میسرة لشکر دوس بنصرف ژاپون آمده (۴۳) مراده بود و (۲۷) و میسرة ژاپون گرفتند و (۱۶) را مینت - جاسوسان ما جسد (۲۰۰) نفر لشکریان روس را شب پنجشنبه قریب (چنگ باتیک ناپلو) دیده اند

§ و نیز بموجب رپورت (مارشل اوپاما) تا روز (۲۲) قتلانی روس از ایقرار است

§ امیر (۵۰۰) مقتول (۱۰۵۵۰) توپ (۴۵) کلوله توپ (۶۹۲۰) تفنگ (۵۴۷۴) تفنگ تفنگ (۷۸۰۰۰) کشته کان روس را با عزت لشکری دفن کرده تا تقصان روس در این جنگ (۶۰۰۰۰) بقل آمده تاکنون نیز مشغول تدارک هستند -

§ اعتراضنامه درباره کشتیهای ماهیگیری در پترسبرگ بدوات روس پیش شده و نیز اظهار بود اند که در انجام مطالب دولت انگلیس تکاهل نباید کرد

§ لاردر لندون فردا با (کوت بیکندروف) ملاقات خواهد نمود

§ چنین کان میرود که روس در جواب اعتراض انگلیس چنین گوید که این حرکت جهازات بالتیک بسب خوف و کشتیهای ژاپون بود که شاید مشغول برنگ انداختن در دریای شمالی باشند

§ از راپورت نوی (مارشل اوپاما) معلوم میشود که عدد مقتولین روس در جنگ شاهو (۱۳۲۳۳) و اسراء (۷۰۹) بوده اند

### ( ۱۵ شعبان - ۲۵ اکتوبر )

§ امیرحضرت ادورد هفتم پادشاه انگلستان تلگرافاً بحکمران (هل) تأسف خود را درباره ماهیگیران اظهار کرده و (۲۰۰) ایرا باطامه مصیبت زدگان اعطا فرموده اند

§ مستر نفور در جواب عرضداشت حکمران (هل) من باب حرکات ظالمانه جهازات بالتیک چنین نگاشته که شما را بر دولت انگلیس در انصاف این حرکت وحشیانه اطمینان کامل باید باشد و آسوده خاطر باشید

§ تمام اهالی انگلند از صدمه که بر کشتیهای ماهیگیری وارد آمده اظهار خشم بر روسیان میکنند

§ ماهیگیران تمام بنادر مراسلات مسترضانه از حرکات جهازات (هالتیک) بوزراء خارجه دول نوشته اند بسیاری از اخبارات اروپا مینویسند که توان دادن و عذر خواهی نمودن بدوات روسنی نراست بلکه دولت روس باید سزای مقصرین را داده جهازات بالتیک را از سفر منع نماید

§ (کوت بیکندروف) از آلمان وارد لندن شد جمع قلبی در ایستگاه راه آهن بر او طنز و تمسخر کرده جوانی خواست کان، سواری او را بشکند -

§ (کوت بیکندروف) با کار دلی نیوز رسماً خبر داده که اهالی انگلند را مطلع سازد که خود و مملکت او از اینواقعه سهویه نال ناراضی را دارند و بسیار اندوهگین میباشند § اداره مانسور روس در پترسبرگ این خبر را پنهان داشته حتی اینکه روزنامههای صبح هیچ نوشته روزنامههایی که شام لغات میشود همین قدر نوشته بودند که دستة جهازات

مقتول روس از سورت سرما خیلی در صدمه اند چه که غیبه و خرگاه درستی ندارند

§ غیر (روز) از اردوی جنرال (اوگو) مینویسد که تلفات میسرة اردوی ژاپون (۵۱۰۰) نفر بوده کسانیکه اندک زخمدار هستند نیز در این عدد شاملند ولی تقصان و تلفات روس خیلی زیاد بوده (مارشل اوپاما) قتلانی روس را در آن جنگ (۶۰۰۰۰) مینویسد

کشتیهای ماهیگیران که به مقام (هل) رسیده رپورت میدهند که دستة جهازات (بالتیک) شب جمعه در جانب شمال ر دستة کشتیهای ما حمله کرده دو کشتی را غرق و دو نفر را کشته بسیاری را نیز زخمی کردند

### ( ۱۴ رجب - ۲۴ اکتوبر )

§ جهازات (بالتیک) قریب جزیره (اوبت) عصر یکشنبه جهازی را گرفتار کردند - دکلاهی صاحبان پنجاه کشتی ماهیگیران در (هل) خائیمه کان خارجه دول باین مضمون اطلاع داده اند که یک قسمت از جهازات (بالتیک) نصف شب حمله گذشتند و قسمت دیگر بعد از آنکه با چراغهای دریایی جستجو کرده بطرف کشتیهای ماهیگیری انگلیس رو آورده شروع به شلیک کرده چند فروند را غرق نمودند جسد تاخدائیکه قطعه قطعه شده بود به (هل) آورده اند باقی حمله جات که زخمی شده در جهازی که متعلق بیکی از کشتیشان بود پناه گرفته اند - دو جهاز ماهیگیری (مولسی) و (مینو) با خرابی زیاد به (هل) رسیده جهاز (مینو) ۱۶ سوراخ باو وارد شده و اندیشه آن هست که دو کشتی ماهیگیری دیگر را با حمله جات آن غرق کرده باشند - بعضی از اخبار نگاران رأی میدهند این حادثه که در دریای شمالی وقع شده از راه نادانی است دولت انگلیس باید از دولت روس حواض حضرت نماید و نیز مقصرین را بسزای عمل برساند

§ جان گذاز تر از همه اینکه جهازات بالتیک پس از شلیک بر کشتیهای ماهیگیران فوراً بدون اینکه عملی جاتیکه در شرف غرق بود نجات یا بیکی از بنادر انگلیس اطلاع دهند راه خود را گرفته رفتند -

§ (استدرد) مینویسد که جهازات بالتیک را نباید گذاشت باین طریق رفتار کنند زیرا که اینگونه حرکات دول سابر را صدمه میرساند و معلوم می شود که در بحر شمالی هم از حمله خصم ترسانند اخبارات روسی مینویسند که خوفشان بآن بود که کشتی موشک ژاپون از وسط جهازات ماهیگیری بر آنها شلیک نماید

§ از تقرر ماهیگیران مفهوم میشود که اول جهازات بالتیک نزدیک آمده با روشی چراغ دریایی دیدند که کشتیها مشغول ماهی گرفتن اند علاوه بر آن علامات مشهوره ماهیگیری هم بر کشتیهای مزبور بود -

§ دیشب نصف شب در (هل) مشهور شده که کشتی (رن) با هر که در آن بود از عملجات وغیره غرق شد، ۲۹ نفر از ماهیگیران مجروح دو (دیپ سی فیشر) دو جهاز کشتیشان پناه گرفته اند چند کشتی مفقودالجمراست دستة کشتیهای ماهیگیری (۱۵۰) فروند بوده است

§ در تلگرافی که اردولت ژاپون شب شنبه به مستر هیاشی گونسال پبشی رسیده چنین بیان شده - بموجب رپورت (مار

بالتیک با چند کشتی مایه گیری متصادم و دو کشتی غرق شده است  
§ سفیر انگلیس در برتربرگ از (سکونت لسدروف)  
وزیر خارجه تفصیل واقعات را طلبیده جواب داده عهده این  
خبر از تلگراف لندن معلوم شده هنوز با اداره بحری پروتی  
از جہازات بالتیک نرسیده است

§ اخبارات خارجه حتی جراند آلمان اعتراضات سخت بر  
حرکت جہازات بالتیک نموده مینویسند که این دست  
جہازات معدن بی غیرتی و منبع خوف و هراس اند بر  
فرض که بشرق اقصی هم برسند بیک حلقه ژاپون تحت التری  
خواهد رسید مثل کشتی کاغذی

§ لاردر لسدون بدل خارجه که بر مظلومین وارد آمده  
با نهایت سرعت خواهد بود و نیز سزای مقصرین و مذرت  
خواستن از دولت روس را

§ جہازات روسی مینویسند که مذرت خواستن روس  
ممکن است ولی کشتیهای مایه گیری هم بی تقصیر نیستند

§ اخبارات فرانسه را گمان اینست که دولت روس تکالیف  
انگلیس را قبول خواهد کرد

§ مستر بالفور مراجعت بلندن نمود  
§ امپراطور روس به پادشاه انگلستان تلگرافاً ازین حادثه  
اظہار تأسف فرموده و به باز ماندگان مظلومین احوال  
رسی و اظہار ہمدردی نموده اند

§ ( سر ایچ ایس کنگ ایم بی ) که یکی از اعضای  
شورای ملی انگلستان است درباره واقعه (هل) با کمال  
دروغی حالت کشمندی مایه گیری را بدولت پیش کرده محم  
نموده ظلم هائیکه بر آلمان وارد شده است

بطریق رسمی خبر رسیده که بمجرد رسیدن اخبار واقعه  
مایه گیری فوراً از محکمه بحری حکم امداد بجہازات جنگی  
آبنای انگلیس و بحیره روم از جانب دولت انگلیس صادر گردید  
§ مخبر ( روتر ) از برتربرگ مینگارد که سرچارلس  
هاردنچ حلی با الفساط بسیار سخت مشتمل بر تفصیل  
وقایع مایه گیری روس بوزارت خارجه نوشته و مذکور  
نموده که بعد از رسیدن جواب مفصل حالات راه خواهد  
پیش کرد

§ کشتی اسب به (هل) رسیده تقصان زیادی بآن وارد  
آمده و دو نفر از محرومین کشتی (کریں) در او هستند  
§ امروز ملاقات مفصلی بین لاردرلسدون و (کونت  
بیکندروف) واقع شده

§ تقصان ژاپون در جنگ شامو رسماً (۱۰۸۷۹) اشاعت  
یافته است -  
§ کونت بیکندروف به کیانی ( روتر ) اطلاع داده  
که من بقیین دارم هنگامیکه تلگرافاً احوالات بتوسط سفیر  
اندلس از برتربرگ برسد تمام و مشکلات حل خواهد شد  
و تا این مناقشات از راه دادایی و سپور شده اند روس این  
ایران دوستی دولتین روس و انگلیس در کمال ترقی است  
ایر گزیده و انان پیش آید

§ امپراطور روس تلگرافاً پادشاه انگلستان اطلاع  
داده که تا بحال درباره این حادثه در امیرالبحر ( روزیدیت  
ویسکی ) خبری نرسیده و چنین بنظر میرسد سهواً  
اظہار افتاده باشد پس از دریافت مطالب بطور مختصراً  
شن معینتہ زدگان خواهیم کوشید

§ در اجلاس رسمی دولت روس جنرل ( کروپاتکن )  
را سپه سالار کل قشون اقصای شرق و امیرالبحر (الکس  
لف) را فرمانفرمانی صوبه جات شرقی تصدیق نموده است  
§ مخبر ( روتر ) از ( برتربرگ ) خبر میدهد که وزارت  
بحری روس از عدم علم بمقام و جایگاه دستہ جہازات  
( بالتیک ) غوری تحقیقات لازمه را نمیتواند نمود

§ مخبر روتر از ( برست ) خبر یافته که تونسل روس را  
نوشتهجات زیادی بجهت امیرالبحر ( روزیدیت ویسکی )  
رسیده است

§ کشتی مایه گیری ( کال ) در روز با سه نفر مجروحین  
وارد هل شد

§ لاردر لسدون در تحریر خود که در جلد ( بلکریم  
با نکویت ) نموده اظہار داشته است که مسلماً دولت  
روس ازین حرکات ظالمانہ مذرت نموده خساره را نیز  
قبول خواهد کرد - و جلوگیری این گونه حادثات برای  
آینده مفید است - و البته مجرمین را بزای خود باید  
رسانید

§ رئیس دولت جمهوری آنازونی مستر روبرت دعوت نامه  
مجمیع دول برای شرکت نمایندگانشان در ( مگ )  
فرستاده - مظنون است که ساهی در خودکی جنگ و نگاه  
داری حقوق تجارتی دول در دریاهای عمومی بشوند  
§ قشون ساخلوی ژاپون که در ( کولیا ) بود حکم  
شده که با وطن خویش معاودت نمایند

§ رسماً اعلان یافته که تا ۲۰ دسمبر انعقاد مجلس پارلمان  
انگلستان تعطیل خواهد بود

§ جوش و خروش اهالی انگلستان همه روزه زیاد شده  
خاصه بواسطه سکوت امیرالبحر روس و ننگارشات اخبارات  
روسی که پس از اظہار تأسف ازین قصاصات و واقعات و شایانہ  
بیان میکنند که هرگاه دستہ جہازات جنگی انگلیس نیز در مقام  
جہازات ( بالتیک ) بود حرکت چنین میگشتند  
چه جہازات مذکورہ را جواب دہی زیاد و همان قدر نیز  
حقوقشان ثابت است - لاز بر کشتی مایه گیری بود که  
از راه جہازات جنگی کناره گیرند

§ رسماً ۱۰ جنرل تونسل بتنی از دولت ژاپون خبر  
رسیده که تا ۲۰ شهر حال در جنگ ( شامو ) تقصانات قشون  
ژاپون یازده هزار هشتصد هفتاد و نه نفر بوده افسران  
نیز درین عدد شاملند

( ۲۶ اکتوبر - ۱۹ شهبان )

§ چهار فروند جہاز جنگی بالتیک در ( ویکو ) رسیده  
ما بقی نیز عنقریب خواهند رسید

§ اولین جواب ( کونت بیکندروف ) سفیر دولت روس  
به لاردر لسدون وزیر خارجه انگلیس رسیده - بعد از اظہار  
تأسف بسیار ازین حادثه غیر منتظرہ بیان نموده که در دای  
خساره کامل مشروط رسیدن خبر رسمی دولت روس را هیچ  
غذری نخواهد بود - اهالی انگلستان این جواب را کمال  
ندانسته اقرار بسزا دادن مرتکبین این عمل را خواهند -

§ در جمیع ادارات حربی دولت انگلیس اقدامات ابتدائی  
جنگ نمودار است

§ حال برتربرگ را تصدیق اینست که عهده بحری

۱) هر ساعت جوش و خروش اهالی انگلستان زیاد می شود - فردا مجلس شورای وزیران ملتند خواهد گردید  
 ۲) واترنت امیرالبحر (روزید بست وینسکی) به پترسبرگ رسیده در آن بیان شده است که دو کشتی موشک در این کشتیهای مانی گیران موجود بود و بر کلمات نفوس اظهار اسف نموده است - دسته چهارم آشنای انگلیس در جبل طارق رسیده مستند حکم و حرکات است - جمیع اهالی انگلستان را رای این است که برای این و معاوضه کامل دو این حادثه باید داده شود

۳) (سرهنری کبیل برمن) و (لاردر روزری) مکه دو رؤسای ملی شناخته می شوند اهالی انگلستان را آگاه نموده اند مکه همه در قاید و مدد آن حاضر خواهند بود  
 ۴) جهاز جنگی (اکون) مانع کشتی موشک شکن از بندر (مانتا) حرکت نموده نقطه توجیش معلوم نیست

۵) دسته چهارم بحیره روم را که در (فیوم) است از جانب دولت انگلیس حکم رسیده که مستند حرکت باشد که با چهارم آشنای انگلیس توام بجانب مغرب رخ نماید  
 ۶) افسران بحری انگلستان را عقیده این است که قبل از آنکه دسته چهارم بالتیک در مرکز و مقام خاصی برسد جلوگیری آنان باید شود

۷) بموجب خبریکه از پترسبرگ رسیده دولت روس کاملاً در صدد تحقیق است و هنوز دولت انگلیس را مهلت آن مافی است که آخرین خط اتمام حجت را روانه نماید این است که وزارت خارجه انگلستان فقط درباره حواصت لارمه ظاهر نموده بگفت مینماید - حال دولت روسا عقیده این است که درین مسئله اهم اجبات کار روانی نیتوان کرد - چه اغوغ بسیار سخت و جواب باید از روی تحقیق و اطمینان خاطر داده شود - فقط مطابق جوایکه از طرف امیرالبحر روس بسفیر انگلیس داده شده تدارکات و تحقیقات اجالی خواهد شد

۸) تلگرافیکه خبر دوتر سرور از مگدن نموده ظاهر میدارد که دیشب در مقامیکه واقع در زاویه شمال (شاهو) است توپخانهات دولتی منارینین یکدیگر شلیک نمودند  
 (۹۸ شعبان - ۲۸ اکتوبر)

۹) دسته چهارم بالتیک کان میرود سرور از (ویگو) حرکت نموده بجانب (ناجیر) رهسپار کردند - هریک از چهارم جنگی روس برای حمل چهار صد تن ذغال احازه یافتند

۱۰) فونسل روس در (ویگو) دیروز عصر با امیرالبحر (روزید بست وینسکی) در جمل مشوره نموده ار آن بعد امیرالبحر موصوف ساز کپتانهای چهارم را طلب کرده تا دیر باز در گنگو و مشوره مشغول بودند

۱۱) دسته چهارم آشنای انگلیس در روز کاملاً در جبل طارق مستند جنگ بودند و امروز حرکت مینمایند و برای متفق جمله بر کوهی را پیش نهاد کرده اند  
 ۱۲) دسته چهارم بحیره روم که در پوله و فیوم بوده گویا بجانب جبل طارق روانه شدند -

۱۳) اعلیحضرت امپراطور روس امر نموده مکه دو جهاز گریه (پترسبرگ و اسولتکس) را تبدیل اسم به (دیون و دیون) نمودند در چهارم جنگی شامل نگاشته

۱۴) امیرالبحر (الکسندر) را از افضای شرق طلب خواسته نمود  
 ۱۵) مجرید و روز امیرالبحر (روزید بست وینسکی) در (ویگو) دولت اسپانیا و برا متنبه ساعت ۴ از گره ذغال مملوع است - امیرالبحر موصوف اظهار داشت مکه جلوه چهارم آنرا صدمه رسیده محبوراً از دست چهارم علیضه شده است - باوجود منع دولت اسپانیا پنج کشتی آلمانی که حامل ذغال بودند نزدیک چهارم روسی رفته فوراً یکی از کشتیهای گزیه اسپانی برای منع آن ازین حرکت بجانب کشتیهای جنگی روس رهسپار شد - چون کشتیهای آلمانی این شدت را ملاحظه کرده سه کشتیهایشان بجانب ناخیر رهسپار گردید - و امیرالبحر روس وعده نمود که رحلاف قانون حرکت نماید و خواهش کرد که با اندازه ذغال باورده شود که بتواند خود را تا (ناجیر) برساند

(۲۷ اکتوبر - ۱۷ شعبان)

۱۶) برنس (کریل) که کپتان چهارم امیرالبحر (الکسندر) و در (ویگو) رسیده بیان نموده که چهارم قاله ماه در جلو دسته چهارم جنگی حرکت مینمودند چون وارد دریای شمال شدند فتناً (۸) کشتی موشک آنها را احاطه کرد - چهارم قاله ماه خواهش راه برای حرکت نموده درین گیرودار چهارم جنگی جلو آمد - کشتیهای موشک را بقتب رفته اشاره کرده قومیت شان را پرش نمود - کشتیهای موشک انکار نموده دو میان چهارم جنگی پیشقدمی آغاز کردند و یک توب نیز بجانب کشتیهای موشک شد - فوراً امیرالبحر چهارم خود را بموضع جنگی صف آرایی کرده جواب شلیک آنها را داد و از آن بعد راه خویش گرفتند - امیرالبحر را معلوم گردید که این کشتیهای موشک را ژاپنیان از دولت انگلیس خریده بخلیال بودند مکه بر آنال صدمه وارد آرند

۱۷) اخبارات اسپانیا بیان قوال امیرالبحر (روزید بست وینسکی) و چابن اظهار میدارند که امیرالبحر موصوف بخلیال حفظ خود چنین حرکت نموده نه قصد حمله و تهاجم - قبل از حرکت امیرالبحر موصوف در (لیبو) حیالات خود را آشکارا ساخته بود که هر چهارم یک نزدیک دسته چهارم جنگی آید لامحاله بر او حمله خواهد نمود

۱۸) وزارت بحری اسپانیا اعلان نموده که دو چهارم جنگی روس را با اندازه تقصان رسیده که ممکن نیست در ۲۴ ساعت بتوانند از (ویگو) حرکت نمایند

۱۹) خبر دوتر از پترسبرگ خبر میدهد که تا ساعت یک روز هیچ گونه خبری از امیرالبحر (روزید بست وینسکی) نرسیده است

۲۰) روزنامه دلی میل را عقیده این است که دولت انگلیس در سزا یافتن مجرمین و انسداد اینگونه حادثات برای آینده سخت باید بایستد و از دولت روس خواهش شده که تمام جواب این مراتب را داده و رفته دسته چهارم جنگی آشنای انگلیس را حکم خواهد شد مکه جلو چهارم بالتیک را بگیرد  
 ۲۱) لاردر سلورون (دیشب از لندن به بندر (اسوتوه) روانه گردید

۲۲) روزنامه مانرنگ پست را خبر رسیده که دولت روس بخیریه سفرهای سفود از دول سائره استفسار نموده است درباره ابطال مساعده که منع کشتن چهارم را از یونان (دارد پیل) میدهد

در پرتو رسماً دو تلگرافیکه از امیرالبحر (روز پست و پستی) رسیده اشاعت یافته است - در تلگراف اول بیان نموده که دو کشتی موشک بدون چراغ برکشتی (پروسی) که در مقدمه جہازات جنگی ما بود حمله نمود جہاز مزبور سه از تدارک و انداختن روشنی در دریا و تمیز مستقیمهائی موشک آغاز بشلیک نمود - از آن بعد بسیاری از جہازات کوچک که شبیه بکشتی مایه گیران بود به خط آمد دستہ جہازات مادر بجات آنان کوشش نموده سه کشتی موشک کابله از نظر ثابت شدند بموجب نیاز بر بحر موصوف در میان کشتیهای مایه گیری هیچ جہاز موشکی دیده نشد - یکی از آن کشتیها در روز ۲۷ در صبح وارد آمد و تا صبح در قرب جہازات مایه گیران بود - دستہ جہازات ما ازین رو آنان را مدد نکردند که حالتان متکرم بود و تصور دشمن می شدند و بسیاری از آنان حراعی را که باید پشیمان نمودند و بعضی پس از در دهان علامت خویش را آشکارا ساختند

در تلگراف ثانوی اظهار میدارد که در راه به چند کشتی مایه گیران برخورد کرده هر قسم مهربانی نسبت به آنان نمود - دستہ ما به آن حصه که کشتی موشک شامل شان بود بی روانی نمود اگر در موفقیکه بکشتیهای موشک حمله شده جہازات مایه گیران را سهوا قتل رسانیده است اظهار تألم و همدردی و ندامت میساید بچنین است که در ایگونه مواقع ولو آنکه در حالت صلح هم باشد جہازات جنگی را جز این روشی که ما اختیار کردیم چاره نبود

دو کشتی مایه گیران یکی از آلمان و دیگری از (روس) که دو سائز دهنه اظهار نموده اند که شب پست و یکم دستہ جہازات جنگی روس بر آنان شلیک نمود

دو دستہ جہازات جنگی انگلیس از جبل طارق بجانب حرب روانه گردید و جہاز (هریبر) بجانب اوینگو حرکت کرد

در سهوا رپورت امیرالبحر روز پست و پستی (پستی) را تصدیق میساید که حمله کشتی موشک بر جہازات جنگی مسلم است و آمارا میل بر این است که بیصله این امر را سائز دول بنماید

روزنامه طمس مینویسد که دولت انگلیس از اقدامات خود در صورتی از خواهد آمد که پس از تحقیقات هرکس قصور واد شود سرای واقفیش رسانند

حصه اول از دستہ جہازات جنگی انگلیس از افرات روانه شده فردا در (پورت لند) خواهد رسید و جمیع افسران جہازات مذکورہ طلب شده اند

(۲۹ اکتوبر - ۱۹ شعبان)

نظر با احترام و توجه خاصه اعلیحضرت پادشاه انگلستان حصه از جہازات بالتیک را حکم شده سه کشتی پست روز در (ویگو) مانده تا تدارکات لازمه دیده شود

صدر اعظم دولت انگلیس مستر (بلفور) در (سودا) بستن ضمن تقریر خود بیان نموده که تدارک و تحقیق واقعات راجع بجهازات بالتیک بدول ساره رجوع گردید

حدوث این واقعه مایه وسوای و کسورت فرد فرد ملت انگلیسیه بلکه متکلمین بزبان انگلیس در تمام کره ارضی مییابد تا جائیکه من تصور میکنم ممکن است جنگ را آرام نمود ما در ملاقاتات تا وقتی که بتاموس و عزت علی ملان صدمه

نرساند میتوانیم قاعده ورزیده ترک جنگ گوئیم - دو نکته با که امیرالبحر روس بیان کرده مارا مجبور ساخته که تدارکات دول را در این مسئله منظور بنمایم و گمان نمیرود هیچ یک ازین دو نکته مقرون بصواب باشد - بچنین است رجال دولت روس با ما اتفاق کرده تا تصفیة امور بطریقی شایسته بشود و هیئت محققین نیز البته دقت در تحقیقات نموده خرابیهای آینده را نیز درین گونه حرکات مدنظر خواهند گرفت

دولت روس قبول نموده است که تدارکات و تحقیقات لازمه بشود و دستہ جہازات بالتیک را در (ویگو) مطلق گذارد و افسران بحری که ملزم شوند سرا بنشیند و حرکاتش را بجانب اقصای شرق موقوف دارد - و دولت روس اطمینان داده است که ازین وسيله ایگونه حادثات پیش نخواهد آمد

این امر محقق شده است که وکلای دول رضا داده اند که تصفیة جمیع امور در (ویگو) شود ازین رو رفع مشاجره شده و حرف برخاسته است

دوم نومبر جنرال (سکروپاتسکی) بجانب (هاریس) حرکت خواهد نمود

جنرال (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که ژاپونیان ۲۷ و ۲۸ حملات شدیدہ در بندر آرتھر بر قلاع (ارنگشان) و (سنگشوشان) نمودند

دولت روس منظور نموده است که دستہ جہازات بالتیک تا وقتی که تدارک کافی نشود در (ویگو) توقف نمایند

وکلای دول مانند مجلس حکمیت (هگ) مجلس شورا و محققین انضاد خواهد نمود - نیز وکلای (هل) تدارکات کافی خویش را خواهد دید - مستر بلفور صدر اعظم انگلیس این است که نکتہ از نمایندگان روس نیز در این مجلس حاضر باشد بهتر است مستر بلفور بیاناتی را که امیرالبحر روس نموده تالی فصیح و حکایات قرار میدهد و میگوید باید تسلیم کرد که حمله جہازات روس حمله بر عزت و ناموس قومی است و ازین نکتہ نمیتوان چشم پوشید - اعلیحضرت امیراطور و رجال دولت روس هیچگاه از جدت حق منحرف نگردیده و انصاف را از دست نداده و هماره در فرو نشاندن شرارهای فتن و فساد سامی و صلح پسند و امنیت طلب بوده اند

روزنامه مارتنک پست و استمدود می نویسد که این گونه تصنیف از عزت و مقام انگلیس نمی گاهد - باز روزنامه استند می نویسد که ذمه دار اینکه ازین بعد جہازات بالتیک چنین حرکت نخواهند کرد و روسها بنقلی خود اقرار خواهند نمود کیست

معدد مارتنک پست می نویسد که مارا ابد آگاهی حاصل نموده که دولت روس در ویگو چند افسر را مطلق خواهد گذارد

اخبار دلی کرانکل می گوید که اهالی انگلستان ازین بحث باید مسرور باشند

دلی تلگراف می نگارد که جمیع این صراحتیکه تا کنون گفت شده شالوده صحیح بدست نیبدهد و هیچ نکته متین که قابل اعتقاد و اطمینان باشد ظاهر نمیدارد

دلی میل این واقعات را با کمال مسرت می نگارد دلی نیز این حادثات را برای اقتضای اجواب سلم و صلح نیکو تصور میکند



صفحة اول

دوازدهم

شماره ۱۰۰

(مطلب گیت می شود) **جبل اللین** **مدیکل کالج استریت نمبر ۱**  
 (سالانه — شش ماهه) **روزنامه مقدس** **کلیه امور و ادارات**  
**هند — و برمه**

(۱۲ روپیه — ۷ روپیه)  
 ایران — افغانستان  
 (۲۰ قران — ۷۵ قران)  
 عثمانی — مصر  
 (۵ مجیدی — ۳۰ مجیدی)  
 اروپا — چین  
 (۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک)

# جبل اللین

سنة ۱۳۱۱

قریب از مرز بلاد اسلام است  
**مستظم اداره**  
 آقا محمد جواد شیرازی است  
**هر دوشنبه طبع**  
 و سه شنبه توزیع میشود  
**تاریخ دوشنبه**  
 ۲۸ شعبان ۱۳۲۲ هجری

قبل از دریافت نمودن قبض اداره **مصلوف با**  
 (خریدار نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نماید) (۱۰ منات — ۶ منات)

در این حربه از هرگونه علوم و وقایح سیاسی و منافع دولتی و فواید ملایم بحث میشود  
 مراسلات عام المصنفه مقبول و در انتشارش اداره آراست

## فهرست مندرجات

سیاسی • بین زمین علامت تمدن اصلاح لباس ملی  
 است • مکتوب از رشت • مکتوب از کرمان • اصلاحات  
 مکتوب از شیراز • مکتوب بیفرضه • اصلاحات  
 جدید • مکتوب از کرمان • مکتوب یکی از رجال  
 بزرگ طهران • صربستان • بقیه تبریک نامه اعلامبول  
 از ظا نوشتن و از رجال با سیاست ایران نتیجه حاصل  
 نظر کردن • ستاره دمباله دار • مقاله یکی از رجال  
 دانش پژوه • تکرافات

## سیاسی

در مناقشه بحیره شمالی و شاجره چهارات جنگی  
 بالتیک با کشنهای یابی گبری (هل) بازم دولت انگلیس  
 از مسك صلح خواهی خارج شده تصفیه امر را  
 واضح مجلس حکمیت (مک) نمود - اگرچه تا  
 اکنون ملت انگلیس آرام نگریه ولی آن شور و جوش  
 و خروشیک در اول وجه آنان را بود باقی نمانده فقط  
 چهارتن جنگی انگلیس را حکم شده که در ارجهازات  
 بالتیک حرکت نموده تا بعد مرتکب امری که مورت نمود  
 و خروش اهالی انگلستان شد تا نگرند انگلستان  
 در خورش به فتنه مجلس حکمیت میکنند میباشند چون  
 و با بیست و یک نفر

این مجلس برای صلح و سلم برپا شده مسلم است برمی  
 حکم خواهد شد که منجر محکم شود

دولت روس اختیار آبادای خساره یکصدون منات  
 رضا داده و نیز ارجهازات جنگی بالتیک سلب اختیار  
 واقدار تلاشی در جهازات تجارتی را نموده است - ازین  
 رو میتوان استنباط نمود که دولت روس دو شرط از  
 شروط ارضه انگلیس و یکی ادای خساره و دیگر  
 دادن ضمانت که دست جهازات بالتیک ازین و بعد  
 مرتکب اینگونه حرکات نخواهند گردید قبول نموده -  
 در حقیقت موضوع بحث مجلس حکمیت در مک با  
 پاریس دو شرط است یکی - خذرت خواستن دولت روس -  
 و دیگر در صورت نبود جرم سزا دادن به امراییک  
 مرتکب این حرکت شده اند

واضح است که چون امر منتهی باین دو نکته شده  
 بطرف حرب مرتفع و مجلس حکمیت قسمی که طرفین  
 قبول نمایند این غالباً مانع را رفع خواهد نمود -  
 دولت فرانسه هر دفع مناقشه و اصلاح بین منتهای  
 جهد و غایت صداقه و استعداد را بخرج داده بید  
 نسبت حمایت هم فیصله امر در پاریس بهود  
 اولی بتاسیتیک در شهر های قبل انتشار نمود



جنگجویان روس چون ازین خلفه فزانت حاصل نمایند بهانه دیگر جت انگلیس را بسا خواهند آورد. رقابت دولت روس و انگلیس قدیم است. ولی قاره که بین ملین روس و انگلیس تازه در سایه جنگ اقصای شرق پیدا شده جز بدم تیغ تیز و گشاد دادن توبه‌ای کروب مرتفع نتواند گردید. - خصوصاً وقتی که سیاست دولت م. و ب. مقتضی آن باشد. با این کشور تیک بین ملین انگلیس و روس نمایان است گمان می‌رود که کوشش دولین معارفتها در رفع مناقشات تا نقطه آخرین سودمند گردد. طاقت ملین مشارالیه دول متبوعه خویش را بهیچ درجه بیسکه دیگر خواهند نمود. - دولت انگلیس در متابعت خیالات ملی علناً بهیچور است. و رای اعضای فکری و فرقه جنگجویان روس هم هاره غلبه بر صلح جویان و ارباب کشوری داشته و دارد. - و دولت در بیروی خیالات آنان هاره بهیچور بوده و هست. چنانچه رجال یا سیاست مآل اندیش روس ابداً راضی نبودند که در چنین موقع خود را مبتلای بجنگ اقصای شرق نماید. ولی آراء جنگ جویان غلبه نموده دولت را بدین مشکلات دچار کرد. ازین رو میتوان گفت که ولورجال صلح خواه مآل اندیش روس صلاح در جنگ نه بینند چون جنگجویان روس مآل به نبرد با انگلیس اند لا محاله دیری نگذرد که تکمیل بین را مکمل ساخته و بنای زیادی گذارده ملت انگلیس را برانگیخته بران جنگ را برافروزند.

جای شبه نیست که اهل حضرت امپراطور روس فلترتاً صلح خواه و طبیباً سلم جوست هراه اقدامات شخصی امپراطوری نبود باین سرعت و سهوات چنین فائده عظیمه رفع نمیگردد. •

دولت روس با آنچه اشکالیکه در پیش دارد در این مناقشه سیاسی منتهای استقلال و عظمت را بخرج داد. و ابداً به هیاهوهای جرابد انگلیس و شور و خروش مات انگلیس و شیوه های پانیک رجال انگلستان خود را نیاخته روش خویش را تغییر نداده و از طی راه مقصود باز نایستاد. همین نکات است که تاکنون عظمت روس را با این همه خسارات و قصانات مالی و جانی ایسای شرق از انظار زائل نگردیده. و با آنچه فتوحات پخته ژاپون در آخرین نتیجه جنگ

سیاسیون بزرگ را مزده داشته است

استقلال مرد فرد لشکریان روس در بندر (آرتھر) و شجاعت و استقامت جنرال (استاسل) طلی و با بجزرت انداخته. اگر چه استحکامات طبیعی و قلاع مصنوعی بندر (آرتھر) طبعاً مطلق این طول محاصره نیست. ولی هرگاه به نظر الصافی ملاحظه شود و حالات شدیدة عبیده ژاپونیا را که باقسام مختلفه و طرق متنوعه نموده و میبایند مقابله نماید و اختیار تصدیق خواهد نمود استقلال و جان فشانی لشکریان روس را.

جنرال (استاسل) به عظمت و بزرگی مد تواریح عالم نام خود را نت نموده. و میتوان تصدیق کرد که قشون هر دولت در مقابل این حالات رجافتشاز ژاپونیا بودی پیش ازین در محاصره تحمل و استقامت نمی ورزیدی خصوصاً در صورتیکه آذوقه محصورین کم و آبشکل که طده الحیات است رو بقتل نهاده باشد.

جنرال (استاسل) در بندر (آرتھر) اگر تسلیم شود عزت تسلیم شده و اگر گفته شود و بندر (آرتھر) بجنگ خصم اوقند موقی بنیوت در ک کرده و نامی بجزت باقی گذارده و در نزد دوست و دشمن مدوح خواهد بود نه ملوم.

این مسئله از مسلمات اولیه است که اعظم فتوحات ژاپون در متجوریا قبضه بر بندر آرتھر است. و در صورتیکه جمیع متجوریا را فتح کند و بندر (آرتھر) که مرکز قوای بحری شرق الشرق شناخته شده قبضه او نیستد نمر و نتیجه از فتوحات خود نمیده است. سیاسیون ژاپون را نیز از آغاز جنگ همین عقیده بود و ازین رو اول حمله که نمودند بر بندر (آرتھر) بود. سرداران ژاپونی تا وقتی که بندر (آرتھر) را محاصره نیساختند. و جهازات جنگی روس را تا اندازه محصور نداشتند. در جنگ بری جهانه قدم نهادند چون بندر (آرتھر) محاصره شد ژاپونیا را بین حاصل آمد که امروز نه فرما قبضه آنان خواهد دره آمد. اگر چه در جنگ نمودن دایره محاصره هاره چه و چه دیگر کرده. و حالات نیمه نموده اند ولی واقعان بهروز جنگ هم متقی اند که حالات ژاپون بر این بسنجند. چنین مقام و این چنین بوده و هم منتظر آخرین حمله او که بسیار شدید تصور

می شود گفت  
 برخی از سیاستمداران اروپا از آغاز جنگ چین  
 می نوشتند که هرگاه ژاپون خرابی سی هزار جوان بندر  
 (آرتور) را محصور دارد قیامتش را ادا کرده است -  
 ژاپونیا را اراده این بود که بحکمت عمل بدون این خساره  
 عظیم محاصره را شدید نموده تا محصورین بستمه آمده  
 خود تسلیم شوند و بمقتضا همین حکمت عملی بود که  
 (بارن میاشی) سفیر ژاپون در لندن بوقایع نگار اخبار  
 (متان) اظهار نمود (ملا اراده تسخیر بندر آرتور  
 بقوت برش نیست - بلکه در سخر محاصره و استقامت  
 آزمایستی هستیم که دشمنان از کمی آذوقه مجبور به تسلیم  
 شده بفرق امان بلند و قبول اطاعت نمایند) - حق هم  
 این است که اقدامات ژاپون تاکنون در استحکام محاصره  
 بوده نه تصرف و قبضه بامبه

از تکرافات جدید معلوم می شود که ژاپونیا حکمت  
 عملی خود را تغییر داده میخواهند قبل از رسیدن  
 دسته جہازات پاتیک بشرق الشرق این مرکز بحری  
 را تصرف شده بر جہازاتیک در بوناغ محصور است  
 قبضه و یا غرق نموده از قوای بحری خصم بکاعد -  
 ازین رو با شدت هر چه تمام تر از (۲۵) اکتوبر آغاز  
 بمحله شده در این میدان جمیع استحکامات شمالی بندر  
 آرتور از قبضه لشکریان روس خارج و به تصرف  
 ژاپون در آمده است - و سردار جلیل القدر جنرال  
 (استاسل) که جای دارد ملت و دولت روس بوجود  
 او انتخاب نمایند سخت مجروح و لشکریان ژاپونی خود  
 را بمقتدی رسانده فقط چند قلعه دیگر بقبضه لشکریان  
 روس باقی مانده که نصف بیشتر آنان نیز منهدم شده  
 است - عظمت این جنگ را يك نکته کافی است حكه  
 من غیر رسم می نویسد چهارده هزار تشون ژاپون  
 درین میدان مقتول و مجروح شده - من جمله از  
 يك (رجینت) که عبارت از دو هزار و پانصد باشد  
 دولت و بجای ژاپونی سالم مانده است - واقعات  
 جنگ مفصلاً ترسیده و نتیجه آن حكه اعظم  
 جنگهای تدافیه است تا کنون معلوم نشده - ولی  
 مسلم است اگر بندر آرتور تا امروز بقبضه ژاپون  
 نیامده و محصورین تسلیم نشده اند قوه مدافیه نیز برای  
 آنان بطور پانده دو روزه میباشد است -

عظیم (آرتور) که در سنگ بندر (آرتور) حاضر  
 بوده واقعات روز صبه این جنگ را در پنج هزار کله  
 تکرار نموده به درین جنگ نقصانات روس غیر معلوم  
 است و چنان مستفاد میشود حكه ژاپونیا از تهیه  
 سرنگهای زهقی و قهای کوهکن این همه قلاع متینه  
 و کوهای شامه را از جای کنده طالبها ساقط نموده اند

جہازات جنگی (پاتیک) بدون توقف و تعطیل  
 بخلاف آنچه شهرت داشت که پست روز در (ویگو)  
 توقف خواهند نمود یا منتهای سرعت بجانب اقصای  
 شرق رهسپارند - کشتیهای تجار آلمانی هم بدون رطایب و  
 ملاحظه قوانین بی طرفی جنگ در هر بندر ذغال با آنها  
 میروانند - و بواسطه این نکت و بعضی نکات دیگر  
 است که جہازات پاتیک ترک راه کنال سوئز که خیلی  
 نزدیک بود گفته از افریقای جنوبی و (کیپ) گذشت  
 بجانب اقصای شرق رهسپارند - چه در آن نواح  
 آلمانیان را مستمرات و بنادر تجارتی و انبار ذغال  
 بسیار است

از مزمره که وزارت خارجه انگلستان در جواب  
 تبار نموده (که فرستادن حشکتهای ذغالی در عقب  
 جہازات روس بخلاف قانون بی طرفی جنگ است)  
 ظاهر می شود که دولت انگلیس حرکت تجار آلمانی را  
 قانوناً مخالف با بی طرفی از جنگ تسلیم نموده نتیجه این  
 میشود که آلمانیان بواسطه این حرکات بی طرف از  
 جنگ نمیباشند مسلم است که ژاپون نیز ازین نکت صرفه  
 نظر نخواهد نمود

عقیده برخی از سیاستمداران این است که بعد از تسخیر  
 بندر (آرتور) و قبضه کامل ژاپون بر منچوریا دولت  
 انگلیس بدون واسطه بندر (ویگامیوی) و (نایوان)  
 را تخلیه خواهد نمود - و آلمان و فرانس نیز آن  
 مستمراتی که بشرايط انگلیس و روس از چین حاصل  
 نمودند اگر خود تخلیه نه نمایند ژاپون مجبور به تخلیه  
 شان خواهد ساخت چه دول اروپا آنچه مستمرات حاصل  
 کرده اند همه بدین شرط مباح است که تا دولت روس  
 بندر آرتور را قابض است ما نیز بر مستمرات جدید  
 خود تصرف خواهیم نمود - سبب عمده که جمیع دول این  
 شرط را منظور نموده آن است که هیچیک را گمان نبود

که روس بندر (آرتھر) بخرید نموده و یا قولی در  
 اقصای شرق مقابل روس پیدا شود که بتواند از قبضه  
 و تصرف او بهرین آرد. و یک سبب بزرگی هم که آلمان  
 حامی بالتیک روس میباشد همین نکته است چه قطع تعلق  
 روس از منچوریا فریاد میزند که سائر دول نیز مجبوراً  
 باید ترک مستعمرات خود را در اقصای شرق بگویند -  
 اما فرانسه و انگلیس را برای کثرت مستعمرات در افریقا  
 و آسیا چندان دشواری پیش نمی آید برخلاف آلمان  
 را خیلی در تشویش و دست و پا انداخته است  
 برسی را عقیده این است که جہازات بالتیک وقتی  
 در اقصای شرق خواهند رسید که بندر (آرتھر) در  
 قبضه ژاپون و دریای (ولادی وودسک) منجمد باشد.  
 در این صورت مرکز توفی برای آلمان متصور نیست  
 جز اینکه به بنادر آلمان پناهنده شوند - و مطمئن  
 است قصدی را که در فرار جہازات بندر آرتھر  
 داشتند (که در بنادر آلمان رفته تدارک دیده با جہازات  
 آلمانی توأم حمله بر ژاپون را مستعد شود) بعید نیست  
 یا جہازات بالتیک بموقع احرا آرد. البته اگر آلمان در  
 همراهی با روس مرتکب چنین حرکتی شد دولت  
 انگلیس مجبور است که ارجحیت ژاپون در پیج نه نماید.  
 و این آخرین تدبیری است که سیاسیون روس و آلمان  
 در اشتعال جنگ نازده عمومی مد نظر دارند. یکی از داناتان  
 میگوید ژاپون در حرکات آلمان که علناً حمایت روس را  
 میرساند و شهادتاً مخالف با قانون بی طرفی است بواسطه  
 آن سکوت نموده که مدوا یکتته کار روس را ختم و  
 قطع تملکات او را از مسجوریا نموده سپس همین نکات  
 را بهانه کرده بر دولت آلمان تاخته ویرا برای سائر  
 دول مترب مایه عبرت قرار دهد

ترقیات اداره حریه افغانستان پیش از پیش جالب  
 نظر دقت سیاسیون انگلستان شده زاید علی سابق  
 حکومت هند در سبق و اتحاد امیر افغانستان را برای  
 مدافعت هند از حمله خصم خواهان گردیده است -  
 کیسیویوینسکه درین موقع بریاست و ولایت بخارجه  
 هندوستان (مسعودن) با افغانستان فرستاده میشود توجه  
 انگلیسان را بدین جنب نیکو میرساند - هر کس بخمالد  
 خود درباره کیسیون بخنجر میراند  
 یکی میگوید که چون والا حضرت امیر افغانستان

را ملک بلخ و ریاست خود اختیار نموده خود را  
 سر برتنی که امیر مرحوم با حکومت هند نموده بود  
 مرتفع گردیده اینک کیسیون را اراده این است که تمام  
 مباحثات را با امیر حلیه تجدید نماید  
 دیگری میگوید این کیسیون را اراده این است  
 که امیر حبیب الله خان را بامور ذیل راضی نماید  
 (۱) بازنده خاصی از جانب حکومت هند نشود  
 انگلیس باشد در کابل قبول شود  
 (۲) محافظه سرحدات روسیه و اضافه استحکامات  
 آن و تعیین قشون سرحدیه بمشوره حکومت هند و  
 هرگاه امیر رضا دهد سپردن انتظامات سرحد روس  
 را یکی از افسران انگلیسی تحت امر امیر  
 (۳) ترغیب امیر بکشیدن راه آهن و اتصال  
 هند تا سرحدات روسیه  
 (۴) تشویق امیر به ترویج تجارت که عمده  
 ترین مقاصد انگلیسان است  
 امیر حبیب الله خان را نیز گویا بعضی مقاصد  
 است که ازین کیسیون حاصل خواهد نمود  
 (۱) احیاء خیال امیر مرحوم که بایستد مخصوص  
 از جانب افغانستان در دربار لندن قبول شود  
 (۲) اضافه مدد خارجی که انگلیسان ماهانه  
 بامیر میدهند و این نکته را در چنین موقع حکومت  
 هند از دل و جان قبول خواهد نمود  
 (۳) آردی افغانستان که از هر نقطه هر قدر بخواند  
 اسلحه خریدد بدون عایق و مایه مخالف خود جلب باید  
 (۴) اختیار دادن بامیر افغانستان در قائم  
 نمودن روابط اتحادیه با سائر دول - مانند فرانس  
 و سر و غیره بمباره اخیری تسلیم نمودن دولت انگلیسی  
 آردی و خود مختاری افغانستان را

خلاصه جمله این مراتب مذکور وظایف است و آنچه را  
 میتوان چنین حاصل نمود این است که این کیسیون این  
 نوبت مفید بحال حکومت هند و افغانستان خواهد بود  
 نسبت بکمیسروینیک بریاست مسو (دیورند) در زمین امیر  
 مرحوم افغانستان فرستاده شد بواسطه اتحاد حکومت  
 هند و افغانستان پیش از پیش محکم خواهد گردید امیر  
 حلیه افغانستان نیز مانند امیر مرحوم اتحاد انگلیس  
 را برای ترقیات داخلی و خارجی خود عنایت میفرماید

## بین ترین علامت تمدن

### اصلاح لباس ملی است

در باب اصلاحات امری دولتی و ملی ایران هرکس با اندازه عقل و خیال خود کیت قلم را بچولان و تک و پو آورده - بسی ترقی دولت و استراحت ملت را در اصلاح مالیه و احرای قانون عدايه میداند - برخی بانسداد ورود اتمه و اتمه خارجه حجج اسلام مدظله العالی را ترغیب میدهند - و گاهی هم تغییر لباس نسواترا داخل اصلاحات فرموده مینویسند - چنانچه جناب مستطاب حکیم فرزانه حاجی ملا عبدالرحیم طالب اوف مقيم (نرخان شوره) که برموز اصلاحات بنا و بدقایق سیاسی و علوم آشناست و به ماده طالبه دولت از اغلب نویسندگان دانایتر میباشد مرقوم داشته بودند - مسلم است همه ایها یکدغه نمی شود به تدریج باید اقدام با اصلاحات شود جناب موسوف در جزو اصلاحات تغییر لباس نسوان را هم داخل فرموده اند - بنده نگارنده عرض میکند سایر اصلاحات محتاج بزحمت و سعی و بعضی مخارج و طول زمان است تغییر لباس نسوان برای آحاد بدون زحمت و مخارج است هرکس در خانه اهل بیت خود را از لباس موجوده خارج میتواند نموده بلباس انسان و صاحبان ناموس و تعصب و غیرت در آورد - خداوند رحمت فرماید ملا محمد علی مسئله گوی تبریزی را در بین موعظه خطاب بچالاسین نموده میفرمود با این لباس که حالا مروج است اگر بخواهند خم شوند مراغه هودار میشود - باری هرکس میتواند از این لباس اهل و عیال خود را خارج کند مشروط بر اینکه علمای اعلام تقدم جسته قدغن فرمایند - عوام حقی دارند چون در همه امور مفاد بهتر اینست پیشوایان ما در جمیع ممالک عروسه امر و مقرر نمایند که اولاً لباس متعلقان خود را تغییر و این البته حاله را خلع فرمایند - و ثانیاً اهالی را از این لباس ناپسندیده منع نمایند یا لباس عربی اختیار کنند یا برای خود لباس خاص اختراع نموده به پوشند که کاملاً مستور باشد - مادر از پسر دختر از پدر و برادر خجالت میکشد با این لباس رو بر رو شود باید چادر بر سر افکنند تا ستر لباس او را بپوشد - ایها معلوم نیست مداین لباس چه

فائده منصور است و حضرتان علماء اعلام بیه ملاحظه قدغن از پوشیدن این لباس غیر مستور نمیفرمایند و خود اختیار لباس دیگر نمیکند تا بسایرین هم سرایت نماید معلوم است تا در اهل و عیال خودشان تغییر لباس ندهند بدیگران نمی توانند رهنمای فرمایند خود ناگرفته بند مده بند دیگران بیکان به تیر جاکنند آنگاه بر نشان

چهار سال قبل طهران در محله سنکج در کوچه تنگی با یک نفر میرقم چند قدم در جلو ما ارخانه بیرون شده چادر بر سر داشت خواست در خانه رو بروی خود برود زمین کل بوده پایش لغزیده افتاد چادر کنار شد یکدغه بی حجاب گردید مکرر اینگونه اتفاقات در شهرهای ایران واقع شده مال خارجه هم دیده اند امید است اگر مدیر نامه مقدس ملاحظات خود را بر این عنوان افزوده نوعی فرمایند که خلع این لباس غیر مستور از ایران شود - ملت عظیم بر اهالی خواهند داشت ( وطن خواه )

### مکتوب از رشت

چندی قبل در نمرات جبلالتین در خصوص جانی ایران شرحی مرقوم فرموده ولی محل و مکان زرع جانی و بانی و باعث این امر بزرگ و کارستوک را درج فرموده گویا خاطر مهر مآثر کاملاً از کیفیت آگاه نبوده است

لذا بر اوادت مند صمیمی لازم گردید تقصیل آنرا برای اطلاع هموطنان محترم و رجال دولت علیه در نامه مقدس درج نماید

شاهزاده کاشف السلطنه که چند سال قبل بجزرال قونسل هندوستان منصوب بود ضمناً مأمور گردید محل قلاحت و زراعت جانی را بدقت ملاحظه نموده و بصورت نامه پیدا کرده بعد از امتحان چند هزار بوته با خود به ایران آورده هر نقطه که قابل مستعد بنظر آورد کاشته شاید از عنایات خداوندی و توجهات اعلی حضرت اقدس شهرباری این شعر شعر رسیده اهالی ایران درین رشته از احتیاج بخارج بیرون آید کاشف السلطنه حسب الامر دولت علیه در توقف چند ساله در محل جانی اوقاف خود را بصرف ملت آنگاه بهیوق پوما نمود چندی عزار بوته جانی با خود وارد ایران

وطن از آستان مبارک الهی بسلامت عظیم اجزه  
حاصل با شوق تمام بسرحد قصر شیرین رسیدیم راه  
ها الی یکمتری کرمانشاه از حسن مراقبت امرای  
سرحدیه در کمال امنیت و هموم زوار بدعای وجود  
مبارک اعلی حضرت عاوی رطب اللسان بودند در  
منزل آخر سکه بوم ورود کرمانشاه بود هیا  
هوی زیادی در میان قافله بر ما معلوم نمودم سکه  
این منزل بر خطر و خالی از شربست بعد از شوای  
زیاد جلودارها قرار بر این دادند قریب به صبح  
راه را طی نمایند

ولی چه چاره که در نیمه راه کاروانیان به ناله و  
آه کار به کتک کاری و ناله و زاری منجر شد. بعد  
از همه گونه تلاشی به بردن یکبار قاش از حلبی صلح  
عرب عمل ختم و هوا روشن و منظره صحرا گلشن  
کرمانشاه نمایان و اهل قافله شادمان بسلامت وارد شهر  
شدند بعد از استراحت میل به گردش و سیاحت کرده از  
طوبه که (هوتل) مسافری برای است خارج در بسی  
و بزمی کوی و بازار نزول و هروج داشت نگاه چشم  
روزنامه مقدس افتاد که در دست شخصی بخواندن مشغول  
و چند نفرم گوش میدادند خود را به طرف دکان  
کشانیده ز دور مانند گدائی که به قرص نان نگران یا  
خادمی که منتظر فرمان باشد ایستادم. صاحب دکان با  
سربانی مرا به طرف خود خواند و بدون تمهید و مقدمه  
روزنامه را بدستم داد دیدم عمره چهل است و دارای  
خطابه مصاحبه به خواندن مشغول از بیانات جناب  
مستطاب حجة الاسلام آقای امام حبه طهران سلمه الله  
تعالی امیدواریم حاصل شد خداوند وجود مبارک حضرت  
امام سلمه الله را حفظ و امانت این وجود مبارک را زیاد  
فرماید که از برکت این گونه وجود های محترم ممکن  
است اسلامیان راه ترقی یابند و چاره ها جبهه دود  
بی درمان خود جویند اگر چه گفته اند تا خوشی ایران  
در دست بی درمان

( هر چند پیش چاره نماند بقدر شود )

چرا که بزرگان این سلطان امکان ندارد از منافع  
شخصی چشم ببوشند و در تربیت و حفظ نوع بکوشند  
حضرت والا فرمائیم از اقامت شان به عراق عرب  
نیتوان گفت ایرانی ها خوشنود بودند و متأسفانه

عمده اراضی (لاهیجان) که در (کوه باب) واقع شده  
قابل و مستعد دیدن و آن اراضی متعلق بحاج قاسم خان  
نوه مرحوم حاج امین دیوان بود. پنج شش جریب  
معرض امتحان از مشارالیه اجاره نموده پوته ها را در  
در آن اراضی نشاند بعد از دو سه سال زحمت در  
این قطعه زمین چائی بسیار خوب مرغوبی بعمل آمده  
میتوان گفت در طعم و ذائقه از چائهای خارجه  
مراتب بهتر و از هر جبهه رجحان دارد

بالجمله حاج قاسم خان که مالک اراضی میباشد  
معلوم نیست بجه مناسب در صدد شد که ریشه چائی  
را نابود کند و این در گرانها را مضحک نماید چند  
یوم قبل حاج مشارالیه بحریک هموی خود بطرف باغ  
حائی باجی از رفتن خود رفته بی ملاحظه به اراضی  
چائی آنجا حاکم کرد اسب دوانی نمودن مقدار کثیری  
از بوتهای چائی در خراب و باطل نمود. کاشف السلطنه  
به ممانعت برخاست بخرج رفت سهل است حاج امیر  
خان و حاج قاسم خان گفتند باغ چائی متعلق بچایم اختیار  
چای هم با عایت چون این جزئی چائی کفاف اهل ایران  
را می نماید مخصوصاً آیدامیم باغ را خراب کنیم تا  
از شرشها آموده شویم. کاشف السلطنه و پورت حال را  
بحضرت اشرف والا شاهنشاه زاده اعظم عضد السلطان  
داد از طرف شاهزاده مأمور مخصوص بلاهیجان  
آمده مشارالیه را پرشت برد اگر چه شاهنشاهزاده  
ایشان را جزائی بسزا دادند ولی باز این دو نفر  
دست از خصومت برنخواستند داشت منتظر وقت هستند  
باغ چائی فعلی کفاف کفایت جنابان مستطابان آقای  
شمس العلماء و آقای صدرالماما و جناب افخم السلطنه  
سپرده شده کمال مواظبت و مراقبت را در این باب  
دارند همه روز در منزل ایشان چائی دم شده مردم  
از اطراف و اکناف برای ملاحظه می آیند - خوب  
است اولیای دولت قوی شوکت نوعی فرمایند که  
عداوت های شخصی موثر خرابی این متاع نگردد  
تا رفته رفته فوایدی که در نظر است ملت و دولت  
حاصل نتواند نمود

مکتوب از کرمانشاهان

( جناب مؤید الاسلام )

بعد از دیدن فرمایشات و قصد زیارت خاک پاک



غیب ایشان نه بودند - با وجود این حال بعد از عودت به ایران در حکومت کرمانشاهان قسمی ملازمان ایشان رفتار فرموده اند که اعلی و ادنی نظم و اعتراض از عدم اعتنای ایشان دارند آنچه این بنده تحقیق نمودم شکایت اهالی از این جهات است

اولاً امنیت که در خور حکومت ایشان است در داخل و خارج شهر نیست دزد آورده و فارغ ابال صاحب مال دچار قیل و قال و با فراش باشی و فراش دایم مترنم این مقال اند (که خرم دم نداشت از اول)

ثانی ارزانی و فراوانی کرمانشاه مسلم تمام ایران است چنانچه اهالی میگویند گندم خروار یکصد من الی بازده قران زیاد نبوده است اسمالم مانع خواری نشده و غله از آمت مسون ولی از حالا که اول حاصل است حال مردم دگرگون اغلب روزها در دکان نانوا می فریاد بلند است یکی جهت خراب نمودن نان خدا گواه و آگاه میباشد که همه چیز جزه گندم به آسیا رفته و تصرفات اسباب بهم مزید او شده بدکان نانوا بر می گردد سپس نان شده اهالی در کمال پریشانی و ناتوانی باید به خرید و بخورند و حرف نزنند

علاوه مال به این خرابی را معکود دیده ام در عوض سنگ تمام که چهل سیر است نانوا علاوه می رود و دو سیر و نیم میدهد - همبکه شخص مدعی میشود جوابی جز این نیست که برو شکایت مکن از قرار مسموع شخصی بهمین حالت نان را بدیوانخانه نزد فرایشانی برده شکایت نمود نانوا را حاضر و سؤال شد که چرا کم دادی جواب داد دروغ میگوید از نان خورده است فوری حکم به حبس نان خرمیشود آنوقت واسطه در کار آمده و بعد از دادن دوازده قران حق زندان بان مرخص شد

بر چاره خر آرزوی دم کرد  
تا یافته دم دو گوش کم کرد

بدینی است نان سه چارک دوازده قران و ده شاهی دیگر شکایت از نانوا نه خواهد شد - عمده جبهه گرانی این است که مختارین که بعضی از اعضای حکومت اند گندم را در اول سال خریده و آبیار نموده و حال در نه توفیق و سه قران به علقها و نانواها می فروشند آنها علم هرگز نمی توانند زکات میکنند چنانچه اسمالم در

اطراف آدم فرستاده مشغول خرید گندم اند ، لاکین هم از خدا چنین وقت را طالبند قصیر هم ندارند (وای بوقتیکه بگردد) تجارت روغن هم یکی از خاصه به منی از اعضای حکومت شده لهذا قبه روغن رو به بالاست (دستی از غیب برون آید و کاری بکند)

اهالی کرمانشاهان عموماً از حکومت جناب علاء لدوله پیوسته تمجید می نمایند و از ذکر احکام و مذاقه ایشان در امور بشخصه خواطری شاد دارند مجلسی ندیدم خالی از ذکر نام این شخص محترم ختم و به پایان نرسد خصوصاً در این ایام که نان حکم جان دارد و کویچه و بازار چون معجز کفیه

شندم فوج کرد ، امور دزفول بود احتشام الممالک سرتیب فوج طلب شده و مدت یکماه در سرباز خانه معطل در این یکماه ایس حربه بکفوج حاضر و آماده نگردید آخر با زحمت زیاد یکصد دست ایس تهیه و بقیه با همان ملبوس عشابری قرار شد بماند موجب دوساله را هم مطالبه می نمودند بعد از گفتگوی بسیار بهر نفری دو تومان از بابت موجب هذالسه داده شد سایر لوازمات از این دو فقره قیاس خواهد شد قونسول دولت انگلیس محظماً وارد جبهه اقامت و محل قیام خود قونسول خانه باغ شریف خان را نه هزار تومان خریده مشغول تعمیر است البته دولت روس هم همچشمی با انگلیس خواهد نمود جبهه قونسول خانه خود تهیه مکان خواهد دید

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای مامقانی مدظله از مشهد رضا عالیه آلف التحیه مراجعت و این هفته وارد حکرمانشاه و پذیرائی محتمری هم در اطراف اهالی بجا آمده روانه بکبه مقصود شدند

چراغانی مولود اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی در کرمانشاه که خیلی باید با شکوه و تجمیل شود برعکس اتفاق افتاده بود در این مورد بر اعضای حکومت است که اهالی را بشوق و شور آرند بالجله روز مولود بعد از ظهر شروع به بعضی ترتیبات جشن شد و آتشبازی و ترتیب چراغانی را دادند ولی در سر در دیوانخانه علم شیر و خورشید که باید از اول روز افزاشته شود در آخر روز هم دیده نشد

شندم بوم که اهالی کرمانشاه چون غالب گرانده خیلی

دهات ایران به شمارند این طبقه چون شهری هستند  
خرج ایشان نسبت بسایر زوار زیاد است رویم رفته  
هر نفر از پنجاه تومان کمتر خرج نمیکند جمعا میشود  
( پانصد هزار تومان )

ده هزار زوار از علمای اعلام و شاهزادگان  
عظام و امراء و رجال محترم و تجار به شمارند اندازه  
اسراف و تبذیر این طبقات محتاج به بیان نیست و  
اغلب چهار پنجاه توقف مینمایند روی هر رفته هر يك  
سیصد تومان اقلاً خرج دارند جمعا میشود ( شش  
کرور تومان )

این قشر به نظر ما خیلی اضرار جلوه خواهد  
نمود جهة رفع شبهه عرض مینماید در خدمت هر يك  
از حضرات کم از کم يك نوکر است که باید خرج او را  
بدهند مخارج سادات و فقراء زوار هم باین طبقه  
تعلق میگیرد و بخشش در اماکن شریفه به خدام نیز ازین  
حضرات است خرید سوقات و هدایا هم زیاد دارند  
جهة تخفیف آنچه نقل به اماکن شریفه میشود نیز در  
حساب نمیکیریم و به حساب نمی آوریم و خرج مرده  
ها را سربار زندها قرار میدهم

سیم غیر از مخارج روار به اساسی ذیل هم بولاز  
ایران خارج میشود تخمین آنرا بنده نتوانستم به تمام  
جز یکفقره را او هم مخارج مجاورین از طلاب است  
و اعیان و اشراف و غیره بموجب ذیل

اول تنوع تحقیق بجهت زوار فقر طلاب ایرانی در محفل  
اشرف و کربلا و غیره مشغول تحصیل اند یا فصد فقر آنها  
از آقا زادهگان ایران هستند و این ها از فقری یکصد  
تومان الی سی تومان در ماه کمتر خرج ندارند و دو  
سه هزار نفر دیگر ایشان از اهل قصبه ها و دهات  
معتبره اند که شهریه جهة آنها کمتر از ده تومان  
نمیرسد مابقی هم طلابی میباشد که باید از وجوه بریه  
امر شان بگذرد و رویم حساب شود کمتر از روزی  
پنجاه هزار نخواهد شد که در سال فی فقری یکصد و هشتاد  
تومان خرج دارند جمعا میشود ( پانصد هزار تومان )  
دویم مجاورین از شاهزادگان و خوانین و مشایخ  
و اقطاب و غیره میباشد این طبقات هم از دو هزار نفر  
کمتر نیستند و باید سالیانه از ایران پول جهة خرج آنها  
رسد این ها هم رویم سالی دو بیست پنجاه تومان زیاد

صادق و سادماند (شاید کی بود مانند دیدن) از جمله  
صداقت اصناف یکی این است که هشت قسم سنگ قرار  
داده آنوقت هر يك از میوه جات را در وقت فروش  
یکی از وزنها فریاد مینمایند مثلا سیب یا کلابی را بجای  
ده یا هفت صد دینار فریاد میزنند به اذهان مردم  
خیلی ارزان جلوه مینماید ولی چون وقت در حساب  
مورده دینم سیب را یکمن سه قران و کلابی را یکمن  
دو قران و نیم میدروشد هکذا سایر میوه جات را  
جناب علاءالدوله در باب مکتب به طریق مکاتب  
جدیده عهد مابونی دادر فرموده بود - این ایام از  
عدم توجه کارگزاران اسم بلا رسم هم بر جای نمانده  
پول سیاه نیکی جدید که باید اصلا صرف پیدا  
نه نماید این ایام در این ولایت بیکتومان سفید که بده  
یکتومان و سه عباسی پول نیکی میدهند و اغلب دیده ام  
آمدهای بانک شامشاهی ایران مشغول جزر و مد این  
کار در بازار افتاده اند خداوند فریاد اهالی برسد

میگویند رئیس بانک در خرید و انبار کردن  
گندم و روغن گاهی شخصاً و گاهی به ذراکت اعضای  
حکومت اقدام و سالی میلی فایده میرود - آنچه من  
اطلاع دارم این عمل از طرف اعضای ایرانی اوست  
افسوس که در غالب بلاد شنیده میشود کباب عمومی  
مشغول برجیدن اداره جات و شعبه های تجارتی میباشد  
چنانچه از بغداد و کربلا و کاظمین و کرمانشاه و  
همدان و بروجرود را بنده اطلاع دارم سائر جاها را  
شنیدم خداوند طاقت این کار را جهة اهالی بد خیر  
فرماید و الا اقدام به هیچ امری در ایرانیان مورت  
کامیابی نخواهد شد بی خودراق و استبداد که رؤسا  
به خرج داده نتیجه جز آنچه دیده میشود نخواهد  
داد - شخصی که تمامی وقت خود را صرف هوا و  
هوس نموده و از علم اداره آگاهی ندارد لازم نبود  
بباید کاریکه از عهده نمی آید بدمه گیرد و طایفه اقتضاح  
عموم ایرانیها شود انشاء الله از همدان و سایر جاهای  
دیگر هم آنچه دسترس باشد از اخبارات به عرض  
خواهد رسانید ( م . ا . ب )

حکومت ایران چطور نابود میشود  
( از شماره ۹ )

ده هزار نفر دیگر از اصناف و کسبه از شهر و

خرج دارند جمماً میبهرند (چهار صد هزار تومان) سیم وجوهی است که جهت تعمیر اماکن و حرم و محن و مرده شور خانه و قبرستان و غیره از ایران به عراق می آید

چهارم پولی است که جهت صرف روشنائی اماکن شریفه می آید

پنجم نذورات از طلا و تهره و شال و فرش و اسلحه و غیره است که می آورند و داخل دفتر اوقاف میشود و نیز زیورهای بسیار که زنان محلی از شوهری و پدر و بزرگ خود داخل ضریح حضرات ائمه هدی می اندازند و مگزی شمع نذری که حساب ندارد

ششم مواجب چراغ که جهت خدام و هر آن حلوانهای قبور اعیان و امرا و بزرگان برقرار شده هفتم پولی است که همه ساله جمعی از عراقیان به ایران رفته بایم اینکه قرعه عسکری به خودشان و کسان ایشان تعلق گرفت و باید شصت لیره طلا بدل عسکری بدولت عثمانی بدهند

هشتم پول تریبیه دفن جنازه است که در سال مبالغی میشود

نهم ضرر و خسارتی میباشد که از غارت اهراب و اشرار به زوار وارد می آید و بعد از تمام شدن پول عبور میشود از فروش اشیاء به قیمت نازل و خسارت کلی دهم وجوهی است که به حضور عظامی اعلام از بابت خمس و سهم امام و رد مظالم و موقوفات میرسانند حساب او را خدا میداند که چه قدر است هرگاه به مخارج و مصارف برخی از آقا زاده کاز و حاشیه نهیها وقت شود از خرید خانه و باغ و دکان و بوستان و پولی که در جاهای معین امانت گذاشته اند خصوصاً مخارج سردابها مخروب معلوم خواهد شد که چه قدر وجوه میشود

بعد از شنیدن این حساب حواشی نمودم که دیگر کنار بگذار فهمیدم که پول ایران چه میشود و به کجا میرود و جهت قروبی چیزی ایرانی از چه راه است گفت علاوه بر اینکه از ثروت ایران همه ساله کاسته میشود چه قدر ما از نفوس ایرانم دچار فلاکت و گدائی شده قدرت بازگشت برایشان میسر می شود و بسیاری تکلیف شده از میان میروند و چه قدر ما از این نفوس

محترمه از خانه که بیرون می آیند در راه و بین راه از غم و غصه و پریشانی اهل و عیال و ناخوشی تب و نوبه و اسهال و دماغ زنده گانی میگویند وجه قدر از زندهای جاهل و امارد که با اخلاق حسنه از مملکت خود خارج شده در مراجعت دچار بافعال شنیعه میشوند که فساد اخلاق آنها اهالی وطن را هم ضایع مینماید. وجه خانوادهها که به صدای جاؤش دست از کار و کسب برداشته خانه موروثی و مسکونه خود را برهن و گرو گذاشته در مراجعت هم مبالغی قرض آورده مجبوراً خانه را فروخته بعد از ادای قرض به گدائی وقت میگذارند و تماماً این فلاکت ها را حواله به تقدیر مینمایند و چه اشخاص بی سرو پا که از جهت دفع پریشانی چند زرع شال سبز بر سر و کمر بسته خود را سید مصنوعی ساخته از اهانت شرع و ایذای مردم فرو گذار مینمایند و مگر از این قبیل بدبختی ها شمردن گرفت که این بنده محض از نوشتن دارد

از دواى این درد سؤال نمودم گفت

دست جاهل به علم چون نرسد

چاره جز پیرهن دریدن نیست

اینها را که ذکر کردیم همه راجع بامور مذمومی است و چاره آن را جز يك قوه سیاسى و جبروت نادری که فعلاً مفقود است و ما از شرح و بیان آن عاجزیم نتواند نمود

و نیز بیان نمود که بعد از تهره پول هم زیاد بر آنچه هرش شد از ایران بلاعوض خارج میشود و فرنگستان همه ساله میرود. دفع آن را فعلاً دولت اگر بخواهد میتواند نمود

اول پولی است که رجال و بزرگان ایران برای سیاحت و یا باسم معالجه میبرند

دویم جمعی از اطفال ایرانی ساده لوح را برای تطهیر فرنگستان میفرستند در مراجعت خیلی که شهادت نامه معتبر داشته باشند یا بی کار راه خواهند رفت و یا در خدمت خارج از آنهم مستخدم خواهند شد و باین جهت چهار پنج کرور پول ایران از میان میرود بلاطنه و در مقابل فرنگی مائی زیاد می شود

مکتوب از شیراز

جناب مؤبد الاسلام. چند سال است بواسطه نیامدن

اینست که میفرمائید حکام مواجبه شده‌اند این مواجبه کفایت خارج آنها را نمیدهد ناچارند که آنچه را سابق از فرع می بردند و اکنون جزء اصل شده و بدولت میروند بعنوان جریمه یا اسم دیگر از وجهت بستنند و بر رعیت تحمیلات دیگر نمایند و فرمی بر فرع افزایند - و این خیلی با فرمایشات اعلیحضرت هابونی خلافت ملکه و خیالات عالی شاهزاده صدر اعظم منافات دارد در یکی از جرائد نگاشته بود که یکی از نطقهای اعلیحضرت قدر قدرت هابونی این بود که هر ادنی رعیتی ظلم و ستمی وارد آید بلاواسطه عرض خود را در دربار مبارک عرضه دارد - کدام خوف حکام بیچاره میتواند چنین جسارت کند اگر چنین امری از او مشاهده شود تا وقتیکه دولت مطلع گردد او را به پیش پدرش میفرستند

نطق دیگر برحسب ابلاغ حضرت صدارت عظمی این بود که مقصود از اجراء قانون عالی اینست که حقوق هر کس از نظامی و اهل دعا بدون کم و کسر برسد و ستمی یا مستوی از او چیزی نگردد اکنون مشاهده میشود که آن مرسوم را یکجا دفتری میستانند یکی صندوق دیگر اینکاعلب بیچارگان حقوقشان از میان رفته و کار مفت خواران هنوز پیشرفت دارد چنانکه پیش میآیند مال دولت را می بردند اکنون هم می برند عرایض دیگر هم هست که آنها را نمیتوان عرض کرد مستدعی است که ببشارتی شیرین و طرزنی سخوش این مطالب را برای نوحه اولیای دولت درج فرمائید شاید شاهزاده صدر اعظم در هر شهر یک معنی بیفرض روانه فرماید یا در هر جا وقایع نگاری بی طمع بکارند که هرگاه ظلم و ستمی بر کسی وارد آید عرض امنای دولت برسانند - هزار تعدی میشود که صد یک بل هزار یک آن بدار الحلافه میبرد بلکه ظلمهایی فرانسان می نمایند که فراتشایی خبر نمی شود و ستمهایی که فراتشایی میکند حکومت مطلع نمیگردد و تعدی که حکومت میکند اولیای دولت میداند این است که مردم بدون جهت همه از دولت آزاده میگردیند و از قانون جدید خبر ملاحظه نمیکنند آنوقت هر چه شما وغیره فریاد زنید که قانون عدالت است بگوئید کسی فرد فرود

(خبر ملوک)

برف و باران ظاهر و هویداست برف کوهستان هم کم شده و ازین جهت بر مردم سخت میگذرد و بعضی از جهال یا مرضین این مطلب را از حمایت آقا میرزا آقای برفی که عامل این کار است در نظر اهالی جلوه دادند - و حال اینکه نیامدن باران و برف با اختیار بنده نیست و اصلا و ابدا هیچ دخلی باین بیچاره پیر مرد که در زمین هم دارای هیچ عملی نیست ندارد - و همه ساله مخصوص مال در موقع تابستان و بروز ناخوشی مبلغی متضرر شد - چنانچه سراغ دارم در صورتیکه برف در کوههای شیراز بام شده بود فرستاد از کوه های اردکان که سه منزلی است برف آورده برای راحت مردم دو بست و بست فاطر خود را از دست داد البته اواخر ابداء برف بدست نیامد باوجود این امر بعضی از اهل عرض و مرض که سابقه عداوت با او داشتند که التماس لایجب القاص این مسئله را وسیله و بهانه بدست آورده راپورتی باسم میرزا آقای بیچاره انتشار داده و شرح مبسوطی در مذمت او اعلان نموده این فقره اسباب بی آرونی و موجب تغییر کارگزاران شاهنشاه زاده اعظم ایالت فارس گردید بعد از یک دو روز از طرف قرین الشرف ایالت کبری رسیدگی و تحقیق کامل شده معلوم گردید که این قصه که بنام وی اشاعه یافته نهمت محض بود - مستدعی چنان است که این را درج در نامه مقدمه فرمائید که رفع سوء ظن مردم از وی بشود

### حکایت مکتوب بیفرضانه

جناب مؤید الاسلام جندی است که همه هفته بیفرض زیارت گرامی روزنامه مبارک ناقل است شرحی از اجراء قانون جدید و خیالات عالی شاهزاده صدارت عظمی در ترقی دولت ابد مدت ملاحظه میشود مسلم است که عرض از اجراء قانون رفاه ملت و رعیت میباشد اگر رفاه ملت منظور است چرا باید تاکنون حکام و عمال و ضابط با این خیال مقدس همراهی ندارند - قانون قدیم این بود که ماور باموریتی که میرفت ضعاف مضاعف جریمه میگرفت الآن هم همان است چه فرقی شده قانون قدیم این بود که حکام پیشکشی میدادند و حکومت بر میداشتند از آن طرف از رعیت زیاده بر آن بیرون می آوردند الآن هم مثل سابق است منتها

## اصلاحات جدیدہ یا خیالات

عالیہ وزیر اعظم

(از شماره ۸)

(۲) از مضار و مفاسد تیول که خانه ملت را خراب و دلهای گسسته گان و زیردستان را کیاب - دولت را قرین قلق و اضطراب و فتنه دہشت و انقلاب کرده - ہانا حبس غلہ و محصول و منع انتشار و فروش است کہ (احتکار) گویند و نتیجہ احتکار کہ تنگی و خطی و گرانی ارزاق و عسرت فقراء و ضعفاء و کسبہ بازاری است و نتیجہ این عمل کہ آوارگی و فقرہ رطایا در اقطار و اکناف عالم (اگر قدرت فرار داشته باشند) و تمام شدن جزئی ثروت متوسطین و معدوم شدن اندک سرمایہ کاسبان بازاری (اگر سرمایہ داشته باشند) و الا بتنگی و سوال قادن اگر آرو را کنار گذارند و گرنہ مردن بصد جاری در گوشہ خانه و راحت شدن از جور ظالمان بی اصاف و شکایت بدرگاہ منتقم قہسار است - توضیح آنکہ بہ چیز است کہ مانع از انتشار اشیاء و موجب احتکار تواند شد اول -

حکم یا امتیاز از طرف دولت چنانکہ در بی از مالک در برخی چیزها معمول است چون امتیاز دخانیات در عثمانی و دیگر ممالک و نمک و مشروبات و معادن وغیرہ و هیچ دولتی نیست کہ طاری از ہرگونہ امتیاز باشد و فی الحقیقہ بعضی اشیاء را صدور و ورود و خرید و فروش ممکن نشود مگر با امتیاز انحصار و اگر انحصار نباشد بی امور معوق ماند و رشتہ انضمام مدینت کستہ گردد فی المثل ایجاد صنایع و اختراعات جدیدہ و اکتشافات منیدہ و تصنیف کتب نافعہ وغیرہ مہمی را مشوق و محرک ہا انحصار است کہ تواند نتیجہ زحمات چندین سالہ را حاصل نماید و اگر بنا شود سالہا زحمت حکمتد شب و روز را در اختراع صنعتی جدید صرف نماید تا آنکہ بلا راہ آہن را دائر سازد آنگاہ دیگران کہ در این مدت بکمال عیش و راحت بسر بردہ اند شروع بساختن راہ نمایند و او را اسلا قائمہ باید نشود و در عسرت و سختی جان دہد ہرگز دیگری را ہوس اختراع جدید بر سر نیساید و سالیان زیاد فکر و وقت خود را بپہودہ صرف نماید مگر بگاہ

فلسوفی کہ دو دریای محبت نوع مستغرق و عمہ ہمنش مصروف راحت ابناء انسان باشد چنانکہ وجود خویش را فراموش سکرده جز منافع نوعی و مصالح عمومی خیرش و منظوروی در خاطرش خلورش نماید ولی کجاست چنین وجود معظی کہ مراتب اخلاق را تا باین درجہ طی نموده و مراحل اسبابیت را تا این مقام پیورده باشد؟ و اگر یافت شود ہر آیتہ از غرائب زمان و ترجیہ حالتی از وقایع بزرگ تاریخچہ خواهد بود مثل سقراط الہی - و عموماً مدار نظام عالم بر تحصیل منافع خصوصی است یا شرف شخصی

بلی وظیفہ عموم آست کہ تحصیل ثروت را از راہی نمایند کہ مضر بحال نوع و محل آسایش طعمہ نباشد و تقع خود را مقدم بر صلاح ملک و ملت ندارند و ایذاء هموطنان را بجهت سود شخصی مرتکب نشوند و اگر امر دائر شد بین ملاحظہ فرد و نوع ملاحظہ نوع را ترجیح دهند - نہ آنکہ خلقی را بکشتن دهند تا درمی چند اندوختہ نمایند یا ماتی را ذلیل سازند تا نان خود را برون اندازند و مملکتی را بیابانہ چون وزیر سابق ما بتمنای ایرہ زرد و قران سفید بفروشد چون آنکس کہ بہوای حکومت ری برقتل امام اقدام و اہتمام نمود

بیزب بیساد رفت بتعمیر ملک شام

بطحا خراب شد بتمنای ملک ری

بہر حال امتیاز و انحصار در بعض موارد ضرور ندارد بشرط آنکہ مضر بحال عامہ نباشد اما در ارزاق و اجناس ماکولہ از قبیل غلہ وغیرہ حایز نیست انحصار آن چہ لامحالہ انحصار موجب ترقی برخ و گرانی است و صدمہ آن زیادہ بفقراء و ضعفاء و بیچارگان باید میشود و شیرازہ اتحاد یک قوم را متلاشی میسازد - از اینرو دو دول متقدمہ این گونه انحصار مرسوم و معمول نیست

دویم - تمول و ثروت بسیار است چنانکہ ملاکین ایران را این طادت مذموم مرسوم است کہ غلہ املاک خود را نگامداشته و ہم بطایف الخیل موجبات قلات غلہ را فراہم کنند و قیمت را ترقی داده آنگاہ طال خود را باطلی القیہ بفروشند - یکی از نجار شکایت از وضع تجارت و ضررہای خود مینمود کہ اوضاع کتب و



اداء حقوق دولتی را وجه لازم است و هم پرداختن وام و قروض را که در مصارف فلاحیت و مخارج شخصی فامیلی را که غالب بموعده دست آمدن محصول و درو شدن بهر قیمت حکم معمول باشد بفروشد بلکه بسا دیده میشود که چند ماه قبل از سر حاصل پیش فروش میکنند که بیع سلف یا سلم گویند و اگر خریدار و مشتری حاضر نباشد اندکی از قیمت ماده میکاهند که فروخته رفع حاجت نمایند پس تدریجاً جنس تنزل نماید و ارزان شود ولی صاحبان تیول که بحقیقت مالک رعیت و خداوند ایشانند اغلب از اطنام رجال و متمولین و ارباب ثروت و اصحاب کرورها مکتب اند بلاوه خداوندان قدرت و تقوذ و کینه مقبوله و بیانات مسموعه اند و بیشتر خود اهل حل و عقد و مالک زمام امورند چه صاحبان تیول غالب یا از علماء و رؤساء روحانی بلادند یا از قبیل اصراء و وزراء و حکام و اعیان و محتاج بفروش غله در اول حاصل نیستند و اگر اتفاقاً وقتی امر مهمی آنان را پیش آید و وجهی ضرور و لازمشان شود بواسطه ثروت و اعتباریکه دارند هرکس بانها قرض میدهد پس ملاحظه صرفه و اقتصاد را متهم میدارند چرا که تزیل و فرغ پول در سال یکقران است الی دو قران ولی احتکار یک تومان را دو تومان بلکه زیاده مینماید بهر حال صاحبان تیول بفکر ازدیاد ثروت و فزودن مدخول رزق بندگان خدا را حبس و ضبط میکنند و اگر ممکنشان شود جزئی غله که رطایا دارند بصف یا بخریدن از آنها گرفته در انبار و مخزن ظلم و ستم اندوخته می سازند تا همکار بد را که موجب حسارت آنها میشود از بین بردارند و چون شنوند دیگری جنس خویش را بمیدان برده یا بقیمت ماده بمردم فروخته است سحت متغیر شوند و بعضی و عداوتشرا در دل گیرند و از پای نشینند ناجزاء کردارشرا که در شریعت این گروه بزرگترین معاصی است در کنارش نهند تا بسدها تکلیف خودرا بدانند و به حرکات ناشایسته فروش ارزاق اقدام نکنند و در خوردن خون کبیه و قفراء با آنها همدست و همدستان شود تا اگر قیمت غله بالاخره بقدر اشتباه آنها نشد تصبر را برگردن همکار نهند که گفته اند بر همکار بدولت (بالی دارد)

معاملات امروزه بکلی تغییر کرده ورشته تجاروت ایران بدست بانگهای شاهنشاهی و روسی و چند نفر از تجار خارجه قاده است مداخل را آنها میبرند و ایرانیان خون جگر میخورند و در هر عمل داخل شوند جز خسران و زیان عمری ایشان را عاید نمیشود - مرا از این سخن حیرت گرفت و در شکفت مادم سبب را ازوی جويا شدم در جواب گفتم که همسایگان را اهتمام یلغ است در آنکه جمیع رشتههای تجاروت را بدست خود گیرند و مارا محروم و بی نصیب سازند یا مزبور و فله خود قرار دهند و در این خصوص تدابیر متعدده و حیل متکثره دارند - من جمله بواسطه ثروت و استطاعت اجناس را وارد نموده اذخار و احتکار می نمایند و اگر دیگری از همان قبیل جنس را وارد کند محض ضرر او جنس را ارزان کنند و بفروشدند تا ایرانی بدبخت نیز مجبور شده بضرر بفروشد و توبه کند که دیگر پیرامون آن جنس نگردد چون خاطر جمع شد که بهر از خودشان دیگری آنجنس ندارد بفته رزق داده جبران کسر خویش را بجایند و بتدریج باین حیل دست تجار را از معاملات کوتاه کرده اند مگر آنکه از خود بانگ بخرند و دست مزد او بشوند و بدمه ای قناعت نمایند - و در روسیه یهودان بواسطه ثروت بی اندازه که دارند همین رفتار را با آنان مینمایند و مداخل روسیه منحصر باین فرقه اسرائیلی شده است و این معنی عمده باعث شد که روسها کینه و عداوت یهود را در دل گرفته عمده بزرگ در درو نشان شده بالاخره ماده آن منافجر گشت بسیاری از یهودان را طعمه تیغ نیز نمودند سیم تیول است که موجب احتکار میگردد و مثل تیول است حکومتی که خالصه دیوانی را ذخیره نموده باریاب حقوق تسعیر مینماید چنانکه سابقاً در مسئله اصلاح حکومتات مفصلاً شرح دادیم اما تیول و تمول از آنجهت سبب احتکار است که رطایب قنبر و صاحبان جزئی آب و زمین که اصطلاح عامه خورده با گویند قدرت و توانائی حبس غله و نگاهداشتن محصول و مزدوع را ندارند از طرفی باید طایرات و بدی دیوان را بپردازند و از طرفی مخارج زراعت را در عرض ساله قرض نموده هم

## مکتوب از کرمان

از بدو طلوع روزنامه مقدسه و ارتفاع ظلمت طابع ترقی و تربیت و تلاشی سحاب متراکم جهل و شقاوت و تابش انوار حکمت و پراوش امطار رحمت و فزایش آثار مدنیت هر یست در صدد بودم چیزی بعنوان تبریک عرضه - و ضمناً از اخبار گذشته هم معروض دارم - ولی دو چیز طایق بود اول ضعف و تقاضت پیری که مایه تعطیل متاعی و قواست - دوم کثرت نوائب و حوادث وطن که از تنالی و توالی حکم سلسله نامحدودی که مشتمل به حلقه های نامعدود بوده باشد پیدا کرده و امور غیر متناهی هم به شان بیان نخواهد شد - اینست که هر وقت خیال میکردم که قلم بدست گیرم متعجب میشدم که از کجا شروع کنم هر چند این قضایا بواسطه نبودن روزنامه بلدی و مطبوعات بومیه که هر واقعه را ثبت نموده محسوط بهادار غالب سهو و نسیان شده و اگر بعضی از آن بطور اجمال در خاطر مردم باشد از ترتیب افتاده ولی در حین نگارش لابد است شخص بحسب ساعات و دقائق شرح بدهد - تا در این ایام بزیارت عکس مقدس عالی قار شدم و پس از تأمل و نظر نازی شده از مصایب عابیه و کجالات فائده و مکارم اخلاق و محامد آداب و اطوار حمده او را یاد آوردم که چقدر در راه و ضحی مجاهدت ورزیده مواع بزک را مصحح ساخته است - باخته نبات قدم و استقامت هنرم جابعلی دوسر این مرحله از هر چیز ضریب تر و بدیع تر است - واقعا نیکدرجه از مسائل غامضه طبیعت و وقایع نادره زمان بطری می آید که یکطرف در خارج از وطن نشسته باشد و تا ایندرجه به نفع و ضرر و خبر و نشر عامه خود را شریک کند با ایکه طبیعت ایرانی نوطا منطور است که هر مجوره را معرفت ملکوت سموات و سلطنت بر مادیات و مجردات و روحانیات و تسخیر آذتاب و فرماندهی سیارات و کشف کیمیا و طلسمات و اطلاع بر اسم اعظم را فراخور حال و استعداد خود میداد - و دخول در حوزه بتیک و اطلاع بر رموز سیاسی و فهمیدن منابع مایکی و تحصیل حقوق ملی و بیدار کردن کله جیرا و بجه جهت را کفر یا موهوم و بیمنی یا مضر بحالات شخصی می شناسد مع فلک اطنم رجال مملکت و افاضل ملت از فهمیدن این

مشروعات مقدسه بکلی طاری هستند و ذوق وطن ندارند حدای متعال را شکر که تاکنون محفوظت داشت و از تمام ورطه ها بیرون آمدن و بجزا علی محمدخان مدیر مرحوم پرورش و سایر بزرگان و شهداء وطن که در رشت و تبریز و طهران جان دادند نه پیوسته - معلوم می شود خداوند را در آیه مقدرات نیک است بحال این نبات که وجود جناب عالی را ذخیره گذارد باری در خلال این حال شماره چهل و دوم روزنامه مقدسه را آوردند با کمال شوق مشغول مطالعه شدم و در طی فهرست مندرجات وطن عزیز خودم را هم در صحن مکتوب از ماهان یاقم لاحرم نظر با اهمیت آن نسبت بحالت خود همان موضع را پیدا کرده بدق مطالعه کردم - نیکگویم چندر متاثر گشتم همینقدر نیکگویم (کل م دیده را بی تمام است)

آنچه راجع بدالت بروری و دادگستری و نیک نفسی و آراذکی و حس نظرت و علوهمت و شهامت دات و طهارت صفات و ماعت طبع و دقت نظر و صفای باطن و سلامت نیت نواب مستطاب والا شاهزاده رکن الدوله نگاشت بود صحیح و صریح و بدون شبهه افراق است و آنچه را که منتظر وقوع و مشاهده آن شده بود تا بعد اطلاع دهم اینک بنده در مقام زحمت و تصدیع عرضه میدارم اقدامات عالی شاهزاده رکن الدوله کلماتش عبارت از چند موضوع است اول گرفتاری اسفندیار خان که در مکتوب معهود اشاره شده و شرح طنبیان و شرارت او در زمان آصف الدوله و گرفتاری حاجی علی اصغر خان امیر المملک را و استمرار در حکومت سیرجان تا چندی - و نهب و غارت اموال حاکم ملهور و شرح قتل میرزا آقا خان سریت ایلهای ایل افشار و قصایای بعد از آصف الدوله یعنی باستانیای زمان امیر نظام مرحوم در زمان حسام المملک و علاء المملک و ظفر الساطه که در هر وقته که از طرف حکومت جاعتی با استمداد تمام و احتشاد مالا کلام مأمور بدفع او شدند و پس از اتلاف عده نفوس از خودشان بدون حصول مقصود تا یک طومار بلند بالائی و تالیجه معصون بر فهرست مخارج جنگ از ذخیره و آذوقه و مهیات عسکریه و لوازم حریه مثل اینکه بندر (آرتور)

را خیال فتح داشتند مراجعت کرده - اگر اسفندیارخان را نکرقتند دخلی بردند و فائده حاصل کردند نهایت اینکه بدولت خیانت نمودند میدانید که این اصول عموم مستخدمین مشرق زمین است و سنت غیر مستحسنة کلمة نوکران ایرانی بخصوص است تنگ و طار بار آوردند معنی شرف و افتخار و ناموس و اعتبار نظامی را تضییع و دفع از وطن نکردند ایان ندارند شاه دوستی نمیدانند وطن پرستی نمی فهمند

الحاصل مخصوصاً اعصای جناب ظفرالسامه از محاصمت و معاضدت او دیدند طرفی نمی بینند از اول سه مسألت انداخته و اسفندیارخان را مأمور بحفظ راه ساختند و اسفندیار هم بسطوت رستم و صولت سام سوار در هر ناحیه اسب اقتدار جهانیده پیاده و سوار را از لطفه اسبان خود نگاری ساخت و هر سو که رخ آورد حریف را مغلوب و مات میکرد ولی شاهزاده حکمران روز اول ورود او را دستگیر ساخته و انبیا و اشیاعش را هم از راه داری خلع و حکم به محلیه قلاع فرمودند

پس از گرهاری او جماعتی از اعوان و اصارش که با او شریک خیانت بودند مخانه جناب مستطاب آقا میرزا حسین امام جمعه کرمان پناه رده استخلاص او را خواهان شدند آغاز بتوسط و شفاعت شد علی ای حال هر چه در این باب اصرار کردند مفید نیفتاد بالاخره بستیان نیمه شب فرار کرده بسمت کوه های مبیح که مأمن دائمی شان بود متواری گردیدند (باقی دارد)

مکتوب یکی از رجال بزرگ طهران

قابل توجه رؤسای روحانی و جسمانی  
جناب مؤید الاسلام - اس اساس ترقی و تمدن که در محالک تمدنه ملاحظه میشود - فقط متصل باین رشته است که اینک برای استحضار خاطر ارباب بصیرت نکاتت خواهد شد - اهالی هیچ ملک و ماقی را هیجان و شوق ارتقای مرتبه همکنان میسر شده جز آنکه قیاس نقصان و یسقی مراتب داخلی خود را از هر حیثیت بمقیاس علو معارج خارجی تصور نموده و از روی فکر و فکر فهمیده اند - که از سر منزل مقصود دور و از دخول بتوان اعظم تربیت و تعمور معرفت مهجور افتاده اند - پس هرگاه در طلب ترقی

بر آمده غیورانه جنبش و مرثانه کوشش کرده یک دل و یک زبان گفتند

(سخن دست بگویم کی توان دیدن)

(که می خورند حریفان ما نظاره کنیم)

تا کم بصری هم عالی خود را از نکبت و فلاکت رهاییده اعلی درجه رفعت و جلالت رسانیدند - باید این ملاحظیات را وقتی منتج نتیجه دانست که ارباب معارف مروج و مشوق جراید ملی شوند تا بتوسط مطبوعات از وضع داخله و اوضاع خارجه و آثار نواقص کار خویش و محاسن انتظام و آسودگی دیگران آگاهی حاصل نموده باهوشان مملکت نیز گوشزد سایر طبقات داشته تا عامه شایق و مایل ترقی گردند

ولی افسوس این بدای خان سوز جز از جریده مقدسه جبل المتین شنیده میشود - و امیدواریم وسیله ترقی ایناء وطن از حسن زحمات و نتیجه وطن خواهی مدیر محترمش حاصل گردد - زیرا عیناً مشاهده میشود نگارشات خالصانه و نصایح وطن پرستانه اونه چنان محل رسوخ و نفوذ عامه گشته که بتوان وصف نمود خداوند توفیق و تائیدش فرماید

§ مرحبا ای نادى اسرار دین

• مرحبا ای حامی شرع مبین

§ مرحبا ای عاشق اهل وطن

• ای بری از گفتهای طاووس

§ وه چه خوش فرموده اندر مثنوی

• آن حکیم مولوی معنوی

§ تا نگرید ابر کسی خندد چو

• تا نشاند طفل کی نوشد این

§ پس همان به تاچه نالان شوم

• سوی آب زندگی جویان شوم

§ عاشق وصلی برو جوینده شو

• وصل را باصد زبان گوینده شو

§ تو بگو تا دیگران آگه شوند

• بدما آیند و مرد ره شوند

§ ای پدر ما پسر فرزندان خویش

• خصما کاربرد اینک دشمن پیش

§ تا روند تویت بذرات نبود

• که رسند از بندگان اندر وجودت

در نمره ۲۷ مشروحاً نقشه که وزیر کرویاتکن برای حمله آسیای وسطی کشیده بود ملاحظه شد. گویا ژنرال مشارالیه وا در موقع بی کاری و رقابیت خاطر مقصود این بوده است - که فطانت و هوش و شجاعت و مهابت و علومات مهمه حریره خود را که مشتمل بر خیالات دور و دراز است شاید باین تدبیر رضایت خاطر دولت متبوعه خود را فراهم کند - ولی اهل نظر میدانند از غرور بیجا و باند پروازی بی‌حد و خیالات دور و نزدیک مردم آزادی را در هیچ موقع نتیجه نیست - چه شاید روری بیاید که بعکس فائده بخشد (چنانکه بخشید) آن وقت جز خلعت خویش و فراهم کردن زحمت دولت متبوعه در پیش چیز دیگری متصور نیست - خدا رحمت کند فردوسی مہرورم را پیرانه پندی فرموده است ( بدشت آموی ناگرفته مباحث )

چون در این خصوص از عقاید سیاسیون ایران و امرای وطن پرست ذی شان اشاره شده بود اگرچه این بنده فکر خود را در ساحت خیالات طالبه و مجال محترم و امرای معظم سرحدیه قابل ذکر نمی‌داند. و البته هرگاه آن نقشه ژنرال کرویاتکن را مورد اهمیت فرض نمایند هرچه لازم دانستند برای اطلاع هموطنان تفکرات و مقاصد خود را اظهار خواهند فرمود. این بنده هم عقیده خود را در این مسئله برض می‌رساند چه هرچند در نظر سیاسیون منصف تریسیم این نقشه که ژنرال کرویاتکن شرح داده برای دولت روس در صفحه آسیا اهدا نمی‌نماید بلکه هم آغوشی باشاهد این خیال امریست محل ولی فرض محال را هم محال گمان نکرده عرض میکنم - شاید بعضی از سیاسیون روس هم در انجام این نقشه رای داده باشند در وسعت میدان خیال بالای از این را هم تصور می توان کرد - ولی در مقام اجرای متصود و از قوه بغل آوردن خیلی مشکل با که از محلات است - پس گویا جنگ اقصای شرق و گرفتاری و زحمت سر بازان بزرگ روس و جلادت و شجاعت سر بازان کوچک و این هم از نتایج خیال و طرح نقشه است که آن ژنرال مال ادیبی فکر آورده است اگر اندک توجهی از طرف سیاسیون عالم در وقوع حادثه شرقی اقصای

- § کجیبتای آن بدو را بر
- § در درو آرند با صد کرو فر §
- § سالها در دم آسایش میکنند
- § بس بخود بالند و هم نازش کنند
- § لیک غر و افتخار آن گروه
- § هست از ما جمله آن فرو شکوه \*
- § در زمایسکه ادب نایاب بود
- § علم و فضل معرفت کیاب بود \*
- § خلق آواره زفهم و معرفت
- § چون بهایم کاری از هر تربیت \*
- § آموطن خواه حقیقی چون چنین
- § دید ویران گفته ایران اریقین \*
- § رختن همت تاخت در هندوستان
- § تا کند فکری برای دوستان \*
- § گفت آن به تا که از جبل‌المتین
- § جاکج جویم راه و رسم دین \*
- § داد دانش داد بس فریاد کرد
- § در ادب مان جمله را آباد کرد \*
- § لاشهای مرده زو بیدار شد
- § مستهای حقه زو معیار شد \*
- § طوطی جان از قفس بران شده
- § دور از ما تا به هندوستان شده \*
- § لیک بهر از منان دوستان
- § میفرستد شکر از هندوستان \*
- § شکرهای شکرستان ترا
- § وین جریده چون گلستان ترا \*
- § تا قیامت شکر بگویم شرح آن
- § بار من تا شکفته ام حرفی از آن \*

پس باید نتایج و ثمره که از انتشار مطبوعات تا شر حاصل مملکت میشود ملتفت شد - و قهر این نعمت شایان و گنج بی پایان را بدرستی دست مسطورات و اطلاعات آن را بطور سرسری و برای گذرانیدن وقت ملاحظه نفرمود بلکه عین بلند همتی در آن است که موقع مراجعه جراید با کمال دقت و باریک بینی های دقیق و افکار عمیق صفحات روز نامه را خوانده و متصود خواندن هم فهمیدن و هم بهمانند

نمود آن وقت خسارت طاعونی و باطنی این غائله بایه مکشوف خواهد شد که بیچندین قرن دیگر برای دولت روس تلافی سدعات وارده ممکن نمیشود - (باقی دارد)

**عربستان - قلیه**  
بلائی عموم معلوم یعنی مرض مشنوم و با صکه چندی بود غالبی از نقاط هرستان را مانند سایر جهات ایران استیلا نموده و هرجه کردن بود کرده و مرتفع شده بود این اوخر در شوشتر و باکه در حص حصین و قلعه رزین دولتی معروف به سلاسل داخل و رخ نما ولی زود از فضل خدا زایل و منقطع گردید این روز ما هم در حالیکه از آن اسم و آثار و هیچ انتظاری نبود در قریه (قلیه) که یکدو فرسنگی عمره و محل اقامت جناب سردار ارفع است غفلتاً پیدا شد و ایام معدودی شدت کرد و عده مبتلایان روزی به چهارده بالغ گردید این بلوگرقتاران اکثری از سوان بودند و کتر نیز از چنگال او جان خود را به سلامت می بردند - حتی به حریم و حرم سرای جناب مغزالمطه سردار ارفع حکمران هم قدم اجتناب نهاده بعضی از جواری و آسپور متعلقات دوجار و به سرای دیگر رهسپار شدند به ناچار جمیت قلیه به اطراف فراری و متواری و سردار ارفع در محل موسوم به قصر صکه در ساحل شط العرب و از بناهای خود ایشان و مکانی تنها و با صفا و از تصور مشیده و اینه متینه است حساری شده حوالی خود را گردون محکم و قرنیته سحت گذاردند و طریق تود را بکلی منع و قطع کرده محمدلقه خود و خواص اهل بیت شان محفوظ ماندند در شیوخ اهراب این نواح در حقیقت جناب سردار ارفع اول شخصی است که به اصول تازه آبی خود را تلقین و به اختیار برای نفس خود و اهل خانه خویش قبول قرنیته نموده و به اسم بی رسم نیز قناعت نکرده فی الواقع با منی و منظم و مستحکم و بهترین نمونه برای نظم اداره و قوه سابقه شان بوده است - بر احدی پوشیده نیست اسامال دریم اقلی از حدود خارجه و محالیه ماچه ایران قرنیته بود و بی چون چنین بیگناهیته قدیم نگردد و از این طرف وجود قرنیته را بی تعب و استناد خوب است نظر

اصناف میکنند در دارالخلافه طهران و قرنیته قصر صاحبقرانیه و عمره قرنیته قصر قلیه صکه اهتای در انتظام آن رفته است چگونه نیکوتر بخشیده و در امور دین یا دنیا اگر غفلت و سوء استعمال از خود ملها نباشد و مخالف اوامر و نوامی خدا و سایه خدا عمل و حرکت و کفران نعمت و خلاف خدمت نشود و اندک همت و غیرتی معمول گردد بی شك از طرف فیاض مطلق موقیت عطا و مبذول میشود - هیچکس مأیوس و محروم نمیگردد آیا رواست در این عصر حاضر که نه تنها دولتهای متمدنه ما مصلحه بلکه تمام طوایف و امم و لو شر دمه طوائف کوچک باشند ذمه برای مستقبل خود فکری دارند و خودشان را صاحب حقوق می شمارند و به یتیک و آداب مدنیت یا به قواعد کهنه و بدویت که از زر یا زاری یا زور عبارت باشد تجاوز مصائب و بلاهای مفروضه را از حدود خود دور و مدافسه مینمایند بک ملت نجیب چندین هزار ساله ابدآ در هیچ امر تصور فردای خودشان و ندامت طاقت آنرا نه نمایند خواب اصحاب کعبه را یک انتهای است میترسم خواب ما آن آنها را نیز نداشته باشد ملاحظه کنید در این ناخوشی یا ناخوشی های دیگر به آنچه از کف رفت و به چشم ها و گوش ها دیده و شنیده شد چه تبه و تجربه بدست آمد

گرک اجل یکایک از این گله میبرد  
و این گله را نگر که چه آسوده می جرد  
بن الاهراب ضرب المثل است (من جرب المجر ب  
جلت به اندامه) حضرات در اویش قلندر هم میگویند  
(بیدار علی باش که جورنت نبرد)

**بقیه تبریک نامه اسلامبول**  
اینک که مغفول نگارش بودم روزنامه های اقامت و صباح را آوردم در شماره (۲۶۸۸) روزنامه اقدام و در شماره (۵۳۶۰) روزنامه صباح درج بود که از طرف دولت علیه ایران رسماً بموجب تحریرات عمومی که هم بسفرای دولت و هم بعموم ملت آگاهی داده اند پس ازین هیچیک از امالی نمیتواند بدون استحصالی اذن و اجازه حکومت اراضی و امتیاز خود را بلجانب فروشد و امتیازات خود را بلجانب اجاره بدهد و آنچه بموجب



چیزهای پروریج به اروپائیان می سپردند اینک بحمدالله  
همی را از سرکار دور فرودماند و با گری هرچه  
تمام در رونق معارف و بنیاد مکاتب کوشیده و در  
آزادی افکار و قلم که سرچشمه سعادت و سرنوشت  
خوشبختی دولت و ملت است میکوشند همه اینها عکس  
حیالات مأمورین سابق است بدین واسطه پس از  
وصول مژده صدارت آن حضرت همه مقرر انجمنال بودند  
در اینجوده گر جان فشانم رواست

سکه اینجوده آسایش جان ماست

وگره وطن پرستان که از هرگونه غرض شخصی  
آزادند از هواخواهی اشخاص برکنارند ایران ایران  
میگویند و ترقی وطن عزیز را میجویند خواه از اثر  
حسن تدبیر و افکار عالی شاهزاده صدر اعظم باشد  
و یا از اقدامات شخص خارجی و از هرگونه اقوال و  
افعال که مخالف خیر دولت و وطن باشد بزار و نیستی  
آن شخص را از درگاه آفریدگار جهان خواهان  
و بجان طالب بقا و اعتلای شان و رتبه امنای سکه با  
صفای افکار و خلوص نیت از روی حقیقت از دیاد  
شرف و شہامت و شأن و شوکت و جلال  
سلطنت و ولی نعمت کل را طالب و جالب در ترقی ملت  
و وسعت و آبادی مملکت ساسی اند بوده و پیوسته در  
راه او بنیاد جان آطافه و حاضرند - و از کسانی که  
مسلك ناگسار پشه و درین اندیشه اند که  
دور بخون گذشت نوبت ماست  
هر کسی بخروز نوبت اوست

رضا بضرر ملک و ملت و دولت میدهند و  
خوبیشان و نزدیکان خود را بدون امنیت و استحقاق  
بر سرکارهای مهم دولتی میگذارند و در قید بشرف  
امور سلطنت و مهمان ملت نیستند و پروای مضار  
دولت و ملک و ملت در آنان نیست نفرت دارند  
زیرا آن بدبخت نخست طوق لعنتی را بگردن خود  
انداخته بر ناکس بدون ملاحظه قابلیت مهمان دولت  
و ملک را میسپارد و از برای بستگان خود کار پیدا  
میکند نه از برای کارهای دولت و ملت آدم پس چنان  
شخص مستوجب همه گونه لعن و لعن و نفرین است و همه  
کس از درگاه قادر بی نیاز با هزار گونه عجز و نیاز ذات  
اورا درخواست نموده و نامش را بر شقی یاد خواهند کرد

سیرا گذاردن امتیاز در شرکتی که تشکیل خواهند نمود  
حصه و سهم بسرمایه داران اجانب بدهد کافه اینگونه  
معاملات تا از طرف حکومت تصدیق نشده در حکم  
گان لم یکن میباشد

در چند سال قبل از مردمان با اطلاع شنیدم که  
در طایب اجانب خاصه همسایه شمالی ما در برخی مواقع  
املاکی بدست آورده اند که در آتی جبهه دولت و ملت  
پادی شر و ضررست لذا شرح مفصلی دو این خصوص  
بمرحوم حاجی میرزا حسن خان مشیرالسلطنه که وزیر آگاهی  
و این بنده را در حضرتش ربطی بسزا بود نگاشته و  
مفاسدش: ایگان یگان شمر دم ولی هیچ آری مشاهده نقد  
امروز معلوم میشود که خاطر مبارک شاهزاده  
صدر اعظم مسبوق بهمه این دقائق است. در باب بند  
امواز مکرر مقاله فرستادم در صفحات نامه مقدسه  
هم درج شد ابدأ بخرج نفرت - و اعتنائی بلکه عناد و  
لجاج اداره سابق ارباب اطلاع و قلم را کسل نموده  
بود زیرا آنچه می نگاشتند کسی بخرج بر نمیداشت

از قراریکه مینگارند نواب اشرف والا کافه بزرگان  
آگاه با عم و تجربه را که پیشانیان از مرکز دور و  
وجود کار آمد آنانرا باطل و بیکار گذارده بود بدربار  
جلب میفرمایند و بکار های مهم میگذارند چنانچه  
جناب آقا میرزا رضا خان مؤید السلطنه وزیر حکیم  
سابق پایتخت آلمان را سکه از جوانی در خدمت  
های معتلای دولت مستخدم و در مهله تربیت  
مرحوم حاجی میرزا محمد حسین خان سپهسالار از  
ترجمانی تا سفارت ارتقا جسته و وزیر است کاردان  
و مجرب و در دولت و وطن پرستی بنظیر بکار مهمی  
نگاشته اند که مزج هرگونه خبر و تقع است - و همچنین  
مختار السلطنه مرحوم سبه امیری که آمد در دولت پرست  
در او بصیرت داشت برانگیخته بودند. همی آثار خیرست  
لما در اداره سابق يك مرد درستکار در سرکار نبود  
و تمام حیانت پیشگان در سرکار بودند و همی مانند  
مهری خود مغرض نفس پرست کج اندیش و جمیع  
اوقات شان صرف حفظ مقام و کسب حرام - چیزی که  
بخیاال شان نمیکندست خیر دولت و ترقی ملک و ملت -  
حفظد مهری خود در جهتلات مسرقانه بلکه بخردانه بی  
آرام نقد وطن را که ماده حیاتی مملکت است در معرض

پس هائمال بزگی وامیری صکه کرشمة زخارف  
 دنیای نایبدار او را بفرید تا در ادبی و نظامی مسند  
 و مقام سستی و نادرستی نموده و طریق خیانت پشه  
 نماید و شامت صکر دار او موجب شود که در تاریخ  
 ملی نامش بزشتی ثبت و ابدالدهر بطمن و لمن عموم  
 مات گرفتار آید - صد سال کامرانی بدان نمی ارزند  
 که يك كردار زشت از او در صحایف تاریخ ملی ثبت  
 شود تمام لذت دنیا بيك تخی جان کنند نمی ارزند  
 پس اولوالابصار راست کاری میکنند که ناامشان در  
 صحایف تاریخ بنیگی لا شود

تا که دست میرسد کاری بکن  
 پیش از آن که تو نیاید هیچ کار

خداوند همه آقدر توفیق فهم کرامت فرماید که  
 درک اینی را نواند نمود که عمری نوع انسان بحیثیت  
 کوتاهی می پیش نیست - پس از آنکه زمان زندگانی  
 در گذشت سرپوشت پس از سرگاو مجهول و استعدادش  
 هم پس در این هم زندگانی اگر غافل شود بی اثر  
 میگردد

باید دانست آنچه گذشت بر نمیگردد مرد است  
 که دم را غیبت بشمارد ( می پیش دانا به از عالی  
 است) که در آدم با اندیشه درست در خلقت خود  
 فکر نماید و بداند که وجود او را حکیم علی الاطلاق  
 پیورده موجود نموده پس درین سیطره را نخورده و  
 بدنیای دنی نه بسته با آنچه از او خواسته اند کار بندد  
 بی هر آنکو غرض از خلقت خود را فهمید شکر  
 خدات خلاق عالم را فرس شمرده ناچار هیچ کار او از  
 دایرة اعتدال بیرون نخواهد بود پس بیروی عقل بیروی  
 خداست و مایه بیکنای در دنیا و آخرت در راحت  
 است - آری بدست آوردن شرف بسیار سهل و آسانست  
 مشروط بر اینکه طریق رحمان را رها نموده برای شیطان  
 ترویم زمام شرف و خوشی سختی در دست خود اسانست

آدمی زاده طرفه معجونیت  
 صکز ملايك سرشته وز حیوان  
 گر کند میل این شود به ازین  
 ور کند میل آن شود کم از آن

خداوند بهمی توفیق عنایت فرماید تا از لعق او  
 محروم بنایم ( ر ۰۰ ی )

از ما نوشتن و از رجال با سیاست  
 ایران نتیجه حاصل کردن است  
 روس و انگلیس  
 ( شماره يك )

دولت روس را در زطایست در وصول بمقاصد و  
 ضویات کامنه خود ( که محصل آن تسلط بر تمام ممالک  
 صکره ارض است ) پولاتیک خاص و شیوة مخصوص  
 است که طراح نقشه و مقنن آن ( بزکییر ) و اولاد  
 و احفاد او و سایر حکمرانان و وزراء روسیه راند  
 و اجراء میکنند آن نقشه هستند و هماره بهان  
 دستور عمل نموده و خیالات مکتوبه خود را صورت  
 خارجی داده - دره در مراتب جهان گیری و دست  
 اندازی بدول و ملل همجوار چه در اروپا و چه در  
 آسیا فرو گذار نکرده - و تا این ایام در هر شروع  
 اقدام و اهتمام کرده کابلیاب و نائل شده اند - در این  
 حرب احیره تیر تدبیرشان هدف مراد نخورده موجب  
 وهس و کسر نشوما - خویشرا فراهم نمودند و اقل  
 مساند این حرب حاضر صکه در شرق اقصی نائرة  
 آن مشغول شده سالها تأخیر اجراء خیالات ( بزکییر )  
 است - اگر چه احدی را از وقایع مستنبه آگاهی نیست  
 ولی ظاهراً امور پولاتیک روس نمیتواند عیناً دستور  
 و وصیت پتر بوده باشد چه اوضاع زمانه را اختلاف  
 بسیار و انقلاب بشمار است - بسا شود واقعه غیر  
 مترغبه حادث شده کایه افکار چندین ساله عقلاء را  
 هدر نماید - ولی کسیرا که خیال جهان گیری و تسخیر طایفه  
 است ناچار بمواج و مزاحم فراوانهم تصادف کند و زمانی  
 نیز خصم بیروی غلبه جوید ولی باز از پای ننشیند تا  
 از نو تدارك و تهیه نموده بر دشمن بتسازد و تلافی  
 روزگار گذشته را بنماید - روس زمانی از عثمایی با تفاق  
 و مساعدت فرانسه و انگلیس و از ایران در جنگهای  
 گرجستان و داغستان شکست یافت و استحقاقات  
 آن در ( سواستاپل ) و بشادر دریای سیاه و  
 قوقازیه و گرجستان بر باد رفت - اما صکینه در  
 دل نفث و دمی از توتیب و تهیه لوازم تدافع فارغ  
 نشست سالی چند نگذشت صکه بر دشمنان جهله و  
 هجوم و آبروی ریخته را بپسند آورد و آب ریخته

برآمد و راه آهن طولانی را حکه امتداد آن هفت هزار میل است با هزاران زحمت و مخارج فوق العاده واستقرائش از داخله و خارجه تمتد نمود و راه خود را نزدیک ساخت و شورش (بوکسر) را در چین محرك شد و نتیجه عمل آنکه (منچوریا) و بندر (آرهن) را متصرف گردید و امتیازات چند از چین حاصل نموده در پیشرفت اندیشه خود کوشید (باقی دارد)

ملاحظه حال شرق و غرب

( شماره ۰ )

( ۰ ) حدود اختلاف کله و تفرق امه و کثرت

مشاجرات و مناظرات بواسطه وسائل بیجا و بهانه‌های بیمنی و دوری از اتحاد و اتفاق و ظهور شرش و آشوب در بین افراد يك ملت با سبب چند که عمده آنها نصب جاهلانه است - امروز در مشرق زمین شهری - قصبه - قرية - ایل - عشیرن - یافت نمیشود مگر آنکه اهالی آن دوفرقه باز یاده اند و هر يك نادگیری دشمن - بعضی بجهت اختلاف مذهب و مشرب و برخی بخصوص طمع مال یکدیگر ولی اکثر خود نمیدانند ماده نزاع چیست و سرمنشأ جدال کیست کور کورانه قدم میرند بر ضد یکدیگر بدون آنکه قائده منظور دارند - و همین است ضرر این کار بر تمدن و تجارت ، تأمین عمومی و کسب بلکه بر هیئت ملیت و استقلال و دوام ملک تا چه درجه است و اغاب دشمنان مشرق زمین نظر بجلو بردن روابط پلتيکی و اجراء مقاصد مخفیة خویش که همه راجع بضرر و زیان ماست با طوائف الحیل و انواع تدابیر القاء کله اختلاف را در بین مال شرقیه کرده اند چه بالعیان میدانند تستت شمال و تفرق جمع موجب تباهی واضمحلال و مورث فنا و اعدام است

(۶) تقابل عدد و کثرت ناف و نقصان جمعیت چه

دیهی است هر چه در اثر سلوم و فنون وسعت باید بهمان درجه بر عدد وعده ساکنین افزوده خواهد شد و تا هر قدر مات در آتیه جهالت سرگردان باشد بمعرض فنا و مرگ نزدیکتر خواهد بود - آنها که عالم اند قدر حیات انسانرا بدانند مرصده استکشاف حقیقت هر مرض و علت و یافتن دواء واقعی آن بر آمده مراتب حفظ صحت عمومی را مراقبت و مواظبت کامل کرده اغذیه نافع و مضره را جدا نموده امراض مسریه

را بجوی باز گرمانید - مگر آنکه خصم نیز بیدار و در کار هشیار باشد و از تکالیف لازمه غفلت نبرد و بیک فتح و ظفر مغرور نگردد چون دول متحده آلمان و اتازونی آمریکا - و اکنون شاید دولت روس همین بنداراست که اگر امروز از قوه تقابل ژاپون بر نیاید در آتیه با استعداد کامل جبران سدمات گذشته را بر وجه اکل بعمل آورد -

ولی باید متنبه باشد که ژاپون در مال اندیشی نه هستك عنانی و هم نه بیه ابران است بلکه بمثابة آلمان و آمریکا و از آنان نیز پنا تر و مال اندیشتر است هر حال (بترکیب) اگر چه در وصیت نامه خود تسلط بر جمیع ممالک آسیا را امر نموده ولی راه وقفه و استیلاء بر دولت آلمانی چین را نشان نداده و مرتم نموده است و جهت را عمده آن بود که در آن ایام و موقع نه کسرا جو از دخول بآن مملکت بود و نه امکان خروج - ابواب بندر آن بر روی دول و ممال جانب بسته بود و محقیقت کسی را اطلاع از حال این ملک حاصل نبود - تا آنکه در اواسط قرن گذشته دولت انگلیس را بارة معلومات از احوال این مملکت وسیع که جنبه عظیمه اش از دور ناظرین را برول و دهشت میانداخت بوسائل چند حاصل شده - و اندکی خوف و خشیت شان زائل گردید و نیز بواسطه اختراعات جدیده آلات حرب و رزم آنها اندک اطمینانی شد چه دانستند آلات قدیمه را مقابله با آنها هرگز ممکن نشود - پس در اواسط قرن گذشته انگلیس و فراسه بر روی ناخفتند و نتیجه آن شد که بنادر و سواحل آنرا بجهت تجارت عموم دول گشودند - از آنوقت از رعب و هیبت آندوات در انظار بیگانگان کاست و دیگر ستیزها نیز عمده این معنی گشته روسرا بدان هوس انداخت که بر ملک فرزند آسان دست اندازد بلکه کلیه آن ملک وسیع را با چنان جمعیت آبیوه که ربع سکان صکره زمین است متصرف شود و بعد از فراغ از تصرف چین بر ممالک جنوبی یعنی انام و سیام و بیرمانی و کلیه اراضی (هند و چینا) مسلط شده آنگاه بر هندوستان تازد که در آن حال همه آسیا را مالک و صاحب خواهد شد - علی هذا در سید همایهات: و بتفصیل چین خیال بزرگ

را بواسطه قرائتین سخت جلو گیری نموده بپارستانها و مریضخانها دائر کرده مدارس بزرگ در هر شعبه از آن قائم نموده لوازم بقا و حیات خود را حتی التواء فراهم کرده اند - ولی ما ملل شرقی که بداء جهالت گرفتاریم اینگونه امور را که رشته حیات بدو منوط است اقدام و اهتمام نموده بنظر بیاعتنائی بآنها مینگریم و با اینکه هر روز صدها بلکه هزارها مبتلا و گرفتار میشویم ساعتی بل دقیقه خاطر خود را متوجه دفع و رفع نمی‌نماییم و غایت کوششی که داریم استناد بقضا و قدر و حکم آسمانی است و طغی گوشه چشم را بطرف دیگر مال منعطف نمی‌سازیم و این - سوال را از وجدان خود نمیکشیم که این احکام چرا و چگونه در خصوص ما مسجل شده است ؟ و بالمرض که در طب برآمدهیم و جویا و پویای جاره شدیم چون مرض جهالت ما را احاطه کرده و صحت علم متواری شد، قوت و توانائی در این اعمال نداریم و بواسطه اعوجاج فکر که نتیجه مرض جهل است هرچه رأی دهیم همه خطا و خارج از شارع درستی و صواب خواهد بود - لاعلاج باید بنشینیم و تن بمرگ در دهیم نه تلبیب داریم و نه دواء نه مریضخانه و نه غذا منتظر ورود بلا.

ای بسا اطفال که بواسطه نادانی پدران و مادران و عدم مواظبت و مراقبت در حال آنکه دکان هنوز تمام چشم نگشوده و جهان را درست ندیده و تماشای سیر نکرده یا کمال حسرت چشمها پاداران دوخته و بزبان حال گفته اند خون ما اطفال بیگناه برزده جهالت شاست و مشول از حال ما و علت مرگ ما در محکمه الهی شما خواهید بود که بی‌اصافه با ما سلوک کردید زهر با خورائیدید حال ~~حکمه~~ خود قوه تربیت طارا نداشتید خوب بود بکسی بپارید که زهر و شهید را بشناسد در هوش درمان سم جان کداز بکام ما نریزد ای طامران اگر در دار دنیا زندگان میکردیم مصدر بی خدمات شبان و کارهای نمایان ممکن بود واقع شویم و شما را نیز تقصیرها و بهره‌ها بر-ایم و نام خویشرا ابدالهدر پاینده داریم ولی هزار افسوس که فدای نادانی و قربان بی‌شموری شماها شدیم هنوز چون غنچه بودیم که باد حوادث پره‌ای تازک وجود ما را از هم متلاشی نمود

چه بسیار جوانان ماه - سیا که هنوز راحت از زندگانی ندیده و لذتی از عمر نبرده عالم عالم آرزو در دل نهفته و دنیا دنیا خیالات بلند در سر شان حفته از اثر جهالت بدران آرزوها و آمال را همراه خود بقبرستان برده و رفیق تنکنای قبر نموده دختران حور - سیا با صورت چون گلبرگ طری و فروغ ستاره - سعری زلفان محمد و کیسوان چون عنبر را - جهل اقوام بچنگال مرگ انداخت پس اگر بر حال خود رحم نمی‌نمایند آمدی به پیاری آنها رقت نکنید و بدست خود صفت و رایگان جگر گوشگان خود را بدایه مرگ بسپارید و از وجدان خویش حجل و شرمند شوید اگر سرشاری نفوس و تلفات فرزندان خود را بنجامیم معلوم میشود ~~حکمه~~ صد نفر مولود تا بمر می‌سالگی برسند ده نفر زیاده باقی نمی‌ماند و نود نفر دیگر مرض جهالت شما میکشد - مقایسه سر شاری مال متمدنه این تفاوت بین را بخوبی نشان میدهد چنانکه تجربه معلوم شده است که در کثر از جهل سال هر حیثیت متمرد که قوانین حفظ صحت شان مستحکم باشد و درمعالجه مرض بر وجه بصیرت دقت نمایند دو برابر خواهند شد - این بود شمه از حال مرض جهالت که در کمال جسارت عرضه داشتیم و اگر در تقریر و بیان خطائی رفته و از حد اعتدال بدرشقی گراشیده امید غم و بخشایش است اینک مرض دوم این بیمار را خوب است با اجازه حضار بعرض رسانم (بقیه دارد)

### ستاره دنباله‌دار

(ترجمه از روزنامه طلسم مجلی)

یقین است که تا یکماه و نیم دیگر بدون دور بین و عینک - ستاره دنباله‌دار را که رفیقان (موسیواتک) یافته و نام خود را بر آن نهاده مشاهده نمایم - این ذوزنب از حیثیت صفت کثر از سایر ذوزنبها خود را بنظر میرساند و در اندک مدتی بیشتر از سه سال دور کره آفتاب را سیر میکند و حرارت به آفتاب میبخشد - از ابتدای ظهور این ستاره جالب نظر منجمین و اهل عیثت به اسباب عتاف شد - ابتدای ظهور این ستاره در سنه (۱۷۵۵) میلادی مطابق سنه (۱۲۰۹) هجری بود چون زیاده از دو روز بنظر نویسنده اهل هیئت نتوانستند دوره کره آنرا حساب

کنند. نه سال بعد از این واقعه کابری و بقیه (دکتر هرچند مشارکاتش میزونی ستاره مبالغه‌نازی را دید که تقریباً تا مدت سه هفته در نظرش نماند بود و دوره آنرا علی‌التخصیص حساب کرد. بعد از ده سال همین ستاره از بنظر آمد و تا یکماه همین بود اما درست شناخته نشد. بالاخره بعد از ستاره مذکور را منجمین (طرس‌بنی) در سنه (۱۸۱۸) میلادی مطابق سنه (۱۲۳۶) هجری دیدند و چون دوره آنرا قیاس کردند معلوم شد که این همان ستاره است که در سنه (۱۸۰۵) میلادی مطابق سنه (۱۲۱۸) هجری (الک) منجم دیده و مدت حرکت آنرا دور کره آفتاب (۱۲۰۰) روز حساب کرده و تا سنه (۱۸۶۵) میلادی مطابق سنه (۱۲۸۰) هجری که سال فوت منجم مذکور است در تحت تحقیقات بوده است. حقیقت مشهوره که منجم مذکور استخراج کرده این بود که حرکت ذوزنب مزبور در فضا است هر بار که ظاهر شده دو ساعت و نیم پیشتر از وقت ظهور معده‌اش ظهور کرده بنا بر این فاصله چنین شد که در بین سیارات خیلی کوچک ابتدا ظهور کرده که به آسانی توان حرکتشان را معین کرد اما باز هم حرکات ستاره‌های مذکور و اندازه قرب آنها را با قیاس تعیین توان نمود (کامل نازی)

مقاله یکی از رجال دانش پژوه  
 در اصلاحات جدیده  
 (از شماره ۹)

در حالی که صاحبان سایر مذاهب مختلفه و ملل متنوعه از کاتولیک و پروتستان و ارتدوکس و ارمنه و بسیاری قدیم حق دعوت بهود مدارس منظمه ملی دارند که در آنجا اصول جدید تدریس پیشود و از انواع علوم و فنون متداوله و البته علمه از قبیل پاریسی و نازی و ترکی و عثمانی و فرانسه و انگلیسی و روسی و ارمق و کلدانی و سریانی و عبرانی و آلمانی و جغرافی و حساب و تاریخ و مسمات فزیک و شیمی و طب و تشریح و جراحی درس میدهند و درجدهت معلمین ماهر و طیبیان حافظ از این مدارس بیرون آمده و الآن در دواپر علیه و مشاعیه و فنیه مشغول کار هستند تا وجود اینهمه اسباب کار ما جماعت مسلمانان چنان افسردمام که گویا برده و ریخت بگری بیام دیگر پروریم

سپهاندوز و نوپنات و عمر و اقبال و غیره میفرماید  
 سنه ثانیه جنبش حاجی نظام الدوله مشتمل بران و  
 والی ولایات آن که مشارک فوسنی و وطن پرستی

پو شکت بیورق نگاه و مشهورند نظراعتند. مدرسه افتتاح نمایند. مجلس از امراء و اعیان و تجار ولایت تشکیل و نیت مقدسی را که داشتند مطرح مذاکره فرمودند. هرما با کمال میل طیبی و اظهار تفکر فرمایشات ایشانرا بسمع قبول امتناء نموده مستند شدند که هر یک بفرانخور حل سالیانه از صد تومان تا بیست پنج تومان وجه اعانه دهند و در تحت نظارت جناب حاجی میرزا ابوالقاسم آقا کزاقه ابناء که از اخبار روزگار است این بنای مقدس تأسیس و دائر شود حق محل مدرسه را هم تعین نموده و چون خرابه بود جناب والی از کیمه قنوت خود مقصد تومان متعاوز صرف تعمیر و تجدید آنجا فرمودند همی که تمام شد رئیس تلگرافخانه که در هر بلدی از بلاد خیلی عزیز و مهم تشریف دارند بعنوان اینکه این محله ده سال قبل باسم تلگرافخانه دولتی ساخته بود و تا تمام مانده بود و حالا که بخرج بهت تمام شده باید سیم دولتی را آنجا گذاشت بواسطه مخازرات امر را به بوزارت حلیله تلگراف مشبه نموده مدرسه را تلگرافخانه تبدیل داده مسامی جناب والی تا تمام مانده و از این طیل مقدس صرف نظر نمودند. حالا کیست که با اینوضع ناگوار و آیین نامنجمار بتواند اقدام با مور خیره نماید آیا با این وضع میتوان امید ترقی نا اینگونه عوائق داشت ؟

باری از جمله اصلاحات مفیده که مدنهایست خاطر نگارنده را مشغول داشته و میدارد و از اینهمه تصدیق لا طایل و تطویل محاصل مقصود بالااصاله آن است و در حدود رفع معایب و چاره حوالم آن میباشد مسئله عنوان مکاتیب و القاب مکتوب عابه است که در حقیقه در این سنوات اخیره مسئله عنوان و الادب در مکاتیب و مراسم محدی بالا گرفته است که شخص نویسنده متعبر و مهووست با حکمدانین عبارت و بجه زبان مضاطف و مکتوب علیه خود را نکلات غاق آیز و بروف دروغین خوشنود و راسی نماید که بیشتر از آن را متوقع نباشد. تصور فرمایند آنچه عنوان است تصدقت شوم و تصدق حضور آستان مبارکت شوم است فدایت شوم قلیل الاستعمال است روحی فدک حکم الادر کالمردوم را دارد و اگر بغالی بیالی نویسد لیباب شکایت شود تعجب در اعجابست که این عبارت بوجبتین واقع شده هر وقت ضمیر غایب با خوش مناس بود باعث توفیر و احترام مکتوب علیه است ولی هرگاه بکسانی خطاب با خورش ملحق گردد باعث غوین و تفریح غریب علیه شمرده میشود



اگرچه مرحوم حاجی امین شوی که در این مکتوب  
انوار رحمت الهی باد در ایام پیکاری مملکت آذربایجان  
عنوان را موقوف و مفروق داشتند لیکن این مفروق  
بی عنوانی معایب دیگر بزرگتر از عیب عنوان نویسی  
نویسه کرده که بیشتر بطلان زحمت نگارنده گردید زیرا که  
که مکتوب شد که در مکتوب بعد از وضع تاریخ  
دو سه سطر القاب مکتوب علیه نوشته شود اگرچه  
آهسته آهسته آنهم موقوف شد و کار صورت نخستین  
را معینتی زاید گرفت

حالا از روزنامه مقدمه استدعا داریم که در ضمن  
مدرجات گاهی این مسائل را عنوان فرموده و ملت  
پرانرا از این معایب بیاگاهاند. شاید این مسئله هم در  
تحت یک قانون کلی آمده مضبوط باشد و بلکه طریقه  
رفع معایب آن را نیز ارائه نمایند تا جان مردم از  
دست این زحمت بی معنی خلاص شود عنوان و القاب  
مگر نباید حد و اندازه داشته باشد بجهت استحقاق و  
لیاقت هم جناب جلالآباد و حضرت اجل شده اند  
و چرا باید تصدیق حضور یا آستان فلان امیر یا فلان  
وریر شد و تاکی با این کلمات دروغین خاطر خود را  
خوش داشت بر خود بیسایم و بیگانگان را بر خود  
بخندایم

نگارنده اشاء الله العالیه در این خصوص ترتیب و تنظیم  
نموده سواد آن را بوسایل آیه باداره تقدیم خواهد  
نمود که اگر مطبوع باشد بوضع انتشار بگذارد

( ۴ - ۳ - ۲ - ۱ )

### تکرات

( ۱۹ شعبان ۲۹ اکتوبر )

جلس تجارت انگلیس در ( هل ) تخمیناً تصانیف  
مأمورین را تحقیق خواهد کرد - و در ( ویگو ) بذریع  
انسان بجزری روس تدارک - و از آن بعد در مجلس حکمیت  
( هک ) تصفیه خواهد شد  
چهار جنگی ( روسیا یا - سی سیو بیکی - و افروام -  
و کتی های گزمت امیرالبحر ( کیوف اورا ) - سیوت لانه  
عزیز ونسی - قلمشاکا - زمیک و آلاگ - با هفت کتی  
موشک و پنج کتی ذغال و لرد ( قلمبر ) شدند و ما فی  
در ( ویگو ) زلف خواهد نمود - و کتی گزمت  
( لاگتر ) نیز در آنجا دیده است  
ادارات روسی بزرگ که تخمیناً با که ژاپونیان از  
تصانیف جنگ ( شامو ) بوده نزدیک مینمایند و تلفات  
روس را از تاریخ که تا هیجده ( ۱۸۸۰ ) بیان مینمایند

( ۲۹ اکتوبر )

امیرالبحر ( روسیا ) امیرالبحر و ( مسد استی تل ) قریب  
انگلیس مأمور شده اند که قضاان مایه گران را در بحیره  
شمالی تحقیق نموده اطلاع دهند

امیرالبحر ( روسیا ) امیرالبحر روسی مایه انگلیس با ملاقات  
خود نازل ساخته یکدست کامل صحبت فرمودند

امیرالبحر ( روسیا ) امیرالبحر روسی با امر چهارگرمه  
انگلیس ( لانگستر ) ملاقات نمود

چهار جنگی ( موشک شکن روس ) از جیل طاروق  
گشت بطرف مشرق روانه گردید

سفر ژاپون به دولت اسپانیا اعتراض کرده ضمه  
چرا بمجازات بالتیک در ( ویگو ) ذغال و خوراک داده - دولت

اسپانیا جواب داده است که سایر دول نیز چنین کرده اند -  
دست مجازات جنگی انگلیس در ( پورتلند ) جمع  
می شوند

تمام روزنامهات بر اعظم اروپا اظهار مسرت مینمایند  
ارائه مقام بحیره شمالی را مجلس حکمیت و وکلای دول  
تصفیه خواهند نمود و این نکته در آیه مؤید صلح عمومی  
خواهد شد

( ۲۹ شعبان ۰۹ - اکتوبر )

دولت روس از دیروز شروع به تدارکات لازمه در  
( ویگو ) نموده است

خبر ( روز ) از ( جینوا ) خبر میدهد که در پی ایام بر  
بندر آرتور ژاپونیان حمله هلی سعت مینمایند و دو کشتی  
دیگر را بنصرف خود آورده اند

چهار موشک شکن روس از قلمبر روانه شد  
باقی مجازات برای گرفتن ذغال و آذوقه مانده اند

امیرالبحر جیل طاروق ( بریمن ) با ماینده انگلیس  
در تاجیک ملاقات نمود

شش ساعت کامل مشق بحری جیل طاروق با انجام  
رسید

جنرال ( لینی ویچ ) سردار اول اردوی منچوریا و  
( کلباسی ) سردار دوم مقرر گردید

نامه نگار مخصوص اخبار ( استیسن ) از لندن  
خبر میدهد که در پترزبرگ مشهور شده مجازات بالتیک  
بر کتی موشک خود شاک کرده - چند کتی که بشگاهبان  
و فرادول مجازات مقرر بود و در تاریکی شب از عقب مجازات  
روانه بودند مجازات جنگی بگمان دشمن بر آنها شلیک  
گردید -

اخبار ( نیوریا ) مینماید که ممکن است اینگونه  
خطاها واقع شود - خصوصاً بعد از آنکه مجازات  
بالتیک خبر رسیده بود که ژاپون خیال شیخون بر آنها دارد

جنرال ( کروپاتکن ) درودت میدهند که ژاپونیان کم کم  
شروع به پیشقدمی نموده - قنون خود را بطرف مشرق جمع  
آوردی مینمایند - و پیوسته کتک باینان میرسد - گویا خیال  
حله دارند

ادارات روسی ژاپون ۲۵ نومبر منعقد شده بحث  
در جمع و طرح دولت خواهد شد - معنون است اصلاحیه  
در برابر خواهد شد و نیز بر سایر موارد هم خواهد  
افزود تا خروج جنگ را در آورند

ادارات روسی بزرگ که تخمیناً با که ژاپونیان از  
تصانیف جنگ ( شامو ) بوده نزدیک مینمایند و تلفات  
روس را از تاریخ که تا هیجده ( ۱۸۸۰ ) بیان مینمایند

ادارات روسی بزرگ که تخمیناً با که ژاپونیان از  
تصانیف جنگ ( شامو ) بوده نزدیک مینمایند و تلفات  
روس را از تاریخ که تا هیجده ( ۱۸۸۰ ) بیان مینمایند

ادارات روسی بزرگ که تخمیناً با که ژاپونیان از  
تصانیف جنگ ( شامو ) بوده نزدیک مینمایند و تلفات  
روس را از تاریخ که تا هیجده ( ۱۸۸۰ ) بیان مینمایند

ادارات روسی بزرگ که تخمیناً با که ژاپونیان از  
تصانیف جنگ ( شامو ) بوده نزدیک مینمایند و تلفات  
روس را از تاریخ که تا هیجده ( ۱۸۸۰ ) بیان مینمایند

ادارات روسی بزرگ که تخمیناً با که ژاپونیان از  
تصانیف جنگ ( شامو ) بوده نزدیک مینمایند و تلفات  
روس را از تاریخ که تا هیجده ( ۱۸۸۰ ) بیان مینمایند

( ۲۳ شعبان - ۲ نومبر )

بالتیک در (ویگو) تا زمان تدارکات دولت روس متروک  
داده بودند تا تصفیه دولت - دولت انگلیس نیز همین طوری  
کام کرده بود

بالتیک جی انگلیس تحت حکم امیرالبحر ( واکر )  
از خلیج ( اروسه ) بلا فاصله در اثر جہازات بالتیک روانه  
شده و در عقب جہازات بالتیک خواهند رفت

بالتیک از (توکیو) خبر رسیده که حمله بسیار بعضی در  
بندر آرژنر از ۲۶ تا ۲۹ ماه گذشته شده و ژاپونیان تا  
اندازه کامیاب شده اند - دو قله را صدمه رسیده تھی تا  
بیرون ( ایرلندشال ) رسیده قسمت بیرونی قله مذکور را  
خراب کرده و قله حات دیگر را با سرنگ سوراخ کرده  
اند قشون روس شبانه بر ژاپونیان حمله آورده و جنگ  
سختی واقع شده است

در خصوص جہازات بالتیک انتظام درست محصنه  
و حوع به مجلس حکمت میشود - وکلای محکمه بحری طرفین  
با امران بحری دولت و دولت انگلیس میخواهند که مجلس  
حکمت در پاریس منعقد شود - و خزانہ روس بر آنست  
که در (هیگ) مین گردد و پیش از آنکه تدارک شود  
جہازات بالتیک هزار مایل دور خواهند بود - امرانیکه  
بجمله تدارک مانده اند بی از کیتان دستة جہازات امیرالبحر  
(روز بدیت وینسی با کیتان دیگر دو لغتنت میباشند

بالتیک از توکیو خبر میدهد که اسرای روس  
که از بندر آرژنر بکنگ ژاپونیان اتاده بیان کرده اند صکه  
بندر آرژنر تقریب تسلیم خواهد شد چه که آذوقه بسیار کم  
و قوچ قلیلی باقی مانده است

( ۲۴ شعبان - ۳ نومبر )

بالتیک از پتر-گرگ مینگارد که بموجب تهریک  
دولت انگلیس اعضای کیسیون باید سرک باشند از وکلای  
دولت انگلیس و روس و عراق و آمریکا - و شخص پنجم  
را وکلای مذکوره خود منتخب نمایند - و این کیسیون در  
پاریس - منعقد خواهد شد

بالتیک بموجب رپورت وکیل سیاسی دولت انگلیس که مأخضش  
اهالی شورای (هل) میباشد گفته شدن مایه گیران تمام  
از کولون روسی بدون اینکه آگاهی باتها داده باشند بوده

بالتیک چهار جہاز حکی روسی از دستة دولتی (تاکس)  
گذشته و چهار جہاز گرمه انگلیس که طامرا دستة جہازات  
امیرالبحر ( واکر ) است از دنبال آنها رهبار بودند

بالتیک اخبار (مارتنگ) پست موثقاً می نویسد صکه چنین  
قرار یافته که جہازات انگلیسی عقب جہازات بالتیک در  
تمامی این سفر رهبار باشند از هر راهی که میروند

بالتیک مایه گیران هل بیان میکنند که وقتی جہازات  
روسی حله و شلیک کردند هیچ کشتی موشکی در آنجا نبود

بالتیک اخبار تیس لندن از جانب ملت انگلیس در روز میلاد  
اعلیحضرت میگوید شاهنشاه ژاپون مبارک باد میگویی و  
قنات خاندان ایشان و ترقیبایک در عهد سلطنت این  
پادشاه ذی شان ملت ژاپون صحرایم تبلیغ میکند

بالتیک اخبار تیس لندن از جانب ملت انگلیس  
میگوید قنات تبلیغ میکند

بالتیک دولتین انگلیس و روس درباره تفرق کیسیون خصوص  
تقریباً مینویسد - مضمون است که این کیسیون در (پنبرگ)  
جمع شوند

بالتیک روز یکشنبه در بندر آرژنر تفرق جنگ گرم بود  
بالتیک جہاز (آسیا) که از کشتیهای حال ودر جیل طاروق  
نگاه داشت بودند همراه جہاز حکی (کستریس) روانه شد

( یکم نومبر - ۲۷ شعبان )

بالتیک اخبار استندرد مینویسد که کیسیون تجارتی در تصانیفیکه  
به مایه گیران بحیره شمالی وارد آمده تحقیق نموده بحکومت  
(هل) فرستاده رپورت مرتب مینمایند معلوم شد که ۲۰ کشتی  
دیگر را نیز صدمه رسیده بطوریکه بعضی از آنها را نقصان  
زیاد وارد آمده است

بالتیک جہازات حکی روس ( نیاز سوپاروف ) (بارودنیو)  
(اورلند) و (الکسندرا) در (ویگو) هستند

بالتیک امیرالبحر الکسلاف از (هاربن) امروز بمحاصر روسیه  
خواهد رفت

بالتیک سه کشتی موشک شکن روس از (تاجیر) به (احمیرا)  
رسیده

بالتیک از (لاپالاس) خبر رسیده که چهار جہاز آلمانی  
حله از دغال بجهت جہازات روس به طرف جزیره (قرن)  
روان شدند و سه جہاز انگلیس بحاص (دی بوین)  
رهبارند

بالتیک (لارڈ جارس بلفورد) در جہاز موشک شکن  
دیروز به (تاجیر) رسید و با کیتان کشتی (ویاه) تا  
دیر وقت مشغول گفتگو بودند - بسیاری از کشتیهای  
گرمه انگلیس در خلیج (اروسه) حاضرند

بالتیک محکمه جنگی بحری انگلیس اعلان نموده که چهارده جہاز  
جنگی و سیزده کشتی گرمه و بسیاری از کشتیهای  
موشک شکن در جیل طاروق موقوف است

بالتیک معلوم نیست که به چه جہت جہازات بالتیک از (ویگو)  
روان شدند - فقط چهار جہاز از جمله تدارک مانده اند  
بالتیک در جیل طاروق حکم شده که تمام قشون روسی و بحری  
آماده و حاضر باشند بدین سبب جمیع لشکریان انگلیس در  
جیل طاروق برای جنگ آماده اند

بالتیک از تکراف جیل طاروق معلوم می شود که جہاز جنگی  
(قیصر) صکه علم دار دستة جہازات انگلیسی در آبنای  
جیل طاروق است بجهت اعلان حاضر باش امران بحری  
فر برای جنگ حاکم کرده اعلام نموده است

بالتیک کورنت (یکندروف) سفیر روس در لندن بلافاصلت  
اعلیحضرت ادورد هفتم قائل آمد

بالتیک حرکات اسروزة جیل طاروق صکه صیتش به لندن و  
تمامی اروپا پیچیده فقط محض خود نمائی بنظر میرسد

بالتیک امشب لارڈ (تسدون) در بیانات خود چنین اظهار  
داشت که دولت روس پیش از روان شدن جہازات بالتیک  
لا (ویگو) ذمه دار شده که جہازات مذکور در امور  
تجاروق دست لاهالی نخواهند نمود و بجهت تدارک دو (ویگو)

بالتیک اخبار تیس لندن میگوید - اکنون دولتین روسی و انگلیس  
مستول تصفیه امراتی خواهند شد و بطریق کلی و بجا  
پوش خواهند کرد

# تاریخ روسیه (۱۹۰۱ تا ۱۹۱۷) - ۲۸ شعبان (۱۳۲۲) - ۲۸ شهریور (۱۳۲۲)

میباشد. انگلیسیها که پنجروز در آنجا اقامت کردند روزی که جنگ قلعه پتلیو (پتلیو) بمبوه ایند تلگراف وین اجاره بر طریق حلات ژاپون و وضع مذاکره روسیان و فرانسویان. همچنین جنگی چند روزه - مملکت تلگراف بلنگور دارای عشری. از اخبار واقعات جنگ پست روسها فوت یرش و حمله ما خیارهای مملکت جدید در حله حدیق در دشمن طر یاجه بیق آن مقام را از دست ندادند تخمین مقتولین و عروجین ژاپون از نوردوم الی ۲۴ شهر گذشته چهارده هزار نفر به نظر می آید میگویند فقط از یک (رجعت) مشون که دو هزار و پاصد نفر است سبید و نه نفر باقی مانده است

## ( ۲۷ شعبان - ۶ نوامبر )

۱۱ خبر روز از شنکائی خبر میدهد که یک کشتی تجاری انگلیس که گوشت حمل و حاصل در بند آرتیر شده بود - آن می ساید که هیچ قلاع و استحکامات شمالی و مغربی بندر آرتیر حصه ژاپونیان در آمده است

۱۲ خبر ( روتر ) : نز ( نامیر ) - بر میدهد که امیرالبحر ( روزیدیت روسی ) به کپتان های چهارات انگلیس و آلمان ملاقی گردیدند

۱۳ از جبل طارق خبر میدهد که چهارات جنگی روس اسرود علی الصباح ز ( نامیر ) حرکت نمودند

۱۴ چهارات جنگی ( وکتوروس ) و ( ماسکی فیند ) را حکم شده که در جزائر کابابی از چهارات روس به نمایند -

۱۵ ( مهتر هیاشی ) قوسل دولت ژاپون را در بمبئی رسماً چنین خبر رسیده است - دست از زمین و حصه او قلب لشکریان ما نزدیک مغرب ( سگوشان ) و ( ارنگشان ) ( و تانکیک و دانشان ) که از استحکامات شمال بندر ( آرتیر ) است به تصرف آورده برخی از قلاع و نیز که جلوشان واقع شده بود منهدم ساختند حصه او قلب لشکریان ما باوجود شدت شلیک و حمله روسیان یرش آوردند بر تپه کوه که بین ( وانگشان ) و ( تانکیک و دانشان ) است و در ساعت دو به تصرف خود آوردند روسها حلات بی دردی نموده مجددا تپه مذکور را از قبضه ما خارج نموده منصرف شدند - ولی حفر ( ایشی نومی ) بهامت ۹۱ شب مجددا تپه را از روسیان خالی نموده دو توب میدانی و دو توب ما کیکه دار و غیره غنیمت لشکریان ما شد و چهل کشتگان روسی را نیز اشکافه یافتند - همان روز دست از قشور ما تپه حصه واقع است در شرق و شمالی ( تانکیک و دانشان ) منصرف شدند - دو تاریخ سی و یکم آگست در حله قشور ما خاص بر بندر و لنگرگاه چهارات بود وقتی که کشتی ژاپونیه ( گلانگ ) را نشانه نموده و هله دو کشتی دشمن غرق گردید لول نوامبر دو کشتی دیگر که وزن بی - هزار و پانجاه و هشت تن بود و بی خطه قشور بی بوه غرق شدند - دو آهانه بسیار دریا دریا آخری رسیده شمالی سگوش دریا کپتان ای آلمان مغرب زینا خورن تپه ایله - تاریخ سوم نوامبر چهارات پتلیو از چارای دریا که در روز جنگ همه روسها از آنجا رفتند و تلگراف رسماً بسیاری بر تپه عایز و حیض پاصد -

۱۶ تلگرافاً خبر رسیده ژاپون کامیابی کاملی در حله و یرش بندر آرتیر حاصل نموده و دیده است بنضه آنان دو آهانه مملکت یک ماه دیگر سبب استحکاماتی که باقی مانده مشکل است از کار بندر آرتیر ژاپونیان مراحت حاصل نماید

۱۷ مشتیکه قشور انگلیس در جبل طارق روز سه شنبه کرده غلش تا بحال معلوم نیست

۱۸ چهارات روس که در ( ویکو ) حصه یصله مدمه چهارات بالتیک مانده بوده به پاریس رسیده او آنجا روانه پتلیو برگ شدند

۱۹ وقایع بحر ( پاریس ) و لندن تلگراف میباید صحه اخبارات و اسب وها و در چهارات بالتیک قال ما امیدی حاصل شده می نویسد بر محالف است با طبیعت ( مستر مور ) مانده است

## ( ۲۸ شعبان - ۸ نوامبر )

۲۰ اخبار طرس میبوسد که مات و اعبیده این است که از این کار روانی دولت تشق حاصل نتواند شد

۲۱ خبر اخبار ( ایگودی پاریس ) از پتلیو خبر میدهد که دولت روس در حساب مایه گیریان بدان یک میلیون سات آماده است

۲۲ امیرالبحر ( روزیدیت روسی ) با چهار جنگی ( نامیر ) رسید

۲۳ خبر روز ( توکیو ) پای تخت ژاپون مبنوه که روز میلاد اعلیحضرت میگذرد جمیع اهالی ژاپون سرگرم جشن و مسرت و عیش و نوش بودند و امیرالبحر اعظام سان قشور امواج را با لباس موسی ممانت نمود

۲۴ دست چهارات پیرالبحر ( واکر ) به جمع میل قامده چهارات امیرالبحر روزیدیت روسی ( دو خالیکه هر دو و آلات و ادوات جنگی کامل است در ( نامیر ) سگوشان

۲۵ خبر جنگی ( سی - سیویلیکی - اولادویا - اورال ) تا کیم اف - و دتمراسکی در محث سگوشانی امیرالبحر ( قول کارسام ) از ( نامیر ) بحساب خلیج ( سودا ) روانه شدند

## ( ۲۹ شعبان - ۹ نوامبر )

۲۶ ( لارد لسدون ) به هلس تجارت لندن. چنین جواب میدهند که دولت روس اعتراضات دولت انگلیس و اسپانیا را قبول کرده و چنین کپی میبرد که امصرهای بحری خود را حکم نموده که پس اوبن تا کال هوشیاری رمار هاید -

۲۷ در واقع انگلیس را حای اعتراض نیست که دولت روس با چهارات آلمانی ایسدهریک با چهارات انگلیسی سلفی روا داشته میدهد و ادرای جمیع دول اشکال دارد که بقای چهارات خود اطلاع دهد او جیره هائیک در مواقع جنگ محسوب است

۲۸ اداره خارجه انگلستان در جواب سؤالی که مملکت چهارات تجارنی نموده اظهار داشته که قانون تجارت به نفع نموده که در حال در کشیهای تجارنی من نموده به چهارات روسی مانده باشند

۲۹ ابواه اسب حله جزول ( انتاسل ) دولت روس که در بندر آرتیر عروج شده و تپه جنگ تا کمال شکست است ۱۱ خبر ( روز ) که در جنگ پتلیو ( نامیر ) در بندر

جبل المتین کلکته

لاذهرکس و مر جا بلا استله اونه اخبار (مقدم گرفته می شود)

دیپل کالج استریت نمبر ۴

روزنامه مقدس

کلیه امور اداره بها

هند - و برمه

یرکل مؤید الاسلام است

۱۲ روپه - ۷ روپه

منتظم اداره

ایران - افغانستان

محمدجواد شیرازی است

۴۰ قران - ۲۵ قران

هر دوشنبه طبع

عثمانی - و مصر

و سه شنبه توزیع میشود

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

بتاریخ دوشنبه

اروپا - و چین

۱ رمضان ۱۳۲۲ هجری

۳۰ فرانک - ۱۷ فرانک

مصادف با

روس - و ترکستان

۱ نومبر ۱۹۰۴ میلادی

خریدار نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نماید ( ۱۰ منات - ۶ منات )

# جبل المتین

سنة ۱۳۱۱

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود  
مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

### فهرست مندرجات

- سیاسی • یزد • مدرسه مشربیه • سفارت دولت
- علیه ایران درویانه • جبل المتین • قابل توجه رؤسای
- روحانی و جسمانی • مقاله حردمندانه در نصیحت
- ارباب حراید • مکتوب از اصفهان • مکتوب از کرمان •
- مکتوب از طهران • اصلاحات جدیدہ یا خیالات عالیہ
- وزیر اعظم • مکتوب از بمبئی • روس و انگلیس •
- داستان روسیا • ترجمه از روزنامه نیوریویای روس •
- ترجمه از روزنامه روسکی فید و مسق • یکی
- از رجال با دانش میگوید • تقریب • ایضاً • مدرسه
- نوروز • شوستر • تکفین شکرسمت عین کفر است •
- قابل توجه وقایع نگاران محترم • سفارت دولت علیه
- بزرگان در آمریکا • تلگرافات •

### سیاسی

مناقشه دولتین انگلیس و روس در حمله جہازات  
بالتیک بکشتیهای ماهی گیری (هل) تا اندازه مرتفع و  
رجوع بمجلس حکمیت و کیسیون نالی گردید - آنچه  
از تلگرافات لندن ظاهر میشود اعلیحضرت امپراطور  
روس شخصاً در رفع این فائده حکم برهم زن امنیت  
هموم آسیا و اروپا بود مسامی حیلہ بکار بردند -  
و هرگاه این مسئله راجع بدربار و امرای جنگ جوی

روس می شد هم بدین سرعت رفع و دفع نمی گردید و  
هم از تصور خارج بود که رجال و امرای کله شق روس  
مال کار و موقع را ملاحظه کرده تکالیف دولت انگلیس  
که هر یک بجای خود خیلی شاق بود قبول نمایند -  
سه از تکالیف چهارگونه انگلیس را علناً دولت روس  
منظور نمود - اول ادای خساره - دوم ضمانت بر آنکه  
دسته جہازات بالتیک ارین و بعد مرتکب این گونه  
حرکات نخواهند شد - سوم اقرار بدمزای منصرفین  
تکلیف چهارم نیز که خواندن معذرت باشد غیر رسمی  
قبول شده - چنانچه اخبارات انگلیسی می نویسند نطق  
را که لارد لندون وزیر خارجه انگلستان در (گلدهال)  
فاده از جانب دولت روس خواستن معذرت از ملت  
انگلیسه است - ازین بیانات ظاهری شود تکالیف اربعه  
دولت انگلیس منظور و بدون عذر خارجی مناقشه مرتفع  
گردید - ومظنون نیست که نتیجه مجلس حکمیت  
و کیسیون نالی مورت عود نزاع گردد -

ولی ارتقاع مناقشه روس و انگلیس را در سر این مسئله  
نمیتوان برای آتیہ نیز دلیل صالح و امنیت دائمی شمرد -  
چه هنوز روسیان را خون غیبت از صنعت انگلیسمان  
در عروق بجوش و آلمانیان را دامن رقابت انگلیسمان چست  
برگراست - نهایت روزی چند خوفیک از جنگ عالم گیر برد

مرقع گردید از چهار جانب اندک اندک ماده مستعد شده تا طاقت از جانب سراز کرده منفجر گردد

بارها اشاره نموده‌ایم که ابتلای روس در اقصای شرق دولت انگلیس را برای ترك نازی در معاملات آسیا موقع نیکو بدست داده دوا به خنک سیاست را بجانب مقاصد و مرام خود می‌نارد

اول میدانی که بدین مقصود قدم نهاد فرستادن کبسیون [بت] بوده که انگلیسان بزم خود مقضی المرام گردیده - ولی در متن واقع هنوز بمقصد اصلی نائل نشده و بید نیست آن نتیجه که مد نظر دارد تا آخر حاصل نتواند نمود

دومین مقصد و مرام دولت انگلیس خلیج فارس است - مسافرت (لاردرزن) فرمانفرمای هندوستان در آن نواح نیز مبنی بر همین نکته بود - این امر پوشیده نیست که سلطای دراراست دولت انگلیس می‌خواهد بحیره خلیج فارس را مرداب دریای هند قلم داده انحصارش را بخود نابت نماید - ولی با توجه تمامه دول نیل بدین مرام ارین و آمد مشکل بل محال می‌باشد - لذا حق الاکان سعی است امرا و شیوخ خود سر آن نواح را تحت امر خود آورده تا نتوانند با دول دیگر عقد اتحاد بسته تا جنگ آنها را بر این خلیج بند نمایند - معارضه انگلیس با امام مسقط در سر امتیازیکه بفراسه داده و مجبور داشتی او را در ابطال آن دلیل قوی بر این بیان است - و نیز اعتراض دربار ایران من باب امتیازیکه روس در بندر عباس برای انبار ذغال خواهش نموده بود دلیل دیگر بر این گفتار است -

انگلیسان میدانند که دول متمدنه قدر و قیمت دریای خلیج فارس را بیکر دانسته همیشه جنگالشان بگوشه از آن بند نمود بصرف همه گونه مقدرت از نفوذ تجارتن و سیاسی او که امروزه بر همه غالب است کاسته و اقتدار خود را در آن خلیج (که پس از سالی چند مرکز حمل و نقل مالالتجاره جمیع ممالک آسیا قرار خواهد گرفت) خواهند افزود - گذشته از اینکه این امر تجارت انگلیس را نقصان صریح است سیاست او را هم ضرر فاحش تواند رسانید - چه هر دوای که دارای قوای بحری در خلیج فارس شود برآ و بجزاً هندوستان را همراه مژهنوع و هراسناک و

متنظر حله میتواند داشت

در خلیج فارس آنچه راجع بامرای خود سر و شیوخ خود مختار است دولت انگلیس مقضی المرام گردیده و مسافرت (لاردرزن) در آن نواح بر استحکام سیاست و رسوخ و نفوذ دوات مشارالها خلیل افزود - و در آنچه راجع بپاراست باصول دیگر که ذکرش ازین موضوع خارج است اقدامات مجدانه نموده و می‌نماید - فعلاً به همین قانع است که دولت ایران در خلیج فارس امتیازی بدول دیگر که مضر به تجارت و سیاست و خود انگلیس باشد ندهد - چه از دولت ایران اطمینان دارد که بدین زودی بی بمفائد دریا و منافع این خلیج نخواهد برد - و صاحب وزرای سابق خود را در باره آب شور فراموش نخواهد نمود - ازین رو تا وقتی که رجال دولت ایران به ترقیات قوای بحری خود اقدام نه نمایند و چون ساز دول متمدنه هر قطره ارین دریای شور را آب زندگانی تصور نکنند و با انگلیس نتوانند از درستیز بیرون شد همان فوقیت را در سواحل فارس بر حارجی بلکه برداخله انگلیسان غنیمت خواهند دانست و مقاصد سیاسی و تجارتی خود را هم همین وسیله حاصل خواهند نمود

در باره سواحل صحرای تحت حکومت عثمانی است - تا چندی قبل بهمان عقیده که درباره ایران هستند در حق دولت مشارالها نیز باقی بودند - ولی از زمانیکه دولت عثمانی امتیاز سلطنت راه آهن بغداد را بدولت آلمان داده و آخرین ایستگاه راه آهن را (کویت) یا یکی از بنادر قرب وجوار آن مقرر داشته دولت انگلیس بی اختیار بدان جانب نظر توجه انداخته ساهی است که دولت آلمان را از نیکوترین نتیجه این امتیاز صحرای رسانیدن راه آهن تا بندر کویت است باز دارد - مناقشه و معارضه انگلیس را با عثمانی درباره (کویت) همین نکته مهیج بود - و چون بدقت ملاحظه نمایم اقتدار و حق حاکمیت عثمانی را از (کویت) که هیچگاه موضوع تعرض احدی از دول نبود توجه آلمان بدان صوب مرقع داشت - و از آن بهد انگلیسان بیش از پیش متوجه (کویت) شده با شیخ آن سازش کرده در حقیقت زیر اطاعت خود آوردند مسافرت (لاردرزن) در (کویت) و وضع سلوک جابتن این نکته را بیچسکو



از زمانیکه امیر حبیب الله خان متصدی امارت افغانستان شده بود، مدد خرجی را که امیر مرحوم از هندوستان حاصل می نمود تصرف نکرده و گویا آن مبلغ مرطبه در خزانه هند بطریق امانت جمع و امروزه بر پنج مایون سر میزند و ازین رو معاهداتی که با امیر مرحوم بود تاکنون با مضای امیرحالیه نرسیده ولی انحراف از آن هم نشده است. رسیدن این وجه با افغانستان از عدم اعتنای امیرحالیه و یا بملاحظات سیاسی حکومت هند بوده ازین موضوع خارج است ظاهراً تعالی از طرفین شده است امیر مرحوم بمناسبات سیاسی و اصرار دولت انگلیس بشخصه در (راولپندی) آمده با فرط فقرای هند ملاقات نمود. ولی از آن بعد امیرای افغانستان خود به هندوستان نیامده و نایب منای هم در اوقات رسمی با ربار حکومت هند از شاهزادگان افغانستان فرستاده می پی گونگی لقبی نیز خود و بستگان خاصه امارت بر خود نه پسندیده اند. اینک حکومت هند رضا داده که فرزند امیر در (راولپندی) بملاقات ایشان آمده و از حکومت هند نیز لقبی که در خورشان و مقام ایمن باشد قبول نماید. مسئله دیگر که در نظر سیاستمداران انگلستان خیلی اهمیت پیدا کرده همانا رسوخ و نفوذیست که امیر در طوائف سرحدیه هند حاصل کرده. این رسوخ و نفوذ امیر را در اقوام سرحدیه خصوصاً فرقه افریدی که اشجع طوائف و جماعتی بسیار اند حکام هند برای خود خوش طاقبت تصور نمی نمایند. اعظم بر جیب این مراتب آزادی است که افغانستان در خرید و جلب اسلحه دارد و ازین رو افراط در خرید اسلحه کرده دانشمندان هندوا متوحش ساخته است. تا اینکه در ایام حکومت (لاردا سدون) بعضی از اسلحه های امیر را مایع شدند که با افغانستان فرستاده شود. شك نیست من جمله مسائلی که موضوع بحث شود و خیلی اهم و موردتوجهیجان تواند شد همین نکته است. ولی از آنرا می که امروز هر يك از حکومتین انگلیس و افغانستان بیکدیگر محتاجند و منافع هر يك بسته بانهاد آن دیگری است تصور نمیشود که خالی درین اتحاد افتاده مایه مناقشه و موردت مشاجره گردد. البته طرفین بردباری کرده و تا درجه نرمی در خواہشات خود نموده به بهترین وجهی انجام امور خواهد شد. پناه بخدا باید بود اگر طرفین سخنی نمایند

تشریح مینماید. تا جائیکه حکومت هند رسماً اعلان داد که از جانب خود يك نفر وکیل سیاسی در (کویت) مأمور خواهد نمود. چون این مسئله يك مرتبه حق حاکمیت عثمانی را از (کویت) منقطع میدارد دولت عثمانی رسماً بوزارت خارجه انگلستان اعتراض نمود که مطابق معاهده دولت انگلیس را حق آن نیست که در (کویت) وکیل سیاسی بگذارد. با اعتراض ربانی هم اکتفا نکرده چه از شام و چه از عراق صرب قشون زیادی بمجاب جبل و نجد گسیل داشته بید نیست مجدداً جنگی سخت میان امیر جبل و شیخ (کویت) واقع شود. دولت عثمانی ولو هر قدر سختی نماید ممکن نیست وکالت سیاسی خود را حکومت هند از (کویت) مرتفع دارد و باقتدار دولت عثمانی بر (کویت) تن در دهد تا آخرین ایستگاه راه آهن بغداد برای آلمان شود

دیگر از مقاصد سیاسی دولت انگلیس تصفیه امور چند است که در ماده افغانستان از بعد قوت امیر مد نظر بوده و امروز را بهترین موقع برای تصفیه آن دیده اند. اهم ترین مسائل فیصله معاملات سرحدیه است خاصه در سرحد سیستان و بلوچستان که يك تیر و سه نداشت. در ابتداییکه کیسیون سرحد بندی بمجاب سیستان و هلمند رهسپار گردید ضمن مفالات خود اشاره نمودیم که عقیده انگلیسان این است که هلمند سرحد بلوچستان است. نه افغانستان. و این نقطه در حدود بلوچستان هند شامل میباشد چون اینک کیسیون کار خود را با آخر رسانیده و تا اندازه فیصله سرحد هلمند شده بید نیست یکی از مقاصد عمده کیسیونیکه با افغانستان فرستاده میشود فیصله این امر باشد ولی چنانچه نوشته ایم این سرحد بچند حجه دارای اهمیت است و همراه انگلیسان بچ خود ثابت کردند منافع تجارتی و زراعتی زیاد حاصل خواهند نمود. اهم بر آن محسبات سیاسی و سرحدی بسیار دو برابر رقبای خود خواهند یافت

چون امروزه دولت انگلیس رضایت و خشنودی امیر افغانستان را خیلی مد نظر دارد و این سرحد بنام افغانستان است همراه بخواید در سرحد بلوچستان شامل نماید از طرف دیگر با افغانستان معاوضه کامل خواهد داد

و بساط اقصای شرق را در آسیای وسطی مبسوط نمایند  
از دو هفته باین طرف جنگ سختی در (شاهو)  
و نواح (مکدن) واقع شده ولی لشکری متخاصمین  
بجهدی بیکدیگر نزدیک شده اند که میدان مشق و جولان  
گاه آنان تنگ شده در [مکدن] طام خوشی بلکه  
میهنی رویداده برف باریدن گرفته دست و پا های  
لشکریان از کار رفته است. هرگاه در این اوان جنگی  
پیش آید خیلی خون خواره خواهد بود چه برودت  
هوا و برف زیاد ابواب فرار را بر جانین خصوصاً قشون  
روس بسته هر یک ازین دو لشکر مغلوب شوند باید  
سربازند و یا تسلیم چه بر فرض که راه فرار نیز  
یابند برودت هوا بدرجه است که در حین فرار آنها را  
سیاه خواهد نمود. آنچه از تلکرافات مستفاد می شود  
عنقریب جنگی بیارشدید در نواح مکدن واقع خواهد  
شد طرفین تدارکات جنگی خود را کامل دیده و جا  
خالی تلفات خویش را بر کرده اند هرگاه در جنگ  
(مکدن) باز روسها شکست یابند باید فیصله جنگ  
اقصای شرق دانست

جای شبه نیست که ژاپونیان را حرکت جہازات  
بالتیک بجانب اقصای شرق مهیج نسجیر بندر آرتر  
پیش از پیش شده که ولو به نقصان بسیار و تلفات  
بیشار هم باشد قبل از اینکه جہازات بالتیک در  
دریای چین وارد شود بندر آرتر را به تصرف خود  
در آورند. چه اگر غیر ازین مسأله اختیار نمایند  
که از فتوحات خود مد نظر دارند هرگز نتوانند چید

### یزد

وقایع نگار جبل المتین می نویسد - مرض وبا یا بلای  
عام اهالی را خیلی مشوش و پریشان و براکنده نموده  
اگرچه شدت مرض در یزد نسبت به سایر بلاد که شنیده  
میشد کمتر بوده است ولی جرأت یزیدیها که گویا برابر  
کاشپاهستند اهالی را پیش از سایر جاها متوحش و مخرف  
داشت اعضای حکومت جلایه حسب الامر نواب والا  
شاهزاده مؤیدالدوله حکمران منتهای دقت و مراقبت را  
در انسداد این مرض که بلای مبرم بود داشتند و بطریق  
وثوق میتوان گفت که هرگاه اقدامات نواب والا شاهزاده  
مؤیدالدوله و جناب شیرالملک وزیر و پیش کار نبود بواسطه  
بدی هوا و عدم موجودگی اسباب رفع و دفع آن مشکل  
و پیش از سایر بلاد دوام و شدت می نمود. ولی انتظامات  
مجددانه حکومت جلایه حیات جلی را باعث و سبب گردید

اهالی از وضع سلوک و رسیدگی شخصی نواب والا  
شاهزاده حکمران در امورات خیلی راضی و مسرور و دعا  
گویند جناب مشیرالملک وزیر و پیشکار را بسمت پدری  
مینگرد و الحق خیلی اهالی خوش سلوکی نموده و در  
منافع عامه سعی و جاهد است - من جمله خدمت این  
مرد حاصل القدر افتتاح مدرسه مشیره است که شرح  
آن بارها در جرائد داخله و خارجه نوشته شده نگارند  
نیز علی سبیل الاختصار مجلی از آن را مینگارم  
- مدرسه مبارکه مشیره یزد -

### معلمین مدرسه

جناب مستطاب آقا شیخ هادی که سمت طبابت و  
صاحب مطب و محل رجوع عامه است معلم قرآن و  
حرفایا و حساب و هندسه عدد شاگردان ایشان قریب  
هیجده نفر است

جناب مستطاب شریعتآب آقا سید احمد که از فضلاء  
روزگار و از عرفا نامدار این عصر بشمار است معلم  
ریاضی و منطق و کلام است عدد شاگردان ایشان  
بست و دو نفر

جناب فضایل مآب حاجی شیخ حسن که شخصی  
کامل و فاضل و ادیب و ارباب است معلم صرف و نحو  
و قرآن میباشد عدد شاگردان ایشان بست و پنج نفر  
جناب عماد مآب آقا شیخ اسمعیل ولد مرحوم  
آقا شیخ احمد مجتهد فیروز آبادی اعلی الله مقامه معلم  
فارسی درجه دوم است عدد شاگردان ایشان بست  
و یک نفر

جناب عماد مآب آقا شیخ علی ساوجبی از شاگردان  
درجه اول مدرسه دارالعلوم معلم فارسی ابتدائی درجه  
اول بطرز جدید است عدد شاگردان ایشان بست نفر  
- مشاق -

جناب آقا میرزا حسن استاد خط شکسته نستعلیق  
که اول خطاط این مملکت است از دو ساعت بظهر مانده  
تا یکساعت بفریب که گاه مرخصی متعلمین است تمام  
شاگردهای چهار عمده اولی را مشق و تعلیم میدهد  
آقا میرزا ابوالیم اخوی ایشان هم شاگردان  
ابتدائی را مشق میدهد

مستخدمین اطاقها و معامین و متعلمین و قراول  
از هرجهت ده نفرند

مدیر این مدرسه که از زمان تأسیس نامه  
سال بانخدمت مشغول بود وضع طهران را دیده  
بود که شاگردان طبعیانه میدهند و به علاوه اعیان رعایت  
بلکه شراکتی در خرج آنها مینمایند چون در مؤسس  
مدرسه مبارکه مشیره از کیسه قشون خود هم قسم خرج

انظار خوشوق نموده خدمات مشارالیه را در سفارت امریکا و روابط تجارتی مسکه بین ایران و امریکای شمالی و جنوبی که از مساعی حیله ایشان پیدا شده موضوع بحث ساخته امید مینمایند که همان مساعی را در ازدیاد روابط تجارتی ایران و اطریش و بجاستان کار بند باشند و . . . و . . .

### حبل‌المتین

جناب مستطاب آقای مفتح‌الدوله از رجال محترم حکامدان با تجربه و سیاست و در هر مأموریت با زحمات فراوان خدمت نمایان بدوات و ملت نموده چنانچه بستن مقاولجات تجارتی با آمریکا جنوبی و مفادیکه بر آن مرتب است دقیق سنجی ایشان را آشکارا میدارد - یقین است درین سفارت بزرگ خدماتیکه در خور دانش و سیاست ایشان است عنقریب بمحض ظهور خواهد رسید و ما با منتهای مسرت ملت را از خدمات و زحمات ایشان خورسند خواهیم نمود تا قدر خدمات رجال خیرخواه را بدانند

### قابل توجه رؤسای روحانی و جسمانی

مکتوب یکی از رجال بزرگ طهران

### از شماره ۱۰

یکی از صدماتی در ظاهر عیناً بر همه واضح و لایح است کهترین آن ملیونها فقدان استعداد حربیه و کرور ها خارج فوق‌العاده و اتلاف جمعیت کثیری از قشون و صاحبمنصبان تربیت شده چندین ساله است - یکی هم برنقلمی و اغتشاش داخلی روسیه که باعلی درجه شورش همی در همه نقاط آن بالا گرفته است بر فرض هم که از جنگ ژاپون باین زودیا خود را رهااند - مدتها باید بلکه هر ما میخواستند تا بتواند رشته نظم داخلی خود را بمرتبه اولیه برساند در ظرف چندین سال دیگر شاید ممکن شود حصه از آلات حربیه و مهات عسکریه را که در این محاسمه از دست رفت بدست آرد - اما مضار باطنی هم جزئی از آن خیالات عالیه مکتوبه بود که در استعداد کشوری و لشکری دولت روس مظنون طامه کشته - و هرکس را در آن قولی بمان بود - چون برده استوار و سرپوش اعتبار خود را برداشتنده مکلفون افتاد که اعتقادات جلکی بر

میباشد - با اینکه شخصاً علاوه از عوارضات سالی بسید قومان نقد میگرفت و ذخیره مینهاد بطمع افتاد که چرا اطفال بجای تمام شوند لامحاله تعارف بمدر باید بدهند باطفال بنای کتابه گوش و بپناه جون گذارد بمحض اینکه ناظم مدرسه انجمن را بمؤسس داد فوراً باقی مواجب مدت کثرات و مخارج راه از نزد الی طهران را بجهت او فرساده عذر خواستند

چندی است یکنفر معلم تربیت شده که زبان انگلیس روسی و ما یا یکی از آنها را کاملاً با علوم متداوله اند از طهران و اصفهان طلب شده دو نفر هم یکی اهل قفقاز و یکی از اهل طهران حاضر شده بودند اسطه خدمات سن مبلغ نیفتادند

### سفارت دولت عالیة ایران

#### در ویانه

روزنامه‌جات ویانه مینویسند - جناب مستطاب آقای مفتح‌الدوله سنیر دولت عالیة ایران که مأمور باقامت ربار اطریشند پس از مسالجه در (کالباد) و سلاح مزاج وارد ویانه شده علی‌الرسم وزیر خارجه دولت مشارالیه را دیدن نموده مأموریت خود را رسانه انظار داشتند وزارت خارجه با کمال گرمی برخورد نموده از ایشان باز دید کرد

شاهزادگان عظام و امرا زادگان نخسام ایران که در ویانه مشغول به تحصیل اند بسفارت سنیه جناب سفارت پشاهی و تبریک ورود گفتند

چون اعلیحضرت امپراطور از بیلاق بمحل امانت عظمی وارد شدند جناب مفتح‌الدوله را بار حضور داده و از مأموریت ایشان انظار مسرت رده اطمینان بخشیدند که با مساعی حیله این مأمور دانش ازین و بعد اتحاد دولتین عیلتین ایران و آستریا و مناسبات تجارتی این دو مملکت در تزیاد و فزایش خواهد بود

اعلیحضرت امپراطور معظم بیست دقیقه کامل با سفیر معزی‌البه صحبت و انظار مسرت فرمودند - این تفقدات ملوکانه در دوائر دولتی و سیاسی مطرح مذاکره گردیده - در دوائر تجارتی که مائل به ازدیاد مراهوات تجارت با ایران هستند اثرات تازه بمفعول روزنامه‌جات واه از مأموریت جناب مفتح‌الدوله

بلندی است مقاصد خلق و نیت دولت این دولت  
سلطان عظیم الشان و امیر افغانستان یکی است و بواسطه  
این اتحاد دول همایه که خیال اطلاق نامها را دارند  
مستحاکمی را نمی توانند از مالک ما بلیغ نمایند اگر چه  
همسایه شاهی بواسطه استیلاي تركستان و سایر ولایات  
آسیای مخصوصاً تصرف گومستان بامیر خلی خودزا  
تزدیک هندوستان نموده و در این باب بلیک همسایه  
جنوبی خلی عقب افتاده و نمی باید گذاشت این ولایات  
کوچک که هر کدام بمنزله قشون منظمی و قلعه  
مستحکمی در جلو تخطیات دشمن بودند بجهت و تدبیر  
و مخاشی رشوه از دست برود (باقی دارد)

مقاله خرد منداانه در نصیحت

### ارباب جراید

عنی بنامد که نگارنده محترم نصیحت نامه ذیل  
چنین تصور کرده که روزنامه جبل اللئین در رد جواب  
و دفع اعتراض همگان برخلاف دیدن قدیم خود قلم  
فرسانی نموده - و حال آنکه صفحات نامه مقدمه از لوث  
مناقشات شخصیه کاکان طاری و بری است و مسلک آن  
هماره در جواب اعتراضات مغرضانه سکوت بوده و خواهد  
بود - اما مقاله (تهذیب اخلاق) را که درج در نامه  
مقدمه نمودیم بواسطه آن بود که ریخته قلم ادیب فرزانه  
و حکم یگانه از ادب و حلوی یک عالم مسائل سیاسیه  
و اخلاقیه و ادبیه بودی و هرگاه دارای این منافع عمومی  
نبودی هر آینه آنرا نیز در نامه مقدمه جای نمیدادیم

مکتوب از اصفهان

(در نصیحت ارباب جراید)

مؤید الاسلام - یاد دارم زمانی که حکومت بخت  
ایران از مشرق و زرات عظمی طالع ونجم سعادت این  
بلند ایوان از مطام فروزنده شخصی بصیر و دانا ساطع  
گردید با پارام که چون ارواحیم و پیرهنی و گویندگانیم  
و دهنی عهد مساجبت بود و شرط بجاورت و این  
ولز نمی بستم و هماره می گفتم باشد که عندلیبان جهان  
ایران خرقه خموشی اندازند و بیاد این گل نورست  
نغمه سرانی آغازند کل را وقت شگفتن است و بلبل  
را گاه ترانه گفتن مرغان لحوش الحان را گاه شکست  
ظنی است و منصفان از همدست مجمل و نادانی را

خلاف واقعات اصلی بوده است - باری آنچه خلاصه از  
مراسم بلیکات دولتی بنظر میرسد که همسایه شاهی خلی  
راه خصومت شخصی برای تصرفات یکی از حدود  
ایران یا قاطب دیگری از دول مسلمان ندارد این تصورات  
را هم اگر بنظر داشته باشد فقط برای وصول مقصود  
سلی خود یعنی هندوستان است بلکه این مراتب را  
بد در خیال جلوه دهد زیرا که دول مسلمان خاصه  
ایران و افغانستان را سد سدی برای دیدار معشوق  
مطنی فرض مینماید - باین ملاحظه بلیک او دور  
بست منظمی این خیالات باشد - یعنی برای وصول  
مقصد بنیوانات محله از دول مسلمان اگر بتواند در  
سلسله آسیا اسمی نگذارد یا اگر باشند آتی در دست  
و باشند و یا بر حسب وسایلی بطرکیب حرکت نفاق  
و مخالف اتفاق اسلامیان گردد - اما افسوس که در  
آن خیالات هم خلل بهم رسیده (المنه لله) رسومات  
جامعانه و حرکات وحشیانه که بدتر از سرس مسریه  
طاعون بود از مابین مسلمانان مرتفع و از منی ترك  
عاق و اتحاد و اتفاق متع کشته روز بروز اتحاد ملی و  
دوای اسلامیان دو تزیاد است و اشاء الله اگر خداوند  
وفق فرمود رساله باسم (اتحاد اسلام) در خصوص  
دواید و منافع روحانی و جسمانی برای ملت و دولت  
قوی شوکت اسلامی در نظر گرفته ام و بعد از اتمام  
نظر عموم مسلمین دور و نزدیک خواهد رسید

از تأکیدات آئیده و فرمایشات عدیده که حضرت  
ختمی مرتب رسول اکرم پیغمبر عظیم ارواح العالمین فداه  
در سمت اتفاق و دات نفاق فرموده اند البته تولید  
عزت و حریت جدیدی برای هیئت اجتماعیه اسلام فراهم  
خواهد شد - در این صورت که آن خیالات منظور  
نظر دولت روس باشد تمام سیاسيون روسیه هم قول  
مستند که دشمن قوی و مامع بزرگ روس در آسیا  
دول جلیله اسلامیه میباشند - زیرا که استقلال دولت  
روس در هندوستان حالی از انزال و تقهسان ملی  
ایران نیست پس از این رو واجب است همیشه دولتین  
ایران و عثمانی و اطارت افغانستان که دول برابر و  
همدین هستند با همدیگر در کمال اتحاد و یگانگی باشند  
و این اتحاد را دیوار محکمی در جلو حرکات و خیالات  
دور و دراز همسایگان بدانند

رقیم و دیگر از این دو سخن نگفتم - تا ماهی چند بر این بگذشت - روزی که سزاست فیروزش گویم - حلقه یاران بکنجی جمع شد و محفل آشنایان آراسته گشت تا گاه یکی از دوستان سابق و محبان صادق از در آمد و این بگفت

مزده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که ز انفس حوشش بوی کسی می آید

احسنت احسنت رسالتی بجا کردی و خبری بیک دادی آنگاه نمره ۲۵ حریده فریده حبل المتین از نعل بدر آورد و عمل جمعیت از عیش و طرب عمر - گفته بازت بینم دامن گلت بدست است و خلدتک خیمران و سنبلت بهست بازگو این صحیفه دیبا از کجایت بچنگ آمد که از مفارقتش آبیگینه دل خردمندان بسک بود گشت دل خوش دار که اذن ورود از مصدر وزارت عظمی که یزدانش زنده و پروردگارش پاینده بدارد صادر و الحق آنچه نبوت کردی و پیش گوی فطیش مادر است - هانا نخستین نمره اوست که بادی از دوستان و قدم رنجه بوستان نموده - پس هر یک ورقش چون کاغذ زر بردیم و چون بی شکر خوردیم تنها روانی تازه و جانها وجدانی بی اندازه یافت می گفتمند و شنیدیم و برخواندند و محظوظ گشتیم - یکی از آغشیان را که بموجب س و تجربه سبقی و از حیثیت خرد و معرفت فحمتی بود و بگفتار فطیش رغبت لب سخن گشود و هر یک را از حلاوت بیسان حمة بخشود و گفت

سپاس و ستایش بلك یزدانی را شاید که آدمی را تیسار و خرد داد و از اینرو بر دیگر جانوارانش برتری بخشود آنکس که جهش و منش مردمان به نیکی سرشقی و در درون ایشان نخم کینه و بدخواهی نکستی تا بدیگران نیکی کنند نه زشتی و چون تاسپاس بزند بگریزاند یا بگریزد هانا شهریار داد گستر داد پرور را یابندگی شاهی آرزو کنیم و دوازی زندگی خواهیم تا گردش مهر و مه است چه که این همه آوازهها از شاه است - دستور تازه را روان شاد باد و فرحت بر اندازه دهد که ستاره ایست درخنده از جادر خرد و دانش و پادشاه ایران را دستوری است با گرایش و پیش - بینم که ایرانیان را فرسادی فرجاد آموزنده است و فرخنده مهر ارجند بر سر آنان فروزنده روز

دم بر آوردن نفس - بینم که آجوان ریمده بسعرا باز آیند و طیور پرشکسته به پرواز طوطیان شکرشکن دور از وطن را دم است که شکر بارند - و گویندگان ممنوع از سخن را وقت است که بگفتن آیند - قلم دانشمندان را نوبت جولان در مرصه وطن دوستی است و زبان خردمندان را وقت سخن رانی در موضوع ملت برسی - جبراید موقوفه را تهیت ورود خواهیم گفت - و از سخنان دوان آور آنان چون گل خواهیم شکفت یکی از آن میان که جانش از داغ فراق یران بود - و پیوسته کارش ناله و افغان بگفتار آمد که رفیقا - بینم سخن گوئی که عیجش مذاق ایرانیان این زمانه را مناسبی و خیالات طایفه این گروه جاهل تا فرزاه را مشابهی نیست - شود که دیگر محفل ایرانیان از طوطیان شیرین گوی هندوستان روتقی و انجمن خردمندان از جمال یوسفان مصری رمق گیرد (بود آبا که در میبکها بکشایند) و صهبای تربیت و تمدن بدور آرند طالع ایرانیان نه چندان واژگون است که گویم و ستاره آنان نه چندان سرنگون است که دانی

ندهم چنین بخت برگشته کس

که گوئی گرفته است راه نفس

دیگری لب سخن گشود که آنچه دایم هموطنان را از علت بر آتی افسردگی است و چون زمان افسردگی تمددی یافته گوئی دها مرده و گل غیرت بزم مرده نفسی باید که دها را زندگی بخشد و باد بهاری شاید که گیاه افسرده را پروراند ( فیض روح القدس ای کاش مدد فرماید) دیگری چون گل شکفت و چنین گفت - ندانی که چون گلستان ویران گردد جفندان مقام عندلیبان گیرند و زانان بر جایگاه هزاران بشینند - (طرب آشیان ببلبل بنگر که زاغ دارد) آن چه در ایرانیان خیالات معنیت و ثروت و تربیت بود از اندک تقاضای که از توفیق جبراید باید گشت بخلت و عدم همت و غیرت تبدیل یافت مکان خوبان را بدان گرفتند و ملک آنان بتصرف ایشان در آمد تا دست بردارند و پاکشند هیات است - دوستی دیگر که ابجاز کلام را بر اطناب ترجیح دادی گفت ای یاران این زمان بگذارید تا شاهد مقصود بیازار آید - اگر جبراید اذن ورود یابند پیشین گوین گوی سینه ربابند - این بگفت و برخاست و رونق انجمن یاران بکاست - پس هر یک از دایره محبان



بیروز دید و گاه برانگی رسید دلیر آسایش و آزادی برخاست و مجوزه سیه کاری و بیداد بنفست باشد سکه آیندگان آسوده زیند و باشندگان بپودی بیند ( بار دگر روزگار چون شکر آید )

درختم لب از کلام بست و خاموش بنشست . گفتم گرچه بزبان فرمودی که چندام الفت نبود ولی معلوم است از وجد و سرور تراوش یافت و از فرح و عبور صدور پذیرفت . پس هر يك متمك بجبل متین گشتیم و از در شاهوارش مرهفته زهت آئین . الحقی داد سخن دهد و فریاد وطن زند همه از تربیت و مدنیت گوید و پیوسته راه معرفت و ثروت بوید . خردمندان راست که قدر و قیمتش دانند و فرهمندان راست که چون جان عزیزش دارند که کلامش را اثری دیگر و سخنش را ثمری دیگر است ( باقی دارد )

مکتوب از کرمان

( از شماره ۱۰ )

مسئله دوم ارزانی نان و گوشت خصوصاً و کباب اجناس عموماً میباشد اگرچه در بدو ورود هر حکومت تکلیف متمقان حوش آمد گو اینست که از راه بد نهادی و زشت گوهری خصوص اینمسلله و عموم مشروبات نوعیه را نسبت بدو دهند و انوشیروان اسکنند را هیچ شمارند ولی بنده درست این مسئله را تشریح و توضیح میکنم تا معلوم شود که از سیخ آنان نیست و ناموس قلم را پاس میدارم از بدو حکومت جناب آصف الدوله که شرح آن ایام را اوراق مقدسه جبل المآین استیفا کرد و بسمع عموم ابناء وطن رسانیده اسعار کرمان دو به ترقی گذاشت دیگر نمیدانم که وضع زمان و تقدیرات یزدان سبب حقت و غلا شد یا اینکه یواتیک مختارین را هم مدخلیت بود همینقدر میدانم از طرف مختارین بر وجه انم مقدمات آن مدارک و استناد گران فروشی در فروشندهگان و عدم تاب تحمل در خریداران احداث گردید هر روز اعلانی شایع میشد که اگر هفده تومان گندم را گران تر معامله کنند از طرف حکومت مجازات سخت خواهد شد در صورتیکه صاحبان گندم به چهارده تومان واضی بودند از آن طرف جنس امتناعی سخت حواله شد و بسیاری خرمنهای

مردم بتاراج وقت علاوه بر این جماعتی از طرف شهر به قصبه و قریه و دهات محض خریدن گندم رو آوردند و این طرف و آن طرف چشم تنگ دهاتین را ترسانیدند بالاخره سکار بجائی رسید سکه فروشندهگان گندم خیالات باطله کردند و بسوز فروختن بنای خرید گذاشتند رحم و شفقت بالمره رخت بست و مساوات و موااسات وداع گفت هرکس بخمال سؤ حال و اخطار طاقت خود در جهد تمام و جد ما لا کلام بنای ذخیره و احتکار گذاشته عموماً طبیعت ثانوی پیدا کردند در این حیص و بیص قضایای آسمانی و اوضاع طبیعی هم مساعد این نوع خیالات و اوهمام باطله گردید قطره باران بر زمین نیارید ابواب رحمت الهیه مسدود گردید علاوه بر این يك باد تندی شش ساعت وزیدن گرفت سکه بسیاری از مزارع را بی زرع گذاشت و دهات آباد را باثر و طراب ساخت کلاه گوسفند و شتر در جاه های عمیق فرو رفته خبر و نشانی از آنها بدمت نیامد حاصل آنکه نتیجه در بدر شدن و جلاء وطن جوی حکمتیر و هلاکت و از گرسنگی مردن جوی دیگر شد تا اینکه حکومت آصف الدوله مقتضی شد . امیر نظام مرحوم فرط فرمائی این صوبه که دون مرتبه او بود منصوب گردید مرحوم مبرور امیر نظام اعلی الله مقامه مهدی بود با سیاست و کیاست و کفایت و ذکر جلیل او اظهر من الشمس و محتاج به بیان نیست و هیچ عاقلی نمیتواند آن مرد دانشمند را به بی داه گری بستاید هیچ کس شکی و اعتراضی در موضوع آن مرد بزرگ ندارد الا اینکه ضعف مزاج و نقاهت جسد بملت حلات و لطافات امراض مزمنه جسمی این مرد را زبون کرده بود که حالت مکلا . نداشت غالباً مجاورین و ندمایش را نمی شناخت در این صورت معلوم است که به ترقیات حکومت آنهم بهر قسم امور نخواهد پرداخت جوی دیگر از ترک و تاحیک از راه حرس و آز بخیالات ظالمانه افتادند و جنس امتناعی حواله دادند بنا بر این تنزل و تخفیفی در اسعار پیدا نشد و قیمت به پست و دو تومان رسید ( باقی دارد )

## مکتوب از طهران

اگر چه من بنده را بحکم درویشی شهاده حق این گونه سخنان نیست - ولی بخواهی ضرورت تبیح المذورات با از کایم خود درازتر کرده دست از آیین دیرین برداشته زبان بجمارت کشود - چون فعلاً از شرکای اداره محسوم معترضاً و متعرضاً عرض میدارم بدیهی است شرافت انسان بقوه دراکه و مین قوه دراکه قوه ناطقه است که بواسطه این قوه شریفه افراد متعجبانه نوع انشاء جنس را از نیه ضلالت بسر منزل هدایت میتوانند رسانید. و حافظ نتایج و نهایشات این قوه منیه نگارش است که شرافت ابدان بواسطه این صنعت آشکارا و باقی میباشد - پس از این رو میتوان انصاف داد که هر کس قلم در دست گیرد و کلمه بر خلاف مصلحت و صلاح نوع نگارد باید خود را در زمره ظالمان داند و شمارد - خوب قرمان شخص منزله و اداره مقدست بروم در صحنه روزنامه که در هر سطرش نسخه سریع العالجه برای دردهای بیدران باید درج شود بجواب منخرقات مجانین می پردازید و چشم و گوش اهل دانش و هوش را معطل میسازید که نگرانی چند روزنامه مقدس ایراد کرده اند (بگذار تا بپرند در عین خود برستی)

اگر بدانید ایرادات از چه اندخاص است هر آینه تصدیق خواهید فرمود که حق دارند و ایرادشان وارد است - آقا میرزا فلان که انشاءالله نسبت صحیح و هر سال در دره در بند شمیران در مبر و منظر عامه مسلمانان چادرها برپا کرده میان آنها ساده و باده بهابین سیل سیل مینمود و محل این خرج گزاف که هر دینارش بضرر آزیاه و چوب از بیم و بیوه زنی گرفته میشد بود که بعنوان رسم و مواجب و سیورسات و جیره و عایق و تکلف و انعام و مستمری و افطاری و خلعت و عصا و انگشتر و استصوابی هر یک را در چند ولایت بچند اسم می برد - فلان خواجه بلخی که عقل هیچ عاقل درست نیاید از قبل ملت برده و باز قناعت نکرده بناوین مختلفه زیاده از ده هزار تومان از دیوان بچاره میگردد و حال از قراریکه میشنوم بعضی آنها مقطوع شده - درین صورت نوشتن حساب میدان چه فایده دارد و شمردن ظلمهای آن محل و جاهای

دیگر که باقیات الصالحاتشان شناخته شده چه نمره اگر در اداره مبارکه پول زیاد دارید و در این نوشتن ما فایده تصور میفرمائید قدری برای بنده بفرستید تا تحقیق از روی کتابچه صحیح صورت رمالان و شیادان و جادوگران و خفیه نویسان و فتنه جوین و مسخره گان و دلو طلبان بر هم زدن میان رجال دولت و امانت را بتویم که درست مستحضر شوید و بدانید که قرض دولت و فروش ملت برای چه شد و بجه مصرف رسید اگر چه لاف گزافی زدم و ادعای بزرگی کردم به سیاتش خرد بردی اگر رسد خس بقعر دریا

عالم حیت و صفا قسم عقل در اغلب او و حماقت ما مردم ملت است که هنوز هم چراغ دس گرفته عقبش میگردیم و به طلسمات و غیره متوسل شده رحمت محس اسفر را از خداوند میخواهم استغفر الله العظیم هنوز هم از خیالات و استیلاهای او در این ویرانه غافلید بلکه اگر بدانیم نیاید پاره رجال دولت مان غافل ترند

قریان وجودت بملاج گوش و هر گران بهای دقت را باین ارزانی مفروش بدیده عرض شد  
(خطات ز زانف نکویان پریش بر رخسار)  
(هزار مرتبه دلکش تراست و نیکوتر)  
(تورا است صفحه ز رخسار دایران خوشتر)  
(بحرف هرزه درایان سیه ممکن دفتر)

باز از نقشه خیالات (کرربا تکین) که از نقشه قاش قضا غافل بود بیان فرما و خرمن هستی دل سوختگان را آتش زن شاید دود دلی بر شود و دردمندی سودمند یا دعای خسته دلی باستجابات مترون و دردی دوا گردد رزله یا وبا یا طاعونی بود ایرانی را ویران کرد و رفت

حسابت با کرام الکاتبین است بولای علی غرض شخصی با او نداشته و با کسی خصوصیت بصدیتش ندارم حیثیت آمد چند دقیقه صکه زیارت روزنامه جاجزایت چشم روشن و دلم شاد است جواب نکرده را بخوانم جواب جناب عالی و بنده همه این است حالا که پنجاه سال خودم و پدرم جاییدیم و حاصل پنجاه ساله را برداشته بوطن اصلی رفته با مادامها مشغول

عین شدم این قدر بگوئید که هسته شوید اگر جنگ حاضر بجای منتهی شد صکه تلافی این حرفها را خواهم کرد (ع - ر -)

اصلاحات جدیده یا خیالات

### « عالیة وزیر اعظم »

( از شماره ۹ )

( ۴ ) از منار نیول واقع شدن رعایا در بین کشمکش و پایمال شدن آن بیچارگان - تشریح این مسئله بعد از توضیح دو مطلب است . اول آنکه در بین افراد يك نوع عداوت ذاتی و دشمنی فطری ممکن نیست و ما به النزاع و جدال هما شیی واحد است که دو طرف آن نظر توجه بیافکنند و حق خود را دروی ثابت و محقق میشناسند - چنانکه دو حیوان هرند در سربك صید با یکدیگر ستیز کنند - بی درین حیوانات مختلف الطیعه کینه طبیعی ممکن است چون عداوت گرگ و گوسفند و باز و کبوتر و گربه و ... و ش اما دو باز یا دو گرگ بالذات با یکدیگر خصومت ننمایند مگر آنکه درین آن دو سیدی واقع شود که هر یک در پی شکار آن شوند اینک در بسی از ممالک آسیا رؤساء و ارباب قدرت و نفوذ عمزه و ضعفاء را شکار خویش و طعمه خود میدانند و هر وسیله تصرف در جان و مال و ناموس آنها را مباح و حلال بندارند و تصرف دیگری را هرگز نپسندند

دوم آنکه در تمامی ممالک مندمه موافق حکم عقل و قانون همه شرایع گناه مقصر را بر دیگری ننویسند و کسی را مجرم کسی دیگر نگیرند هر چند مسابه یا نوکر با که پدر و پسر مقصر نیز باشد اگر توانند مجرم را بنده گرفتار نمایند و گرنه متعرض کسان او نشوند چه آمارا عقلا و شرطا تقصیری نیست ( لائروا زرة و زر اخری ) ولی بالعکس در ممالک ایران چون شخص مهم یا مقصر شد با آنکه یکی را با دیگری دشمنی و عداوان بوده باشد تمام طاقت و قبیله و کسان و بستگان و دوستان و همسایگان و نوکران و رعایای او در معرض خطرند خصوص اگر بمقصر یا دشمن دسترس نباشد بواسطه قوه و قدرت او در آن هنگام آتش در خرمن هستی رعایا و کسان او میزنند - در مسئله نیول بلو واسطه مذکوره رعایا در صدمه و ایذاء واقع

میشوند اولاً حکومت که خود را نافذ الحکم میدانند و يك ناحیه را با جبره گرفته است ناچار رعایا باید بقدر اشتیاء او حاضر نمایند و صاحب نیول نیز که مالك رقاب و خداوندگار رعایاست راضی نمیشود جز خودش دیگری تصرف در نیول او نماید بلکه تصرفات دیگران را محل بشرف خود میدانند و بقدر الامکان در صدمه منع و ردع بر می آید پس رعایای ملك نیول در حقیقت مثل شکار است که در بین دو سیاد واقع شود این ازین سوبش کشد و آن از آن سوبش برد -

تیا بسا میشود که فیا بین حکومت محایه و صاحبان نیول دطوری و دلالتی با عناد و دشمنی واقع می شود و چون نمیتوانند یکدیگر صدمه و اذیتی نمایند محض تسکین حرارت قلبی بر رعایای صاحب نیول نازند چه حکومت بواسطه جهالت گمان میکند که این صدمه است بر صاحب نیول و رعیت واقفاً بنده و برده او هستند و در بین هزارها اربابان نیول نهایت سی جهل فقر و از اطام نمرة اول و زرواء بزرگ و شاهزادگان محترم اند که حکومت از ایشان واقم دارد و ملاحظه مینماید و جرئت و حسارت تعدی بیولشان ندارد - ولی از دیگران چندان اندیش و خوف نیست مخصوص حکام معظم و ولات چون والی فارس یا آذربایجان و گیلان و خراسان که در عداد درجه اول امراء محسوب میشوند لذا باندک بهانه متمسک شده . او درین بسر قراء و ضعفاء که از صاحب نیول هستی و ثروتشان نام شده است میفرستد صاحب نیول نیز قبول این تحمل را بر بندگان خود نکرده و این سنگ را بر خویش رواندیده در صدمه دفع و جاره برآمده از مرکز احکام و تلکرافات صادر مینماید که احدی حق ندارد متعرض کسان و نیول او بشود و از این نقطه تولید خصومت و ضدیت میان حاکم محل و ارباب نیول شروع میشود

بسی معلوم و آشکار است که در ممالک بی قانون که اصول مشوریت و مؤاخذه و عدالت خانهای منظمه موجود نیست هرگز استرداد حقوق آن بیچارگان از حکومت و تحقیق و رسیدگی نخواهد شد و اگر بعد از هزاران زحمات کار بر حاکم سخت شود بحلال مشکلات یعنی رشوه متوسل شده مال رعایا از بین خواهد رفت

خلاصه آنکه فقراء بدبخت همواره پایمال اضرارش  
شخصی دیگران میشوند و بسا دیده شده که صاحب  
تیول مأمور مخصوص اسم نیابت میفرستد (باقی دارد)  
مکتوب از بمبئی

جناب مؤیدالاسلام واضح است همدۀ جهالت و  
بدبختی ما ایرانیان دویت و تفاق است که در اهالی  
مملکت شهر بشهر محله بمحله قبیله به قبیله حق  
خانه بنساخته را فرا گرفته است با اینکه همه از یک  
ملکت و پرورده یک خاک و از حیث دیانت مسلمان و  
برادر یکدیگر هستیم غالباً در حق یکدیگر دویت بخرج  
داده مثلاً در مورد یزدی شیرازی میگوید بمن چه و  
در مورد اصفهانی طهرانی یا اگر فرضاً بلانی بخراسان  
و بدانی برای آن واقع و نازل شود - کرمانی  
خوشحال است و اگر هم خوشحال نباشد متمسک  
یکلمه بمن چه و بنو چه است مکتوب چیزی که  
هست بمحمدالله والذنه این عقاید مشنوم و وقایع منحوس  
از برکت آگاهی که کم کم ایرانیان از اثر مطالعه جراید و  
اخبارات حاصل کرده اند رفع شده و میشود - مگر  
هنوز هم همومیت پیدا نکرده و برخی اشخاص بدین  
صفات متصفند - حق در مورد خاص با اینکه بای خود  
شاهم میان است باز دست بردار نیستند بلکه میخواهم  
هرض کنم از تنگی شهر شاید ملانفت این مراتب نباشند -  
این مطلب پیش تر در ورود جناب آقا میرزا علی آقا  
شیرازی لیب المملک مدیر اداره جریده مظفری بوشهر به  
بمبئی و پذیرائی که مخصوصاً تجار محترم یزدی و انشار  
نسبت ایشان نمودند بروز نمود - مدیر مظفری برای  
تحصیل بعضی اسباب کار مطبعمه مظفری مجبور بمسافرت  
بمبئی شده اول در منزل جناب حاجی محمد جواد  
عرب میمان جناب آقا علی آقا صاحب تاجر یزدی  
معروف به مشکی بود مشار الیه در مقام انسایت لازمه  
پذیرائی را بعمل آورده بعد از آن تجار محترم یزدی  
واقتدار تا چند روز از دید و بازدید همه نوع احترام  
و پذیرائی نمودند - پس از آن باصرار زیاد منزلی در  
مطبع مصطفائی کرایه و قتل مکان کرد - پرروز نگارنده  
بملاقاتشان رقم یک نفر از شیرازیهای همشهری ایشان  
در آنجا بود برخی صحبتهای عوامانه میداشت بنده از  
مزی نگارنده احوال پرسش کردم گویا هوای بمبئی ایشان

نساخته به تب مبتلا شده و از توفیق ده دوازده روزه  
منزل جناب آقا علی آقا نهایت اظهار امتنان میکرد و مخصوصاً  
از پذیرائیها و اظهار انسایت تجار یزدی و انشار  
خصوصاً جناب آقا میرزا محمد بقر صاحب تاجر  
اقتدار و جناب آقا میرزا محمد تقی صاحب تاجر افسار  
و جناب حاجی سید محمد صاحب تاجر یزدی و جناب  
حاجی عبدالوهاب صاحب اجت آفیس مرحوم حاجی  
سید احمد یزدی و جناب آقا احمد صاحب تاجر لاری  
و جمعی دیگر خیلی اظهار ممنونیت میکرد ضمناً پرسیده  
که فلان و همان از همشهریها و غیره ملاقات شده یا خیر -  
جواب داد که من برای دید و بازدید خود نمان نیامده  
ابداً توقع و تمنای از همشهریها ندارم محقق است که  
آنها هم توتی از من که وارد برایشان هستم ندارد -  
ضمناً صحبت شد که نیمیام مردم ما چرا ملفت عوان  
خودشان بیستند شیرازی و یزدی کجائی اند اصفهانی چه  
چیز است تبریزی یعنی چه اینها همه حرف منت است همه  
اهل یک خاک و مردم یک کاسه آب - همه ایرانی  
همه مسلمان همه برادران ایامی همدیگر هستیم غلط  
میکنند کسیکه بعد از آنها خرابیهای سبب شده و وضع  
خراب امروزه فکر اینگونه منخرقات و ترهات  
به باید یک نفر اروپائی که وارد مملکت ما میشود نوع  
و هم جنسان و هموطنان او تا کجا همراهی با او میکنند  
وجه دستها وجه مسها با او میکنند طوری بخرج  
میدهند که ما ایرانیان بجز غافل از همه جا کان میکنیم  
شاید فلان لارد و بهمان و گورمنت است و حال آنکه  
یک نفر از مردمان معمولی پیش نبوده حال آنها را  
مطابقه کنید به وضع هموطنان ما خصوصاً برخیها که  
ادعای تربیت شده گی میکنند و در ملک قانون  
هستند چون یک نفر از معارف اسی مملکتشان (که  
عض امتیاز دور نامه همه جا معروف است) گذارش  
با نجا افتاده و محقق است طدام العمر هرگز باین راه  
گذر ندارد آنها در موقیبه ابداً توقع و تمنای در کار  
نیست و آنچه بنده تحقیق حالات این شخص را کردم  
نهایت چشم و دل سیر و استفتاء طبع دارد مع ذلک  
برخی آقایان ایرانی که ایجان تشریف دارد از دیدن و  
مهمان کردن گذشت احوال همی لفظی یا کتبی هم از او نگردند -  
خداوند درد نوع شناسی با عطا فرماید -

نمی‌دانم آقایان یزدی و افشار که اینطور از این شخص پذیرائی نموده اظهار انصافیت نمود مدیر مظفری را عنون خودشان کرده‌اند چیزی از ایشان کم شده یا ضرری بدستگاهشان رسیده است ؟

نه از آنها چیزی کم شده و نه بر ضرورین چیزی فرود. این شخص امروز یکی از ارباب معارف مملکت ما شده است. میشود آقایان متقی بایشان گذاشته که هر کس از ارباب معارف بشنود عنون ایشان خواهد شد - چنانکه بنده هم نهایت ممنون شدم هم از قدر دانی و ضهار عنونیت مدیر مظفری هم از انصاف صاحبان یزدی هر گاه هموطنان محترم این دو وثیت و تفاق را کنار می‌گذاشتند چه قدر برای حال و آئینه روزگارمان خوب بود - فی الحقیقه این بر سورد تجار یزدی آنها در خارج مملکت اساس نیک بختی و امیدواریهای بسیار

ر بایشان میدهد

( دولت م. ز اتصاف خیزد )

( بی دولتی از تفاق خیزد )

( راقم - ع - م )

### روس و انگلیس

از ما نوشتن و از رجال سیاست ایران

( نتیجه حاصل کردن است )

( شماره دوم )

انگلیسان که وقیب روئند قصد و مرام خصم را کشف نموده در پی علاج شده بصدد خرابی عملیات آن برآمدند و نخستین وسیله را در ابطال افکار روس تحریک واپون دانسته چون هنوز با دربار و وزراء و ژنرال بدان قسم رابطه و خاطر جوی نداشتند و درست از پارتیک و مملکت آندوات جریان آگاه نبودند ممکن نبود که از ابتراء بمفسود موفق گردند - بهتر و اصلاح چنان دیدند که برغم روس بندوی از چین گرفته مستحکم نمایند و تدارکات حربی را در آن نقطه فراهم کنند این بود که از دولت چین اجازه بندر ( وپه‌ایوی ) را خواستند تا لنگرگاه کشتیها و انبار ذغال قرار دهند - چین سکه از پذیرفتن این درخواست ناچار بود بندر مزبور را بتصرف انگلیسان داد و در آن مخصوص عهد نامه پایان دولتین بنامیخ و به سال

( ۱۸۹۵ ) مسیعی منعقد گردید سکه بر حسب این مقاوله باید انگلیسان تا وقتیکه روس بر بندر آرتر دست تصرف دارد آنان نیز بندر وپه‌ایوی را متصرف باشند - و هر زمان که روس بندر آرتر را تخلیه نمود انگلیس نیز این بندر را خالی کرده بدولت آسانی بسپارد - عمده فرض دولت انگلیس از گرفتن این بندر آن بود سکه او را مستحکم نموده که در اقبال روسیان مسلح و معکمل باشند و اگر روس شروع بانجام مقاصد خود نماید بتوانند در برابر او ایستاده حمله و هجوم یا دفاع و مناسبه نمایند چه ( وپه‌ایوی ) مناسبترین مقامات و بنا در بجهت این مقصود است که در مقابل ( آرتر ) بمسافت و فاصله ( ۲۵۰ ) کیلومتر واضح شده بنا عایه بعد از تصرف شروع ببنیان قلاع و استحکامات و حصنهای حصین کرد و بر ساحل آن قلعه بسیار محکم متینی بنیاد نمود ولی دو سال از شروع باین مسئله چون گذشت یک دفعه از کار دست کشید و در تمام استحکامات اهمال نمود و از آن همه مخارج صرف نظر کرد بلکه رسماً خبر داد سکه دیگر بیامون این امر نخواهد گشت - فقط بندر مزبور را بندر تجارقی و اقامت گاه سفایین و انبار ذغال مقرر داشت و از قلاع نظامی و تزیینات حربی آن چشم پوشیده هیچکس سر این حرکت ناگهانی تعجب را ندانست جز آنکه در مجلس شورای ملی تصریح کردند که بندر مزبور بحال دولت نافع نیست و فرض مطلوب از او حاصل نمیشود

روزنامهجات انگلیسی برآشفته و حکومت و ارکان حرب را بکوتله نظری و بی بصیرتی در امور نسبت دادند چرا که اولاً بندر مزبور را پسندیده و امتیاز گرفته و مبلغ کثرافی خرج قلاع و حصونش نموده آنگاه متنبه شده‌اند که بندر مذکور فائده ندارد بلکه نداشتن فائده را نیز قبول نکردند چه از هر جهت مناسبتر از سایر بناهاست دیگر آنکه سلمنا این بندر فائده ندارد علت مساعه و غاطله چیست و چرا در اقبال خصم نقطه دیگر را انتخاب نمیکنند و مرکز قوت خود در اقصای شرق قرار نمیدهند و بر حسب ظاهر ایرادشان وارد بود -

لکن اوضاع روزگار و حوادثی سکه در این



دوم تسلط شبه جزیره هندوستان و انزاع آن از دست انگلیسان چه آن قطعه را معدن ثروت و مخزن طلا میدانند و استیلاء نامۀ خود را بر کلیه ممالک آسیا در تملك هندوستان تصور میکنند

در مسئله اول جمیع دول اروپا با او مدعی اند زیرا غلبه روس بر این مرکز استقلال و بقا تمام دول فرنگ را تهدید مینماید و اول کسیکه این معنی را متذکر شد و ظاهر ساخت (پرنس پوزمارک) بود که دولت ممالک آلمان را در حفاظت و وقایه و همراهی در استقلال دول اسلامیة هموما و عثمانی خصوصا فهمید. و بجانب دوستی با عثمانی میل نمود چنانکه اثر آن تاکنون باقی مانده و اینک امپراطور آلمان اظهار اتحاد و یک حقیق با دولت عثمانی مینماید بعد از او انگلیس نیز متذکر و همین سبب قرار یافته که سفاین جنگی از بوغاز (داردائل) عبور ننماید و این معنی باعث گردید که عثمانیان تسلط نامۀ بر بوغاز پیدا کنند و به تنها تملك روس بر اسلامبول خطر اروپای انگلیس است بلکه اکثر مستعمرات خصوص هند را سخت تخوف و تهدید مینماید

### داستان روسیا

( از شماره ۴۹ )

( از سال یازدهم )

مردم شهرها و زمینها که تازه بدست روسیه افتاده برده نیستند و همه مردم آزادند و پیش از این پادشاهان روسیه بر آن سرشوند که بر دکان را آزادی بخشند و از بند بندگی بزرگان رهائی دهند اما آنان از روی بیمانشی چنان پنداشتند که پادشاهان میخواهند آنان را بی خداوند و سرگردان بگذارند چون مانند جاریا و جانوران میزیستند گمان مینمودند آزادی طایفه سرگردانی و گرسنگی و درمندی است پس شورشها برانگیخته فریاد و فغان آغاز نمودند حکمرانه دانست تا آنان را دانش تیموزد و از خوری مردمی آگاه نماید هرگز بن به آزادی در نخواهند داد از آنرو نخست در همه شهر و روستاها از برای آموزگاری آنان دبستانها بنیاد نهاد و آئین زندگانی را بآنان آموخت پس از آن بدانگونه که زیبای بخداوندان آنان رسید آنها را از بند بندگی آزاد نمود

ایام واقع شد سبب انقلاب و تبدل رای حکومت انگلیس را بخوبی با نشان داد. توضیح آنکه پس از تصرف بندر (ویپایوی) دولت انگلیس ملتفت شد که پیشرفت منویات و مقاصدش در شرق اقصای ممکن نیست مگر با اتحاد و دوستی ژاپون پس هر حیل و وسیله که بود اسباب اتحاد را فراهم کرده معاهده سوق عسکری بین دو آئین منعقد شد و بدین واسطه بکنه خیالات ژاپون و مراتب عناوت و تکدر او از حرکات و اعمال دولت روس واقف گردید و مقدار استعداد و قوای بری و بحری او را با طرف مقابل موازنه نموده بیقین دانست بزودی نیران حرب شعله ور شده و ژاپون غالب و قهرا مدعی را از بندر (آرتسر) باک کلیه خاک منجوری طرد و تبعید خواهد کرد. در این صورت همه مخارج انگلیس بدر خواهد شد زیرا که حسب المعاهده بعد از تخلیه بندر (آرتسر) باید او نیز (ویپایوی) را به تصرف چین بدهد و از مصارف صرف نظر نماید از اینرو میتوان حکم کرد که انگلیس بمخطر روس عالم با آنکه خود تا درجه محرك آن بود و از هر حیث ژاپون را مدد و کمک نمود

بهر حال سخن در تدابیر و دستورهایی (بترکیب) بود امروز شمه از وصایای او بحری کشته و نتیجه آن حاصل شده است مثل تصرف ممالک لهستان و فنلند و غلبه بر شواطی بحر سیاه و دریای بالتیک - و بعضی دیگر را حوادث ایام چنان تغییر داده که اجرائش مشکل بلکه محال بنظر میآید مثل تسلط بر آلمان و تسخیر فرانسه که با اوضاع امروزی خیال استیلاء روس را بر این ممالک از عقلاء پسندیده نیست - و دولت مشارالیها نیز این اندیشه را احکمون از سر بدر نموده است - و برخی دیگر از انوسایا راموقع هنوز باقی و فرصت برقرار است - ولی از آنهمه دو فقره در نزد روسان نهایت اهمیت را داراست و تمام قوای خویش وصول باین دورا سعی و مجتهد اول - استیلاء و تملك اسلامبول چه آنرا بزرگترین وسیله در غلبه و حکمرانی اروپا بلکه تمام دنیا میدانند و چندان شوق و میل در انجساح این مرام دارند که هر ساله کشیمان در اعیاد ملیه در کلیسیا و معابد دعا میکنند و از درگاه خداوند فتح اسلامبول را طلب مینمایند

( دستور شوررداری و فرمانبرداری روس )  
 امپراتور روس در بکار بردن دلخواه و آرزوی  
 آزادیست و آنچه اندیشه اش باشد بدو کار می بندد  
 اما کبیر زبردستان بزه کار بسته فرمان انجمن است  
 که انجمن رسیدگی نموده اگر گناهی که به او بسته  
 اند راست شد آنگاه تکفیر آن فرمان میرانند و اگر  
 در هنگام رسیدگی گناهرا از گردن خود انداخت آزاد  
 و رها می شود و کارهای پادشاهی، پسرده دست انجمن  
 های چندست که هر يك از مردم بزرگ دانا و کهن  
 سال کار آورده فراهم آورده اند که نام انجمن هایگان  
 یگان نگارش می باید

نخست ( سناتور ) که آن انجمن بر همه فرمان رواست  
 و در روزگار پتر بزرگ بنیاد شده است و بر آن انجمن  
 هیچکس فرمان روایی و برتری ندارد مگر امپراتور  
 و روی فرمان امپراطور فرمان نیست و دیگر انجمن  
 ها هر يك از راهی در زیر فرمان انجمن - سناتور میباشند  
 این انجمن را شاخه ها است که هر يك را کاری است  
 که نگار خود میپردازند و در حدود پترسبورگ چهار انجمن  
 هست که همگی شاخه های همین انجمن و بنام سناتور پتر  
 خوانده میشود و دو انجمن هم در مسکو و بنام سناتور  
 مسکو خوانده میشوند که بای تخت نخستین روسیه بوده  
 است که هم این انجمن ها از بزرگان و دانایان و  
 دانشمندان روسیه و دارای بایه بالا فراهم آمده است  
 و پادشاه یکی را بر آنان گماشته و مردم این انجمن ها  
 مانند يك جان در تنی چند میباشد و در کارها سرهوی  
 با هم دوپ و بیگانهی روز نمیدهند و شماره مردم انجمن  
 بزرگ و بزرگ انجمن بی فرمان امپراتور کم و بیش و  
 بجایش میشود ( راستا و - وظیفه ) سناتور آنکه ( دهناد -  
 نظامات ) و آیین هاییکه از برای کشور در کارست و  
 فرمان امپراتوری باید گذارده شود در او اندیشیده  
 از روی پناز نگاشته به پیشگاه امپراتوری پیش می نمایند  
 گر بسند افتاد دستور کارها دانسته و از روی آن کار  
 ببندند و بیوسته میکوشند که کم و کاستی در او بروز نماید  
 و دیگر آنکه از هر سوی کشور در آن پاره نگارشی برسد  
 رسیدگی نموده انجام میدهند و در بیشتر جایها که ( کارکیا -  
 حاکم ) نشین است میتوانند از خود آدمی روانه کنند  
 ( کبا - حاکم ) برگزیده و بنام امپراتوری در آن بازه ها

فرمان بیرون بیاورند و همچنین درباره پذیرفتن برخی  
 از فرمانهای امپراتوری که درباره کارهای کشوری  
 است دستوری دارند و میتوانند همگی يك دهان پاسخ  
 نگاشته و فرمان را پس نهند اما پیداست که فرمان  
 امپراتوری را بدون گفتگو می پذیرند چونکه امپراتور  
 فسنجیده فرمان نمیدهد و ( زریور - رئیس ) که بر این  
 انجمن گماشته میشود نیرو و سخن روانیش بسیار است  
 چنانچه اگر در کارهای بزرگ یکی از این انجمن ها  
 ( دینانی - اعلامی ) داده و یا اندیشه او درست بیاید  
 میتواند همگی مردمان آن ( پرمون - دایره ) را در  
 یکجا گرد آورده از سر و برسدگی آنکار پرداخته و  
 در آنکار دور اندیسی و تاریک بینی نمایند و با کنکاش  
 بزرگ در بکار انجامی بکنند و نوشته همگی کارهای  
 پادشاهی در سناتور پترسبورگ نگاه داشته میشود والا  
 نام همگی بزرگ زادگان در سناتور مسکو ( در بدش  
 صورتش ) نگاشته شده در آنجا آماده است ( باقی دارد )  
 ترجمه از روزنامه ویوریمیای روس

اخبار ( ویوریمیا ) میگذارد - دولت ژاپون امروزه  
 در جنگ اقصای شرق سلطان بحر و پادشاه برست  
 ریرا که حمل و نقل فزون و سیورسات و قورخانه و  
 سایر لوازم میدان جنگ با کمال سهولت و آسانی برای  
 او ممکن است و امروزه مارا قوه و استعداد تقابل و  
 برابری با او نیست مگر هنگامیکه جهازات باتیک باقصای  
 شرق برسند - اکنون وظیفه و مرس منسی ما آنستکه در  
 بیابان وحشی با نهایت قوت قلب و شجاعت و شهامت  
 و جلالت با لشکر دشمن مقابله و مقابله بنایم و سعی  
 و کوشش کنیم که در هیچ میدان بر ما تفوق حاصل نکنند  
 و نیز جلوگیری از فرقه طاعنه باغیه ( هونوز ) که  
 در هیچ مورد با ما از اظهار عداوت و دشمنی خود  
 داری نمیکند و در صدد هستند که بهر وسیله بر ما  
 سده و خمران وارد آرند حتم و لازم است

و بالاتر از همه مصایب صدماتیست که از جراثیم  
 خودمان بر ما وارد آمده چه محض گول زدن ملت  
 و خوشنود کردن ایشان خاک در چشمشان کرده اخبار  
 دروغ بی اصل را که بقی بر شکست دشمن و فتح  
 ما بود بجهت اغفال و اخراج بجهت اشاعت داده اند -  
 اکنون بر ما لازم است که استعداد کامل خود را